

ویژه‌نامه
هفتادمین
سالروز استقلال
کانون وکلای
دادگستری

وکیل

جعفر کوشا
رئیس اسکودا تبیین می‌کند

دورنمای روشن نهاد وکالت

روسای کانون‌های وکلای
دادگستری ایران از اهمیت
استقلال نهاد وکالت می‌گویند

بانوشتار و گفتارهایی از

علی خواجویی‌راد، کارزن روحانی، سید محمد جندقی کرمانی‌پور
علی مندنی‌پور، حسین محمد نبی، کامبیز نوروزی
و عباس عابدی



روابط عمومی اتحادیه
سراسری کانون‌های
وکلا دادگستری ایران
(اسکودا)





ویژه‌نامه هفتادمین سالروز استقلال کانون وکلای دادگستری

اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای
دادگستری ایران (اسکودا)

زیرنظر: **جعفر کوشا**

مشاور رسانه‌ای: **عباس رضایی ثمرین**

سرمدیر: **سید علیرضا حسینی**

مدیر داخلی: **امید اسماعیل طهرانی**

هیات تحریریه: **پانید فاضلیان و فرشاد گلزاری**

مدیر فنی و هنری: **حامد صادقی**

ویراستار: **حمیده ایوبی**

باتشکر از:

خانم‌ها: کاظم زاده، مانی‌فر و محمدخانی
آقایان: گلپایگانی، آتشیانی، علیزاده و مقدم
با سپاس ویژه از مسئولان روابط عمومی
کانون‌های وکلای دادگستری سراسر کشور

آدرس: تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر
خیابان بهزاد شفق (۱۷)، پلاک ۲۰، طبقه سوم
تلفن: ۸۸۷۰۲۲۹۱ - ۸۸۷۰۲۲۸۹ - دوزنگار: ۸۸۷۰۲۲۸۹
رایانامه: admin@scoda.org
نشانی وبگاه: <https://scoda.org>

آدرس شبکه‌های اجتماعی:

اینستاگرام:

[https://www.instagram.com/
iranian_bar_associations_union](https://www.instagram.com/iranian_bar_associations_union)

تلگرام:

<https://www.telegram.me/skoodaa>

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: **پیمان نواندیش**

روابط عمومی اتحادیه سراسری کانون‌های
وکلای دادگستری ایران (اسکودا)





- ۶ جعفر کوشا، رئیس اسکودا تبیین می‌کند
دورنمای روشن نهاد وکالت
- ۱۲ محمود حبیبی، نایب رئیس دوم اسکودا
تحلیل فقهی، فلسفی و حقوقی استقلال نهاد وکالت
- ۱۴ یادداشتی از علی حامد توسلی، بازرس دوم اسکودا
اعتبار و عزت وکلا و جامعه وکالت باز خواهد گشت
- ۱۶-۶۳ یادداشت‌های روسای کانون‌های وکلای دادگستری ایران
یادداشت‌های روسای کانون‌های وکلای دادگستری ایران
- ۶۴ گفت‌وگو با علی خواجه‌پور، داد، حقوقدان و نایب رئیس کانون وکلای دادگستری استان کرمان
پشتیبانی از افراد با عقاید نوگرا مسئولیت اجتماعی نهاد وکالت
- ۶۸ گفت‌وگو با کارن روحانی، نایب رئیس پیشین کانون وکلای دادگستری مرکز
کارآموزان وکالت نباید از مسائل صنفی دور باشند
- ۷۲ سید محمد جندقی کرمانی‌پور از الزامات ارتقای شأن و منزلت وکالت می‌گوید
وکیل دادگستری نباید تحت هیچ شرایطی از استیفای حقوق موکل غافل شود
- ۷۶ یادداشتی از علی مندنی‌پور، رئیس اسبق اسکودا
مانده‌ام از کدام کانون وکلا بنویسم؟
- ۸۰ گفت‌وگو با حسین محمد نبی به بهانه هفتادمین سالروز استقلال کانون وکلا
استقلال در امر وکالت ضمانت اجرای عدالت است
- ۸۶ کامبیز نوروزی، حقوقدان و فعال رسانه‌ای از فراز و فرودهای نهاد وکالت در ۷۰ سالگی‌اش می‌گوید
کانون‌های وکلا در عرصه عمومی غایب هستند
- ۹۲ عباس عیدی، پژوهشگر اجتماعی و روزنامه‌نگار
وکیل ضامن برقراری حاکمیت قانون در جامعه است
- ۷۱، ۸۵، ۹۵ یادبودهایی برای دکتر ناصر کاتوزیان، دکتر بهمن کشاورز و دکتر سیدمحمد هاشمی
یادبودهایی برای دکتر ناصر کاتوزیان، دکتر بهمن کشاورز و دکتر سیدمحمد هاشمی
- ۹۶ نگاهی بر آثار استقلال کانون وکلا به بهانه هفتم اسفند
حق دفاع و وکالت لازمه عدالت اجتماعی
- ۱۰۲ اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران و قریب دو دهه فعالیت ساختمانند
اسکودا و لزوم نهادگرایی در صنف وکالت
- ۱۰۶ مروری بر حوادثی که در یک سال گذشته برای وکلای دادگستری اتفاق افتاد
خشونت علیه وکلا به جرم ایفای مسئولیت!



اقتضای دوره جدید روابط عمومی نهاد وکالت

سید علیرضا حسینی
سرپرست روابط عمومی اسکودا

سخن
سردبیر

ادارات، سازمان‌ها و نهادهای صنفی معمولاً برای ارتباط‌گیری با جامعه مخاطبان خود، واحد روابط عمومی تشکیل داده و به دنبال تبلیغ و ترویج اقدامات خود هستند.

اگر بخواهیم در یک جمله کوتاه، روابط عمومی را تعریف کنیم بهترین جمله آن است که «ساز کار روابط عمومی بهبود تصویر عمومی سازمان نزد افکار عمومی است».

به جرأت می‌توان گفت روابط عمومی قلب تپنده یک مجموعه است و چنانچه این عضو به خوبی کار نکند به تاسی از آن، اقدامات شایسته‌ای که در آن نهاد بروز و ظهور دارد به خوبی منعکس نمی‌شود و افکار عمومی تصویر بدی از آن سازمان به ذهن می‌سپارد. در اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران که به اختصار آن را «اسکودا» می‌نامیم، بخش روابط عمومی از سال‌های گذشته چندان مورد توجه نبود و همین مسئله باعث شد نهاد وکالت همواره زیر تیغ منتقدان قرار گیرد و چه اتهامات و فرافکنی‌هایی که نصیبش نگردید و چه فاصله‌هایی که میان این نهاد صنفی ریشه‌دار با مردم ایجاد نشد.

به طور سنتی واحدهای روابط عمومی باید مدافع عملکرد سازمان خود باشند اما این وظیفه در نهاد وکالت دوچندان سخت‌تر است چرا که هجمه‌های رسانه‌ای متعدد و مختلفی از سوی کینه‌ورزان به سوی آن روانه می‌شود تا بلکه کانون‌های وکلای را در مسیر تثبیت استقلال، با مشکل مواجه کنند.

در دوره جدید فعالیت روابط عمومی اسکودا، این نهاد صنفی شاهد تحولات گسترده‌ای است؛ از تصویب تشکیلات (چارت) روابط عمومی گرفته تا تشکیل شورای سیاست‌گذاری روابط عمومی و شورای استانی روابط عمومی نهاد وکالت، و همگی اینها نشان از عزم جزم این نهاد ریشه‌دار در پوشش خلاء ارتباطی با بدنه جامعه و نیز مخاطبان خود است.

اگرچه در طول سال‌های متمادی نهاد وکالت همواره به مسئولیت اجتماعی خود که خاصه در تفاهم‌نامه‌های معاضدت قضایی متبلور است، عمل کرده اما به دلیل فقدان روابط عمومی، این خدمات رایگان و نیز ده‌ها خدمت دیگر به خوبی منعکس نشد و نتیجه آن شد که رسانه‌های مغرض در بوق و کرنا کرده‌اند که وکلای قشری مرفه بی‌درد هستند که تنها هدفشان اخذ حق‌الوکاله‌های نجومی است. ما در دوره جدید روابط عمومی قصد حرکت در مسیر پروپاگانداسازی اقدامات نهاد وکالت نداریم اما در عین حال اجحاف به این نهاد ریشه‌دار می‌دانیم که مسئولیت‌شناسی وکلا که ناشی از دغدغه مسئولیت اجتماعی آنان است را در سطح وسیعی اطلاع‌رسانی نکنیم.

اما باید توجه داشت که ترویج و تبلیغ این مسئولیت‌شناسی جامعه وکلا، بدون تولید محتوا غیرممکن است. اگر سوزنی به خود زنیم می‌بینیم که محتوای چندانی در دست نداریم که ترویج دهیم و جامعه را متوجه کارهای خود کنیم. در کنار تولید محتوا، توزیع آن نیز مهم است که در اینجا نیز باید اقرار کرد که ضعیف عمل کرده‌ایم و نتوانسته‌ایم به خوبی از بسترهای توزیع محتوا استفاده کنیم.

در این راستا در دوره جدید روابط عمومی برای مبحث تولید و توزیع محتوا، کلاس‌های آنلاین و حضوری به صورت ماهیانه و فصلی در نظر گرفته‌ایم که با کمک اساتید مجرب ارتباطات آن را اجرایی خواهیم کرد تا با یک سیاست رسانه‌ای واحد و به صورت متحدالشکل، رو به جلو و در مسیر رشد و توسعه اقدامات حرکت کنیم.

در پایان، ویژه‌نامه هفتادمین سالروز استقلال کانون وکلا که در دست دارید و در آن به صورت برجسته‌ای بر استقلال این نهاد صنفی تأکید شده، چراغ راهی است برای جامعه وکلا به خصوص کارآموزان وکالت که بدانند در مسیر استقلال نهاد وکالت چه بسیار مشقت‌ها و سختی‌هایی که کشیده نشده است.





جعفر کوشا، رئیس اسکودا تبیین می‌کند

دورنمای روشن نهاد وکالت

سیدعلیرضا حسینی

کانون وکلای دادگستری هفتاد سال پس از کسب استقلالش از نهاد قضا، امروز با شرایط متفاوتی روبه‌رو است. در حال حاضر چالش‌های پیش‌روی نهاد وکالت شاید مسبق به سابقه ارزیابی شود اما از نظر موقعیت زمانی و مکانی شرایط امروز با آنچه که در گذشته اتفاق افتاد، متفاوت است.



دیگری مواجه هستیم و عبور از این شرایط هر قدر هم که سخت و دشوار باشد، ناممکن نیست.

متن گفت‌وگو با دکتر جعفر کوشا، رئیس اسکودا و عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی را در ادامه می‌خوانید:

به عنوان نخستین سوال بفرمائید استقلال کانون وکلا چه اهمیتی به ویژه در بحث صیانت

امید به آینده نهاد وکالت متاثر از جایگاه و فعالیت این نهاد صنفی در ارتباط با مردم و حاکمیت است و هر قدر در این عرصه حضور موثرتری داشته باشیم می‌توانیم نقطه اتکای خوبی برای مردم باشیم و این یعنی با همه چالش‌های پیش‌رو، دورنمای وکالت روشن خواهد بود

از حقوق عامه دارد؟

استقلال مفهومی است که در بحث قضاوت، حق و عدالت معنی پیدا می‌کند. در فرآیند دادرسی، قاضی باید در استنباط و استدلال مستقل عمل کند و فقط متکی به قانون و دکترین قضایی باشد، بنابراین در فرآیند تشخیص حق و اجرای عدالت نباید به چارچوب‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی وابستگی داشته باشیم.

البته در این فرایند تنها امر قضا نیست که باید مستقل باشد بلکه کارشناسان، وکلا، سازمان‌ها و نهادهایی که خارج از قوه قضائیه در این فرآیند حضور دارند نیز باید این عدم وابستگی را رعایت کنند.

از اینرو همه اشخاص و افراد موثر بر فرایند احقاق حقوق و اجرای عدالت باید مستقل و غیر وابسته باشند تا عدالت هرچه بیشتر به معنای واقعی کلمه اعمال شود.

در این رابطه وکیل نیز وضعیت مشابه قضایی را دارد؛ هر دو یک درس را خوانده‌اند، منتها در فرآیند دادرسی در دو سوی مختلف قرار دارند. در این فرآیند هر دو قصد اثبات یا نفی یک موضوع را دارند، این وجه اشتراک آنها است اما در خاستگاه میان این دو تفاوت وجود دارد. خاستگاه قضایی برآمده از درون حاکمیت است و اینجاست که مفهوم مستقل بودن وکیل معنی پیدا می‌کند. وقتی از استقلال نهاد وکالت صحبت می‌کنیم یعنی مرجع صادر کننده پروانه وکالت خارج از نهاد حاکمیتی باشد. این مرزبندی باعث می‌شود تا فرآیند احقاق

از یکسو وقوع حوادثی نظیر حوادث ماه‌های گذشته به چالشی جدی در روابط دولت - ملت تبدیل شد و از سوی دیگر مقارن همین وقایع، مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه با اتخاذ تصمیماتی بحث‌برانگیز عرصه را بر فعالیت نهاد وکالت تنگ‌تر کرد و فعالیت این نهاد صنفی را با چالش‌هایی روبرو کرده‌اند که می‌تواند بر استقلال نهاد وکالت و دورنمای حرفه وکلای دادگستری

تاثیرگذار باشد. این اتفاقات در شرایطی است که جامعه ایران به سبب تحولات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و زیست محیطی سال‌های اخیر، با چالش‌های حقوقی متعددی مواجه است.

مجموع این اتفاقات چه تاثیری بر عملکرد نهاد وکالت و حفظ استقلال آن خواهد گذاشت؟ مسئولیت اجتماعی وکلای دادگستری در مواجهه با این وضعیت چیست؟ کارآموزان وکالت به عنوان پاسداران جدید صیانت از حاکمیت قانون چه نقش‌ها و مسئولیتی را برعهده دارند؟ دکتر جعفر کوشا، رئیس اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) در گفت‌وگوی پیش‌رو برای تمامی این پرسش‌ها، پاسخی قانع‌کننده دارد و برای نهاد وکالت دورنمایی روشن و برآوردی خوش‌بینانه ترسیم می‌کند.

تاسیس پژوهشگاه اسکودا برای تمرکز بر آینده‌پژوهی در نهاد وکالت، تاکید بر لزوم تربیت وکلای متخصص، مجرب، شریف و شجاع برای دفاع از حقوق موکلان در محاکم و اظهارنظر در حوزه حقوق عمومی شهروندان و فعالیت پررنگ‌تر در رابطه با معاضدت‌های قضایی و مسئولیت‌های اجتماعی از جمله برنامه‌هایی است که دکتر کوشا در این گفت‌وگو از آنها به عنوان فعالیت‌های پیش‌رو و آتی اسکودا یاد می‌کند.

رئیس اسکودا می‌گوید با همه چالش‌های پیش‌رو، شرایط عمومی اجتماعی طوری است که با پیچیدگی‌های حقوقی بیش از هر زمان





صورت خاص استقلال وکیل به این معنی است که باید همه ابزار، امکانات و زیرساخت‌های لازم را فراهم کنیم تا وکیل بتواند به وظیفه اصلی خود یعنی دفاع آزادانه از موکلش عمل کند. این به معنای آن است که کنار استقلال نهاد وکالت مسئله آزادی هم مطرح است.

در این چارچوب چه نقش و مسئولیتی متوجه نهاد وکالت است، تا استقلال خود را حفظ کند؟

برای استقرار این استقلال نیازمند مستقل بودن کانون وکلا هستیم. نهاد وکالت مسئولیت آموزش، صدور پروانه، کنترل و تعقیب متخلفان را برعهده دارد یعنی باید از این حیث ساختارهایی بهینه در کانون وکلا وجود داشته باشد که سال‌هاست این ساختارها شکل گرفته و بر آن نیز نظارت می‌شود.

از ادوار گذشته، توجه به مسئولیت اجتماعی یکی از سیاست‌های اسکودا بوده است. با توجه به انتظار عمومی که از این حیث در جامعه وجود دارد، چگونه می‌توان این امر را به بهترین صورت ممکن محقق کرد؟

حق در فضایی متأثر از دو رویکرد قانونمدار اتفاق بیفتد، یکی جریانی متأثر به نظم و مقررات وضع شده از سوی حاکمیت و دیگر جریانی قانونمدار اما مستقل از قیود حاکمیتی؛ اینگونه موضوع دعوی همزمان از دو منظر درون و برون حاکمیتی بررسی می‌شود. اینجاست که بحث مستقل بودن مرجع صدور پروانه وکالت و حتی مهارت‌آموزی وکیل معنی پیدا می‌کند و حائز اهمیت می‌شود. اگر صدور پروانه وکالت در شرایطی باشد که به واسطه احتمال لغو آن، این استقلال مخدوش شود، چیزی به اسم وکیل مستقل نخواهیم داشت. بنابراین وقتی صحبت از استقلال نهاد وکالت می‌شود، به این معنی نیست که خارج از حاکمیت، جزیره مستقلی به نام نهاد وکالت ایجاد شود. منظور قانون اساسی از استقلال قوه قضائیه و شخص قاضی به متمایز بودن بحث احقاق مربوط می‌شود وگرنه در همین قانون بر بحث استقلال قوای مجریه و مقننه و رویکرد عدالت محورانه آن تأکید شده است. به همین جهت برای آنکه قوه قضائیه بتواند استقلال خود را حفظ کند نیازمند ارگان‌های مستقل هستیم، مثلاً پلیس قضایی باید مستقل از پلیس شهری و انتظامی باشد. استقلال نهاد وکالت در مجموع و به

انسانی، حقوق زندانیان، حقوق متهمان، حقوق شهروندی، حقوق ملی و تعرضات حاکمیتی گسترده است.

برنامه اسکودا در سال ۱۴۰۲ برای پررنگ تر شدن ایفای نقش مسئولیت اجتماعی در نهاد وکالت چیست؟

رصد وقایع اجتماعی که به آنها مبتلا هستیم وظیفه‌ای است که ما برای خود در نهاد وکالت تعریف کرده‌ایم؛ به طور مثال اتفاقات مربوط به کولبران در کردستان، ریزگردها در خوزستان، مسائل قومیتی در سیستان و بلوچستان و مسائلی نظیر آن را باید به صورت روزمره رصد و بررسی کنیم.

این مسئولیتی است که از گذشته برای اسکودا تعریف شده و ادامه نیز خواهد داشت؛ اما در بعد آینده‌نگری باید روند وقایع اجتماعی را طوری دنبال کنیم که بتوانیم برای مقابله با آسیب‌های آتی و احتمالی که از محل سیاستگذاری‌های حاکمیتی به وجود می‌آیند آماده باشیم.

در دولت یا مجلس ممکن است تصمیمات نادرستی علیه حقوق عامه اتخاذ شود که تبعات آن ممکن است در آغاز و حتی تا مدتی برای عموم جامعه مشهود نباشد. در این خصوص رویکرد اسکودا این است که هر آنچه که به عنوان طرح یا لایحه در دولت و مجلس مطرح می‌شود را بررسی کرده تا آثار مخرب احتمالی آنها شناسایی شوند.

کم نیست مقرراتی که تصویب شده‌اند و ممکن است آثار مخرب آنها تا پنج سال دیگر خود را نشان دهد. نمونه این تصویب، «قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار» است که با اطمینان می‌گوییم فاقد نظر کارشناسی است. تصویب چنین قانونی شاید از پشتوانه نظری اقتصاددان‌ها برخوردار باشد اما رویکرد اقتصادی، رویکرد صحیحی برای تصویب چنین قانونی نیست. درست است که

خاستگاه متفاوت حرفه وکالت در قیاس با سایر مناصب اجتماعی، ناشی از همین مسئولیت اجتماعی است بر همین اساس جامعه انتظار تحقق آن را از نهاد وکالت دارد. برای همین است که می‌گوییم وکالت یک منصب و شأن است، نه یک شغل.

در بحث حقوق عمومی، وکیل در مقام یک فرهیخته وظیفه دارد تا در مسائل مختلف اظهارنظر کند، این یعنی حفظ پایگاه مردمی نهاد وکالت در چارچوب مسئولیت اجتماعی. کانون وکلا تنها نهاد اجتماعی است که هم ماهیت صنفی دارد و هم با کانون و مقررات سروکار دارد.

وکیل نمی‌تواند در بحث حق، در جامعه بی‌تفاوت باشد. به طور مثال اگر کسی برای دفاع از خود به وکیل نیاز دارد اما استطاعت مالی اختیار کردن آن را ندارد، می‌تواند از معاضدت قضایی استفاده کند. برخورداری از حق دفاع مثل برخورداری از حق سلامت، بخشی از حقوق مردم است. اگر دسترسی به این حق برای عموم میسر نباشد در جامعه تبعیض به وجود می‌آید. از این‌رو برای برقراری عدالت اجتماعی ناگزیر هستیم تا از طریق برقراری معاضدت قضایی دسترسی عمومی شهروندان به چنین حقی را فراهم کنیم. این وظیفه می‌تواند بخشی از حلقه اتصال نهاد وکالت به مطالبات اجتماعی باشد.

تضمین تحقق مباحث مطرح در حقوق عامه نظیر آزادی‌های مشروع، آزادی‌های سیاسی، آزادی بیان و آزادی اندیشه از جمله وظایفی است که در چارچوب مسئولیت‌های اجتماعی برای نهاد وکالت تعریف شده است. ما به عنوان وکیل و نهاد وکالت وظیفه پاسداشت این حقوق را داریم و باید از کسانی که در فرآیند اجرای عدالت مورد تعرض قرار می‌گیرند حمایت کنیم، هرچند که عرصه این نگرانی و پاسداری از آن در حوزه‌های مختلف نظیر محیط زیست، حقوق حیوانات، حقوق

تضمین تحقق مباحث مطرح در حقوق عامه نظیر آزادی‌های مشروع، آزادی‌های سیاسی، آزادی بیان و آزادی اندیشه از جمله وظایفی است که در چارچوب مسئولیت‌های اجتماعی برای نهاد وکالت تعریف شده است و ما به عنوان وکیل و نهاد وکالت وظیفه پاسداشت این حقوق را داریم و باید از کسانی که در فرآیند اجرای عدالت مورد تعرض قرار می‌گیرند حمایت کنیم



”

رصد وقایع اجتماعی که به آنها مبتلا هستیم وظیفه‌ای است که ما برای خود در نهاد وکالت تعریف کرده‌ایم؛ به طور مثال اتفاقات مربوط به کولبران در کردستان، ریزگردها در خوزستان، مسائل قومیتی در سیستان و بلوچستان و مسائلی نظیر آن را باید به صورت روزمره رصد و بررسی کنیم. این مسئولیتی است که از گذشته برای اسکودا تعریف شده و ادامه نیز خواهد داشت

“

سیاست‌های تقنینی که نشان از حضور پررنگ نهادهای موازی در مسائل قانونگذاری و تصمیم‌گیری است، بهتر دیده شود. البته بحث حضور نهادهای موازی بسیار مفصل و مسبوق به سابقه است؛ امروز ما هم بهزیستی و هم کمیته امداد را داریم. از اینگونه نهادهای موازی در کشور زیاد داریم. این نهادهای موازی ضربه‌گیرند و مانع حرکت یکدیگر می‌شوند. اگر قرار بر پیشرفت جامعه است باید این نهادهای موازی را مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

نکته بعدی در بحث رویکرد اسکودا در سال ۱۴۰۲ این است که به هیچ عنوان نباید اجازه دهیم استقلال نهاد وکالت زیر سوال رود؛ شاید در خود نهاد وکالت افرادی باشند که چندان متوجه اهمیت این خط قرمز نباشند اما برای سال ۱۴۰۲ این مسئله جدی ماست. یادمان باشد که کانون وکلای دادگستری عضو اتحادیه بین‌المللی وکلا IBA است و این قضیه اهمیت موضوع حفظ خط قرمز استقلال کانون را دوچندان می‌کند. نکته بعدی، حفظ و تقویت ارتباط نهاد وکالت با مردم است. مردم در بسیاری مواقع مظلوم واقع می‌شوند و نیازمند یاری‌رسانی هستند. البته اسکودا و در مجموع نهاد وکالت، در جریان اعتراضات اخیر، نهایت کوشش خود را برای حمایت از وکلای بازداشتی و شهروندانی که در مظان اتهام قرار دارند انجام داده‌اند. این به معنی نهادینه کردن دفاع از حقوق معترضان و به رسمیت شناختن حق اعتراض است.

آینده‌پژوهی که مدنظر شماست، چگونه و با چه ابزاری در اسکودا محقق خواهد شد؟

ما در هیات عمومی و شورای اجرایی مصوب کردیم که در اسکودا یک پژوهشگاه به همین منظور راه‌اندازی شود، تا در مواردی که نیاز به مستندسازی و تحقیق است

«

جامعه با معضل اقتصادی روبروست اما در چنین موضوعی نگاه اقتصادی نمی‌تواند رویکرد جامع و تعیین‌کننده‌ای باشد. با برداشتن ظرفیت قبولی در آزمون احراز حرفه وکالت و تسهیل برای ورود به این حرفه در سال ۱۴۰۱، کانون وکلای دادگستری و مرکز مشاوران قوه قضائیه بالغ بر ۱۸ هزار وکیل جذب کرده‌اند. در ظاهر ممکن است معضلات اقتصادی بهبود پیدا کرده باشد اما در درازمدت این قانون می‌تواند تولید مفسده کند. موضوع این است که آیا به

تعداد وکلا در کشور، پرونده در دستگاه قضایی برای رسیدگی وجود دارد؟ این مطلبی است که در زمان تصویب به آن توجه نشد اما حالا خود قوه قضائیه پی به اهمیت آن برده است.

در حال حاضر این مصوبه به عنوان قانون مصوب، مورد احترام نهاد وکالت است و ملزم به تبعیت و اجرای آن هستیم اما معتقدیم که باید از طریق رویکرد آینده‌پژوهی، چنین قوانینی را تغییر دهیم.

نمونه دیگر طرحی است که هم‌اکنون در مجلس مطرح و به موجب آن قرار است نمایندگان حقوقی شرکت‌ها به عنوان وکیل در دعاوی حضور داشته باشند، اتفاقی که به منزله زمین‌گیر کردن حرفه وکالت تلقی می‌شود. البته از این مجلس توقعی نیست چون رویکردش فقط نوشتن طرح است، برای همین است که در صف انتظار مجلس بالغ بر ۶۰۰ طرح در نوبت رسیدگی قرار دارد. این وضعیت یک تالی فاسد به دنبال دارد. افرادی که فاقد نگرش تخصصی حقوقی هستند، مدام در حال وضع مقرراتی هستند که می‌تواند تبعاتی را برای جامعه به دنبال داشته باشد.

آینده‌پژوهی در اینجا به اصلاح و پختگی روند تنقیح مقررات کمک می‌کند. اتفاقی که اگر بیفتد شاهد کاهش تبعات ناشی از کاستی‌های احتمالی خواهیم بود.

آینده‌پژوهی به ما کمک می‌کند تا وضع

بابت کسب تجربه و گذراندن دوره‌های آموزش تخصصی مطالبه‌گر باشند.

وکیل، متکی (نقطه اتکای) مردم است و باید در عین داشتن شجاعت و شرافت، متخصص و مجرب نیز باشد.

فراموش نکنیم که حقوق در هر رابطه‌ای نقش دارد و تنظیم‌کننده مناسبات اشخاص است. این مناسبات خواه در سطح روابط خانوادگی باشد یا روابط کاری یا مسائل تجاری و مالی و حتی زندگی شهری، پدیده‌های زیست محیطی، بین‌المللی و فعالیت‌های هنری را شامل می‌شود. این یعنی حقوق به معنی وسیع کلمه در هر فضایی جاری است.

شما همواره از جمله اشخاصی بوده‌اید که به آینده نهاد وکالت امیدوار هستید. با درنظر داشتن همه جنبه‌های شرایط کنونی و چالش‌های پیش‌رو، دورنمای حرفه و نهاد وکالت را چطور ارزیابی می‌کنید؟

سخن پیامبر(ص) است که اگر امید وجود نداشت هیچ مادری، نوزادش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی بذر کاشته شده را آبیاری نمی‌کرد. ما، هم امیدواریم و هم خوش‌بین هستیم که دورنمای روشنی پیش‌روی نهاد وکالت است. دلیل این خوش‌بینی این است که قصد و مسیر حرکتمان، گام برداشتن در جهت حفظ حقوق عامه است.

از طرف دیگر سعی داریم تا در کنار مردم باشیم و چون خرد جمعی، برآیند اکثریت است، خودمان را آماده کرده‌ایم تا در راستای احقاق حقوق عامه دواطلبانه حرکت کنیم. امید به آینده متأثر از جایگاه و فعالیت نهاد وکالت در ارتباط با مردم و حاکمیت است و هرقدر در این عرصه حضور موثرتری داشته باشیم می‌توانیم نقطه اتکای خوبی برای مردم باشیم و این یعنی با همه چالش‌های پیش‌رو، دورنمای وکالت روشن است.

اقدامات لازم صورت گیرد. در نهاد وکالت تا به امروز الزام به انجام مطالعات علمی چندان پررنگ نبوده است. گام اول در این مسیر می‌تواند انتشار کتاب چشم‌انداز باشد. در فاز دوم نیز با راه‌اندازی پژوهشگاه اسکودا مطالعات لازم در زمینه اولویت‌ها و چشم‌انداز آتی نهاد وکالت صورت خواهد گرفت.

مسئولیت آموزش کارآموزان وکالت به عنوان بخشی از اعضای نهاد وکالت، بر عهده کانون وکلاست، در این خصوص چه توصیه‌ای به کارآموزان این نهاد صنفی دارید؟

قبولی در آزمون نهاد وکالت به خودی خود امری دشوار است. قبول‌شدگان در این آزمون همکاران جدید جامعه وکلا هستند. وکالت با همه شأن و منزلتی که دارد، کاری حساس و استرس‌زاست. کارآموزان وکالت در مقام پاسداران حاکمیت قانون، باید شرافت و نجابت خود را به نمایش گذارند، همانطور که در سوگندنامه وکلا از شرافت به عنوان وسیله کار وکیل یاد شده است. علت این تأکید به دلیل تأثیری است که رفتار وکیل بر جان، مال و ناموس مردم دارد.

غیر از این وکیل باید شجاع باشد؛ ترس و زبونی و امرار معاش تحت هر شرایطی شاید از یک حقوقدان پذیرفته شود اما در شأن وکیل نیست.

نکته دیگری که باید از سوی کارآموزان وکالت و حتی خود وکلا جدی گرفته شود، مسئله استفاده از تجارب و مشورت حرفه‌ای است. علاوه بر این باید از نظر علمی خود را به‌روز کنند و مطالعه داشته باشند. مناسبات حقوقی امروز پیچیده‌تر از هر زمانی است و در این میان کارآموزان باید خود را برای تخصص‌گرایی آماده کرده و از ورود به هر عرصه‌ای پرهیز کنند. این به معنی آن است که خود کارآموزان نیز در این رابطه

به هیچ عنوان نباید اجازه دهیم استقلال نهاد وکالت زیر سوال رود؛ شاید در خود نهاد وکالت افرادی باشند که چندان متوجه اهمیت این خط قرمز نباشند اما برای سال ۱۴۰۲ این مسئله جدی ماست. یادمان باشد که کانون وکلای دادگستری عضو اتحادیه بین‌المللی وکلا IBA است و این قضیه اهمیت موضوع حفظ خط قرمز استقلال کانون را دوچندان می‌کند





تحلیل فقهی، فلسفی و حقوقی استقلال نهاد وکالت



محمود حبیبی، نایب رئیس دوم اسکودا

کانون وکلای دادگستری به عنوان نهادی تنومند و دارای استقلال ذاتی، همواره در مقاطع مختلف تاریخ، آماج حمله‌ها و ناملازمات روزافزونی بوده که عمده این حمله‌ها، استقلال این نهاد را هدف قرار داده‌اند. در این یادداشت به تحلیل ضرورت استقلال نهاد وکالت از سه منظر فقهی، فلسفی و حقوقی می‌پردازم.



هرچند استقلال نهاد وکالت که در لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مورد تصریح قرار گرفته از حقوق اروپایی و به ویژه حقوق فرانسه اقتباس شده، اما استقلال وکیل در موضع دفاع و ضرورت استقلال کانون‌های وکلای دادگستری ریشه در احکام شریعت اسلام، نصوص قرآنی و منابع معتبر فقهی دارد. بر این اساس، نمایندگان مجلس، قوه قضائیه و به طور کلی نهاد حاکمیت نیک مستحضرند چنانچه با تصویب قانون، آیین‌نامه یا هر امر دیگری موجبات تضعیف استقلال نهاد وکالت را فراهم کنند، اقدام آنها نه تنها مغایر استانداردهای بین‌المللی و برخلاف تجربه روز دانش بشری است، بلکه با احکام شریعت اسلام و منابع معتبر فقهی نیز مغایرت دارد.

ب: مبانی فلسفی استقلال نهاد وکالت

سقراط اگرچه حقوقدان یا وکیل مدافع نبود، اما راهنما و مشاور بود که تمام زندگی‌اش را



الف: تحلیل فقهی استقلال نهاد وکالت

از ادله فراوانی که در باب حدود، قصاص، دیات و شهادت وجود دارد این موضوع مهم قابل استنباط است که آزادی شاکی و مدعی در تظلم خواهی و مراجعه به حاکم و آزادی مدعی علیه و متهم در تدارک حقوق دفاعی، امری مسلم بوده و هیچ محدودیتی به جز رعایت واجبات و محرمات در شرع مقدس وجود ندارد. در مورد وکالت نیز در تمام منابع معتبر فقهی جز در مورد محرمات و امور قائم به شخص مانند ابوت، بنوت و زوجیت، محدودیتی برای توکیل نمی‌توان در نظر گرفت.

استقرار کامل عدالت اقتضا دارد که نهاد متولی دفاع با نهاد قدرت و حاکمیت یکی نباشد. با این توصیف، در یک حکومت اسلامی، پشتیبانی از حقوق فردی و اجتماعی اشخاص، حفظ حقوق شهروندان و استیفای عدالت، با استقلال وکیل در موضع دفاع و استقلال کانون‌های وکلای دادگستری پیوند ناگسستنی دارد.



پذیرفته شده است.

ج) در کانون‌های حرفه‌ای، خود انتظامی متمرکز وجود دارد یعنی اینکه تخلفات اعضا صرفاً باید توسط خود نهاد صنفی رسیدگی شود.

د) کانون‌های صنفی بر مدار «خودگردانی مستقل» اداره می‌شوند، یعنی اینکه این کانون‌ها از نظر اقتصادی هیچ وابستگی به نهادهای دولتی و حاکمیتی نداشته و از محل بودجه عمومی تأمین نمی‌شوند.

ج: تحلیل حقوقی استقلال نهاد وکالت

بی‌گمان، برای تحقق حاکمیت قانون در جامعه، دو مولفه ضروری است که به عنوان ارکان شکل دهنده حاکمیت قانون تلقی می‌شوند:

الف) وجود یک دستگاه قضایی مستقل و مقتدر که فارغ از هرگونه ملاحظه‌ای، هنجارشکنان را محاکمه کند؛ حتی اگر این هنجارشکنان مسئولان و مجریان قانون باشند.

ب) وجود یک نهاد صنفی مستقل به نام کانون وکلای که به عنوان «متولی امر دفاع» وظیفه خطیر تربیت و تمشیت وکلای مبرز و شجاعی را به عهده بگیرد.

در نظام‌های حقوقی پیشرفته دنیا نیز همواره یکی از ارکان تجلی و تحقق حاکمیت قانون در یک جامعه، استقلال وکیل دادگستری و کانون وکلای بوده است.

همچنان که «شورای کانون‌های وکلای و انجمن‌های حقوقی اروپا» که به طور مختصر «CCBE» نامیده می‌شود، هر ساله گزارشی در خصوص حاکمیت قانون منتشر می‌کند. اهمیت استقلال نهاد وکالت و پیوند آن با حاکمیت قانون، تا بدانجاست که عدم تصریح و اشاره به این موضوع در گزارش سال ۲۰۲۰ CCBE نوعی ضعف تلقی شده است. وقتی مطابق اصل ۳۵ قانون اساسی، «استقلال وکیل در موضع دفاع و استقلال کانون‌های وکلای دادگستری از نهاد قدرت» به عنوان یک اصل نانوشته تلقی می‌شود و لازمه‌اش این است که هیچ قانون عادی یا آیین‌نامه‌ای تاب مقاومت در برابر اصل نانوشته قانون اساسی را ندارد.

وقف دیالوگ‌هایی در باب فضیلت و معنای آن و گاهی حقوق و تکالیف فرد در رابطه با علم حقوق می‌نمود. او به عنوان الگوی «استقلال» با سخنانی مملو از طنز شناخته می‌شد اما در زمان پیگیری مسائل اخلاقی، با طرفین دیالوگش بی‌پرده و صریح بود. سقراط در اطراف آتن پرسه می‌زد و به دانشجویان و معلمان حقوق می‌آموخت که در مقام قضا و وکالت به‌طور مستقل عمل کنند و دغدغه اصلی آنها استیفای حقوق شهروندان و تحقق عدالت باشد.

در تحلیل مبانی فلسفی استقلال نهاد وکالت باید گفت اولاً وکالت جزء حقوق شهروندان بوده و هدف این است که «متولی حق دفاع» که از یک نهاد صنفی مستقل اجازه فعالیت گرفته است، مانع افزایش قدرت حاکمه شود. ثانیاً مشروعیت نظام‌های سیاسی، یا مبتنی بر حاکمیت الهی است و یا بر پایه قرارداد اجتماعی تنظیم می‌شود. برخی از حقوق شهروندان، مانند حق آزادی بیان و حق مالکیت در شمار حقوق طبیعی یا حقوق بشر محسوب می‌شوند. استیفای این حقوق برای مردم، مستلزم تربیت وکلای مبرز و شجاعی است که بدون هرگونه ترس و واهمه و با استقلال کامل، بتوانند در چارچوب قانون، برای استیفای حقوق طبیعی شهروندان اقدام کنند و حافظ حقوق مردم باشند. ثالثاً وکیل در موضع دفاع باید

بتواند با نماینده حاکمیت به منظور حفظ حقوق ملت محاجه کند و به منظور استیفای حقوق شهروندان و احاد ملت با رعایت قانون، در برابر حاکمیت و دستگاه قضا، هیچ واهمه و هراسی نداشته باشد. تحقق این امر مستلزم وجود تمهیدات و مقدماتی است:

الف) باید یک کانون حرفه‌ای مستقلی وجود داشته باشد که وظیفه تربیت و تمشیت وکلای دادگستری را به عهده بگیرد.

ب) مدیران کانون‌های حرفه‌ای، باید توسط اعضای صنف و با رعایت چارچوب‌های اخلاق حرفه‌ای انتخاب شوند و حاکمیت در این زمینه نمی‌تواند مداخله‌ای کند، هرچند نظارت حاکمیت بر نهادهای صنفی امری مسلم و



هرچند استقلال نهاد وکالت که در لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مورد تصریح قرار گرفته از حقوق اروپایی و به ویژه حقوق فرانسه اقتباس شده، اما استقلال وکیل در موضع دفاع و ضرورت استقلال کانون‌های وکلای دادگستری ریشه در احکام شریعت اسلام، نصوص قرآنی و منابع معتبر فقهی دارد





اعتبار و عزت وکلا و جامعه وکالت باز خواهد گشت

یادداشتی از علی حامد توسلی، بازرس دوم اسکودا

در زمان شروع وکالت اینجانب، کانون وکلای دادگستری مرکز که تنها کانون وکلای کشور بود، در اوج اقتدار و توانایی قرار داشت. وکلای دادگستری و جامعه وکالت از احترام و عزت خاصی برخوردار بودند، مدیریت مدبرانه شادروان جناب دکتر محمد رضا جلالی نائینی در کانون و مسئولیت دیگر ایشان به عنوان یکی از سناتورهای کشور موجب شده بود، مقتدرانه ایفای وظیفه کنند.



برای افرادی چون اینجانب احیای رویاهای گذشته نه تنها آرزویی است که نمی‌توانیم از آن صرف‌نظر کنیم و درصدد اعاده آن نباشیم، بلکه با بررسی تحولات اجتماعی چند ماه اخیر که به هیچ وجه نمی‌شود و نمی‌بایست آن را نادیده گرفت، تردیدی ندارم مقامات کشور و در نتیجه مقامات قضایی دیر یا زود به این نتیجه خواهند رسید که لزوماً می‌باید تغییر مشی داده و از شیوه‌های گذشته و تحمیل تمایلات شخصی خود در مقابل جامعه وکالت و کانون‌های وکلا دست بردارند.

آنقدر وکلا مورد وثوق و اعتماد جامعه و آحاد مردم بودند که به راحتی حتی در شهرهای کوچک، قضات و وکلای دادگستری با همدیگر روابط خانوادگی برقرار و بدون هیچگونه دغدغه‌ای با یکدیگر روابط صمیمانه و سالم داشتند؛ بدون آنکه کوچکترین شائبه‌ای به وجود آید و یا کمترین حاشیه‌ای برای هر یک از آنان ایجاد شود. قضات همانند همکاران قضایی خود، برای وکلای دادگستری شأن و احترام قائل می‌شدند. بدهی است با چنین خاطره‌های ماندگاری یقیناً



از اعضای هیأت مدیره و مدیر داخلی کانون را بازداشت و محکوم به زندان کرده و مدیر دولتی تندرویی را به جامعه وکالت تحمیل کردند، اما با پیگیری‌های به عمل آمده، جناب دکتر گودرز افتخار جهرمی به عنوان رئیس جدید دولتی منصوب و خوشبختانه با مسئولیت‌های متعدد سنگین که ایشان در دستگاه‌های حکومتی داشت و با تدبیر و درایت خود، مدیرانی دلسوز برای اداره کانون انتخاب کرد.

شادروان مرحوم سید داود فاطمی، قائم مقام ایشان شد. چهره‌های بزرگواری همچون شادروان جناب بهمن کشاورز، ریاست اداره معاضدت را برعهده گرفت و شادروان جناب جهانگیر مستوفی، نایب رئیس اسبق کانون مرکز و چهره‌های سرشناس دیگری به یاری کانون آمده و فعالیت‌های صنفی خود را تشدید کردند، تا اینکه پس از ۱۳ سال مدیریت دولتی انتخابات هیأت مدیره کانون به روال گذشته برگزار شد.

به خاطر حسن خدمت هیأت مدیره دولتی و مدیران منصوب از سوی ایشان، همان مدیران از سوی وکلای دادگستری انتخاب و اولین اعضای

هیأت کانون وکلای مرکز تشکیل و در ادامه آقای دکتر گودرز افتخار جهرمی، مدیر دولتی به خاطر عملکرد خوب و مثبت حتی به ریاست انتخابی هیأت مدیره میل شد.

هیچ تردیدی ندارم همان‌طوری که همه فشارها و اقدامات مستبدانه بدخواهان را طی سال‌های گذشته کم و بیش چاره‌جویی کرده و ترفندهای آنان را کم‌رنگ کرده‌ایم، یقیناً در آینده و با گذشت زمان، با همدلی، همسویی، اتحاد و یکپارچگی کانون‌های وکلای سراسر کشور بار دیگر کانون‌ها، اعتبار و عزت و کلا و جامعه وکالت را به باز خواهند گرداند.

به امید پیروزی و سربلندی جامعه وکالت و سرفرازی کانون‌های وکلا.

تغییر نگرش اجتماعی آنچنان فراگیر و گسترده است که یقیناً بی‌بازگشت خواهد بود، بنابراین مقامات و مسئولان قضایی به این خواست عمومی جامعه احترام خواهند گذاشت.

از نظر دیگر با وجود اینکه طی سال‌های اخیر به طور مستمر کوشش شده بر فشارها به کانون‌های وکلا و جامعه وکالت اضافه شود، اما در همین مدت بسیاری از توطئه‌ها خنثی شده و حیات صنفی ادامه پیدا کرده است.

همچنین، اگر مروری به حوادث تحمیل شده بعد از انقلاب به جامعه وکالت داشته باشیم خواهیم دید، مقامات قضایی وقت مصمم بوده‌اند که به همه افتخارات گذشته ما پایان دهند، به گونه‌ای که مقرر کانون در طبقه دوم بال شمال شرقی کاخ دادگستری بود، در اقدامی قهرآمیز، کانون وکلا را تخلیه و کلیه اسناد، مدارک و پرونده‌های وکلا را در حوض ضلع شمالی کاخ دادگستری ریختند، اما با وجود چنین اقدامی نه تنها فعالیت‌های صنفی متوقف نشد، بلکه با تدبیر و درایت مدیران وقت کانون، دو واحد آپارتمان اداری در طبقات هفتم و هشتم

یکی از برج‌های خیابان سعدی خریداری شد و کانون در فضای بزرگتری به فعالیت‌های خود ادامه داد، آپارتمان‌های خریداری یاد شده هم‌اکنون در اختیار اداره معاضدت کانون وکلای مرکز است و به صورت مأمّن و پشتوانه‌ای برای افرادی است که قادر به پرداخت حق‌الوکاله و انتخاب وکیل نیستند.

البته گسترش فعالیت‌های اداره معاضدت به انضمام وسعت و گستردگی خدمات آن، خود بحث جدید و مفصلی را می‌طلبد.

مقامات قضایی به آن همه فشار قانع نشده و مبادرت به اقدامات بیشتری کرده، هیأت مدیره منتخب وکلا را منحل و رئیس وقت کانون وکلا شادروان جناب عبدالحمید اردلان و بعضی



هیچ تردیدی ندارم همان‌طوری که همه فشارها و اقدامات مستبدانه بدخواهان را طی سال‌های گذشته کم و بیش چاره‌جویی کرده و ترفندهای آنان را کم‌رنگ کرده‌ایم، یقیناً در آینده و با گذشت زمان، با همدلی، همسویی، اتحاد و یکپارچگی کانون‌های وکلای سراسر کشور بار دیگر کانون‌ها، اعتبار و عزت و کلا و جامعه وکالت را به عظمت گذشته باز خواهند گرداند



دخالت نهاد دفاعی مستقل، مهم‌ترین اصل تضمین دادرسی منصفانه

حسن صفادوست

رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز



از جمله شرایط دادرسی منصفانه در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی وجود قاضی و وکیل مستقل است که بر اساس مصالح اجتماعی و تضمین حقوق دفاعی مردم، امکان دخالت نهاد دفاعی مستقل در دادرسی‌ها، یکی از مهم‌ترین اصول تضمین یک دادرسی منصفانه به شمار می‌رود

نهاد وکالت در کنار دفاع از استقلال خود که میراث گرانبهای اسلاف و حاصل تلاش چندین دهه بزرگان این نهاد است، رسالت اجتماعی خود می‌داند که همواره مدافع و حامی حقوق فردی و اجتماعی شهروندان باشد.

امروز کانون‌های وکلای دادگستری سراسر کشور با ارائه آموزش‌های صحیح و استاندارد به کارآموزان وکالت و تربیت وکلایی مستقل و شرافتمند می‌توانند بخشی از مسئولیت اجتماعی خود را در این زمینه ایفا کنند. دفاع از حکومت قانون، تلاش در راستای تقویت مبانی عدالت، گسترش و نهادینه کردن فرهنگ مراجعه به

وکیل در امور قضایی و حقوقی، ارتقاء سطح آگاهی‌های حقوقی مردم به منظور پیشگیری از مشکلات و معضلات ناشی از اقدامات حقوقی و اجرای صحیح تکالیف قانونی در امر معاضدت‌های قضایی و وکالت‌های تسخیری به مردم از جمله وظایف نهاد وکالت است که این امر مهم نیازمند همراهی و مساعدت دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده در حوزه‌های تقنین، قضا و اجرا است.

کانون وکلا چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی همواره در دفاع از منافع ملی در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی در حوزه‌های حرفه‌ای خود فعال بوده و چنانچه نهادهای ذیربط از تخصص اعضای این نهاد به درستی بهره‌برداری کنند، شاهد تدوین و تصویب مقرراتی مدرن و پویا برای کشور خواهیم بود.

در این میان نباید از نقش کانون‌های وکلا در تضمین دادرسی منصفانه غافل بود. از جمله شرایط دادرسی منصفانه در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی وجود قاضی و وکیل مستقل است. بر اساس مصالح اجتماعی و تضمین حقوق دفاعی مردم، امکان دخالت نهاد دفاعی مستقل در دادرسی‌ها یکی از مهم‌ترین اصول تضمین یک دادرسی منصفانه است.

به این جهت قانونگذار حکیم هنگام تصویب

لایحه استقلال کانون وکلا در سال ۱۳۳۳ و در بند نخست لایحه مرقوم، کانون وکلا را موسسه‌ای مستقل برشمرده و به این جهت است که چندین دهه کانون‌های وکلا با تمام وجود برای حفظ این استقلال تلاش می‌کنند. شاخص‌هایی که امروزه در دادرسی عادلانه در رابطه با نهاد وکالت مطرح است، حاصل قرن‌ها مبارزات بشری است و به سهولت حاصل نشده تا به سادگی نقض شوند. اصحاب دعوی وقتی می‌توانند بدون دغدغه برای خود وکیل انتخاب کنند که اطمینان داشته باشند وکلای آنها با استقلال و شجاعت لازم و بدون لکننت زبان از حقوق ایشان دفاع

می‌کنند.

کانون‌های وکلا با تعاطی افکار و نیز تعامل عزتمندانه با مقامات قوای سه‌گانه و حضور و مشارکت در عرصه‌های تصمیم‌گیری راجع به طراحی و تدوین قوانین عادلانه و مبتنی بر عدل و انصاف که منجر به تصویب قوانینی نخبه‌گرایانه و راهگشا شود، می‌توانند گام‌های موثری در راستای تضمین دادرسی منصفانه و عدالت قضایی بردارند. در عین حال انتقادهای سازنده و نقدهای تخصصی نسبت به عملکرد دستگاه قضایی و تحلیل عالمانه و نقادی آراء محاکم می‌تواند در اصلاح قوانین ناکارآمد و جرم‌زا و نیز بهبود و ارتقای سطح دادرسی عادلانه در کشور اثربخش باشد.

آن چیزی که می‌تواند خروجی مثبت و هدف هر دو قشر قضاوت و وکالت را تضمین کند، همراهی این دو قشر با هم است. ما باید حقوق همدیگر را به رسمیت شناخته و به آن احترام گذاریم. حضور ما به عنوان وکیل دادگستری در محاکم باید با شأن کامل وکالت اعم از پوشش، نوشتار، رفتار و نوع بیان باشد. نگارش حقوقی، سخنوری و بیان از ارکان مهم دفاع است. اگر ما نتوانیم دفاع موثری از موکل کنیم ایراد فقط به شخص وکیل بر نمی‌گردد بلکه متوجه جامعه وکلا و کانون وکلا نیز هست.





یادداشت

کانون وکلای
برهه زمانی
حاضر که



به طور همزمان مورد
بی‌مهری غیرمنصفانه
قرار گرفته و با توسل
به شیوه‌های غیراصولی
مبتنی بر اغواگری و تحریف
اطلاعات و ارقام و آمار
مورد حمله گسترده قرار
گرفته، با عزمی راسخ
و با بهره‌گیری از تمام
توان اعضای خود رسالت
تاریخی خویش را با تقبل
تمام هزینه‌های ایجاد
شده فراموش نکرده و
با پایبندی به قانون و
عقلانیت، هر آنچه که به
صلاح مردم و کشور بوده
را گفته و عمل کرده است.

خروجی تضعیف نهاد وکالت، تباه کردن آزادی‌های مشروع مردم

حسن پاشازاده

رئیس کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی



این سیاست غلط در تار و پود اقتصادی و اجتماعی کشور رسوب خواهد کرد.

تخریب و تضعیف نهاد وکالت و افکار عمومی و رسانه ملی و تخدیش اعتبار وکیل در مراجع انتظامی و امنیتی و قضایی در کنار افزایش بی‌رویه و بی‌ضابطه تعداد وکیل در کشور در کنار تورم لجام گسیخته و هرج و مرج اقتصادی و روزافزون، گناه نابخشودنی در تاریخ کشور محسوب خواهد شد. کانون وکلا بدون کوچکترین یأس و نومییدی و عناد و تقابل همچون همیشه به وظایف قانونی خود عمل کرده و با کمال

خوشرویی به ادامه خدمات عمومی و عام‌المنفعه اعم از ارائه خدمات مشاوره رایگان به آحاد جامعه و اقشار کم‌درآمد و تحت پوشش نهادهای حمایتی خواهد پرداخت. در کنار این مسئله و نیز ارائه خدمات وکالتی تسخیری و معاضدت‌ی، نهاد وکالت در جذب کارآموز و تربیت وکیل، نظارت بر اعمال و رفتار وکلا، حضور و مشارکت فعالانه و مسئولانه در عرصه‌های تقنینی کشور و نیز ارائه نظریات علمی و تخصصی و برگزاری همایش‌های متعدد علمی و اجتماعی قیام کرده است. در مورد کارآموزان جدید عرصه وکالت هم خطاب به آنها باید عرض کنم که شما فرزندان این مملکت و چشم و چراغ ملت هستید، حال

که خداوند متعال نعمت ورود به عرصه خدمت عمومی در سنگر نهاد وکالت را به شما ارزانی داشته، با احساس مسئولیت و همت شایسته تمام عزم و تلاش خود را در جهت کسب علم و دانش و مهارت حرفه‌ای به کار گیرید و راستگویی را پیشه خود کنید.

شما باید عمیقاً از دروغ بهره‌یزید و به سخن راست بها و ارج دهید، چراکه آثار شوم دروغ از قحطی و خشکسالی هم بیشتر و بدتر است. حرمت بزرگان و پیشکسوتان را پاس دارید و در همه حال خداوند را ناظر اعمال خود بدانید.

”



تخریب و تضعیف نهاد وکالت و افکار عمومی و رسانه ملی و تخدیش اعتبار وکیل در مراجع انتظامی و امنیتی و قضایی در کنار افزایش بی‌رویه و بی‌ضابطه تعداد وکیل در کشور در کنار تورم لجام گسیخته و هرج و مرج اقتصادی و روزافزون، گناه نابخشودنی در تاریخ کشور محسوب خواهد شد

“

تضعیف نهاد وکالت در هر نظام حقوقی نتیجه‌ای جز تباه کردن حقوق و آزادی‌های مشروع مردم و کاهش اعتماد عمومی به اقتدار و سلامت

دستگاه قضایی و اعتبار آزادی صادره در اذهان عمومی و مراجع بین‌المللی نخواهد داشت. وضع تکلیف قانونی مبنی بر پذیرش بی‌حد و حساب کارآموزان وکالت بدون احراز صلاحیت‌های علمی و اخلاقی و توانایی‌های حرفه‌ای تحت لوای شعارهای عوامگرایانه نظیر ایجاد اشتغال، کم‌التفاتی به نظام دادگستری کشور به شمار می‌آید که نتیجه آن در سال‌های آتی به وضوح بر همگان عیان خواهد شد ولی متأسفانه آن روز هیچ‌یک از مسئولان و برنامه‌ریزان فعلی این فاجعه ملی، پاسخگو نخواهند بود و تبعات شوم





استقلال نهاد وکالت اصلی‌ترین ابزار تحدید قدرت

بهنام اکبری

رئیس‌کانون وکلای دادگستری فارس



”



**استناد و تاکید بر اصل حاکمیت
قانون، شفافیت و موجه بودن
آرای صادره از محاکم قضایی
از اهم وظایف نهاد وکالت در
تحقق تحول قضایی و تضمین
صیانت از حقوق مردم است که
از طریق نقد آراء قضایی، برگزاری
نشست های علمی- تخصصی،
انتشار نقدها و دغدغه های
مرتبط با آسیب شناسی روند
رسیدگی های قضایی با استفاده
از تجارب همکاران وکیل در
مواجهه با شیوه و ترتیب
رسیدگی ها محقق می شود**

“

ایفای نقش مسئولیت اجتماعی در نهاد وکالت همواره مورد توجه بوده است و به همین دلیل جامعه شناسان بر این باورند که حضور و نقش نهادهای مدنی در بزنگاه های پر پیچ و خم اجتماعی و مطالبات مردمی پرتنگ تر و موثرتر دیده می شود.

لذا نهاد وکالت نیز به عنوان بزرگترین سازمان مردم نهاد کشور با قدمتی قریب به یک قرن می تواند در پیگیری حقوق شهروندی مردم نقش بسزایی داشته باشد. پیگیری حقوق شهروندی در مطالبات اجتماعی اصلی ترین نقش کانون وکلا به حساب می آید که در دفاع از حقوق مردم تبلور می یابد. بیان و اطلاع رسانی خدماتی که وکلا در پرونده های اخیر داشته اند به انضمام اشاره می تواند موثر باشد که البته

اتخاذ برنامه های صنفی با هدف کارکرد کانون وکلا و لزوم وجود وکیل و کانون وکلای مستقل به این مهم کمک می کند. در این راستا اما چالش هایی هم وجود دارد که در سال ۱۴۰۱ شاهد بروز و ظهور آنها بودیم. اصلی ترین چالش کانون وکلا برخورد های قهری با وکلای دادگستری در حوادث اخیر بود. همچنین منع عملی و رویه ای از وکالت دستگیر شدگان اخیر حتی در مرحله رسیدگی دادگاه ها به ویژه محاکم انقلاب از ابداعات حادث بود که هیچ توجیه قانونی نداشت. هر چند که چالش آیین نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلا مصوب ۱۴۰۰ و طرح موسوم به تسهیل مجوزهای کسب و کار که پس از تصویب به مرحله اجرا گذاشته شد نیز از چالش های اساسی پیش روی کانون های وکلا بود. از سوی دیگر وظایف نهاد وکالت در تحقق تحول قضایی و تضمین صیانت از حقوق مردم در محاکم قضایی هم موضوعی است که عده زیادی به آن توجه دارند. بر همین اساس باید گفت استناد و تاکید بر اصل حاکمیت

قانون، شفافیت و موجه بودن آرای صادره از محاکم قضایی از اهم وظایف نهاد وکالت در تحقق تحول قضایی و تضمین صیانت از حقوق مردم است که از طریق نقد آراء قضایی، برگزاری نشست های علمی- تخصصی، انتشار نقدها و دغدغه های مرتبط با آسیب شناسی روند رسیدگی های قضایی با استفاده از تجارب همکاران وکیل در مواجهه با شیوه و ترتیب رسیدگی ها محقق می شود. به موازات این مسائل، نقش کانون وکلا در تضمین اثربخشی و اصول دادرسی منصفانه و عدالت قضایی هم مطرح می شود. باید توجه داشت که کانون های وکلا به ویژه اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) می توانند از طریق برگزاری همایش های سراسری با همین عناوین

به ویژه تکیه بر ضرورت توجه به اصل علنی بودن محاکمات و اصل حاکمیت قانون در قالب بیانیه های حقوقی کلی، اصول دادرسی منصفانه و نقش آن در تحقق عدالت قضایی را به صورت کاملاً جامع بررسی کرده و نهایتاً در قالب یک منشور منتشر کنند که البته در این فرآیند بحث استقلال نهاد وکالت هم مطرح می شود.

بدون تردید استقلال نهاد وکالت در مواجهه با قدرت حاکمیت اصلی ترین ابزار دفاع از حقوق عامه مردم و تحدید قدرت است. اگر وکیل وابسته باشد، یعنی جمع میان نهاد قدرت با مدافع حقوق مردم و تضعیف آشکار حقوق مردم نتیجه قطعی و پیامد مستقیم آن خواهد بود.

وکیل مستقل با استناد به اصول حقوقی و مقررات موضوعه هیچ ترس و واهمه ای از دفاع آزادانه بر مبنای قانون از حقوق شهروندان ندارد و تشکیک و تردید در صلاحیت وی یا عدم تمدید پروانه وکالت، موضع او را در دفاع قانونی و قدرتمندانه از حقوق مردم ضعیف و خدشه دار نخواهد کرد.



نقش موثر نهاد وکالت در تحول و توسعه قضایی



حسین ادیب

رئیس کانون وکلای دادگستری اصفهان



نهاد وکالت به عنوان واسط میان مردم و حاکمیت و به جهت قابلیت‌های حقوقی و دارا بودن شخصیتی تقریباً مستقل از حاکمیت می‌تواند به مقدار زیاد مورد وثوق و اطمینان مردم جامعه باشد. نهاد وکالت به مثابه شخص ثالثی است که می‌تواند با فراهم آوردن امکان گفت‌وگو و مذاکره و پیدا کردن نقاط اختلاف و رسیدن به بهترین نتیجه ممکن، در صلح و سازش به مردم کمک شایانی داشته باشد.

در بسیاری از موارد در دادگاه‌ها شاید قضات از نظر شخصی تصمیمی غیر از آنچه که قانون بر آنها تحمیل می‌کند داشته باشند ولی متأسفانه از جهت قانونی دست و پایشان بسته است و مجبور هستند برخلاف میل باطنی و نظر شخصی و فقط منطبق بر قوانین رفتار کنند که در این موارد به نظر می‌رسد با ابزارهایی مانند میانجی‌گری که نوعی عدالت ترمیمی است تا جایی که امکان دارد متهم را تعقیب نکند و به نوعی با رفع تنش، تقویت حس مسئولیت‌پذیری بزه‌کار جهت آشتی و مصالحه بین حکومت و مردم و تشفی خاطر بزه‌دیده گام بردارند.

از میانجی‌گری نهاد وکالت می‌توان به عدالت خصوصی اشاره کرد. مهمترین ویژگی میانجی‌گری توسط نهاد وکالت دسترسی آسان و سریع و رعایت حداقل تشریفات، کم هزینه بودن و به

حاکمیت در کشور ما به تبع نقش والدگونه‌ای که ایفا می‌کند، در بسیاری از موارد از موضع فرادست با جامعه گفت‌وگو کرده تا نظمی را تحقق بخشد که مقدمه رشد و تعالی است. از سوی دیگر جامعه نیز به فراخور حقوق فطری‌اش، پیوسته درصدد است که حقانیت خود را در مطالبه‌گری برای برخورداری از امنیت، ثبات و آزادی‌های مشروع به اثبات برساند. نهادهای مدنی و در رأس آنها کانون‌های وکلای که در طول تاریخ پرفراز و نشیب حیات خود، همواره امین هر دو سوی این معادله بوده‌اند و خللی به وصف امانت‌داریشان نمی‌توان وارد دانست، می‌توانند در جلب اعتماد مردم و حاکمیت نقشی موثر داشته باشند. این اثرگذاری از یک سو با هوشیاری و پرهیز از غوغاگری و جَوزدگی و از سوی دیگر با بازتاب مطالبات به حق مردم به مراجع قانونی و روایت آن از نظرگاه جامعه وکالت به عنوان متولیان امر دفاع پیوند خورده است.



این امر نقض حق دفاع شهروندان را در پی خواهد داشت. حضور وکیل مستقل، حضور وکیل تعیینی و یا تسخیری بی طرف می تواند اثری غیرقابل انکار در یک رسیدگی منصفانه و مبتنی بر عدالت داشته باشد. در نهایت امنیت قضایی یکی از پایه های امنیت اجتماعی است که این مهم بدون وجود نهاد وکالت مستقل برای عامه مردم تحقق نخواهد یافت. نهاد وکالت، نهادی مدنی است و آینده ای منتزع از جامعه، ارزش ها، باورها، پیروزی ها و شکست های آن ندارد. آنچه به نهاد وکالت معنا، دوام و تشخص می بخشد باور و اعتماد جامعه است. بنابراین نهاد وکالت با هر فراز و فرودی که جامعه مدنی ایران به خود می بیند در حال افت و خیز خواهد بود. روشن بینی ما در این است که با تقویت بنیان علمی و همبستگی صنفی برای این فراز و فرودها مهیا شویم تا به عنوان بخشی از این جامعه اعتماد او به ما دچار نقصان نشود. در چنین صورتی برآیند همه اتفاقات در نهایت، سربلندی ما در پیشگاه تاریخ خواهد بود. به نظر می رسد با وضع قوانین مختلف در حوزه وکالت، آینده استقلال نهاد وکالت بیش از پیش در معرض تهدید قرار می گیرد و همچنین با ورود حجم عظیمی از وکلا بر اساس قانون تسهیل، خسارت ها و تبعات غیرقابل جبرانی از جمله پایین آمدن سطح کیفی وکالت به وجود آید. همانطور که می دانیم در پرونده های قضایی مال، جان، ناموس و آبروی افراد در دست وکیل دادگستری است و انتظار می رود مجلس تنها با هدف رفع انحصار و اشتغال زایی به وکالت صرفاً به عنوان یک شغل که تنها مقاصد اقتصادی دارد توجه نکند و به ابعاد مهم و تاثیرگذار دیگر این حرفه بسیار مهم و حساس هم توجه داشته باشد که در نهایت منزوی کردن آن صدمه و آسیب جدی به حقوق عامه می رساند.

دست آوردن نتیجه سریع است. همچنین منجر به کاهش حجم پرونده ها در دادگاه می شود، به علاوه که این مهم باعث بالا رفتن کارایی قضات در رسیدگی به سایر پرونده ها می شود. در این میان بحث تحقق تحول قضایی و تضمین صیانت از حقوق مردم در محاکم قضایی هم امر مهمی است که نمی توان بر آن چشم پوشاند. باید توجه داشت که تحول هر کالبدی در گرو شناخت معایب و درمان بیماری های مزمن آن است. به همین سبب، برای ایجاد تحول در نظام قضایی چاره ای جز نقد موشکافانه، کشف ایرادات مزمن و به کار بستن درمان های کمتر امتحان شده نیست. نهاد وکالت با نظارت دقیق بر حسن اجرای وظایف دستگاه قضایی و نقد منصفانه آن می تواند گام مؤثری در جهت تحول قضایی و صیانت از حقوق احاد ملت بردارد. این امر در گام نخست مستلزم پاسداری شجاعانه از حریم قانون و مقابله با نقض آن به هر توجیه و بهانه است و ناگفته پیداست که پالایش نهاد وکالت از نقایص مشابه و تقویت ساختار خودانتظامی کانون وکلا می تواند حسن نیت نهاد وکالت را بیش از همیشه اثبات کند. باید متوجه بود که در یک دادرسی عادلانه و منصفانه نقش وکلا بسیار پررنگ و موثر است. نهاد وکالت باید با نقش فعال و نه منفعلانه به صورت نامحدود در کشف حقیقت و اجرای مو به موی قانون، نظارت مستمر و دقیق به فرآیند دادرسی داشته باشد. همچنین نهاد وکالت با داشتن استقلال در بیان دیدگاه ها و نظرات حقوقی خود و با نقد آراء یا بیان اشکالات سیستم قضا می تواند در تحول و توسعه قضایی نقش موثری ایفا کند؛ چراکه وکیل غیرمستقل هم در مقام دفاع هم در مقام نقد آراء و یا بیان اشکالات سیستم قضایی مجبور است بر اساس منویات افرادی که در صدور و تمدید پروانه وی نقوش مختلف دارند رفتار کند که پر واضح هست



نهاد وکالت به مثابه شخص ثالثی است که می تواند با فراهم آوردن امکان گفت و گو و مذاکره و پیدا کردن نقاط اختلاف و رسیدن به بهترین نتیجه ممکن، در صلح و سازش به مردم کمک شایانی داشته باشد، چراکه این نهاد به عنوان چهره ای بی طرف و در عین حال قانونمند و قانونگرا به دور از تعصب و با نگاهی واقع بینانه و با روشی دوستانه طرفین را به سمت سازش و حل و فصل اختلافات و دعاوی سوق می دهد





رایزنی باقوه قضائیه و بیان مواضع به حق قانون‌ها اقدام جهادی نهاد وکالت

محمد صابونچی ذوالفقاری، رئیس قانون وکلای دادگستری آذربایجان غربی

گسترده در حوزه حمایت از آسیب‌دیدگان اجتماعی از جمله عواملی است که می‌تواند به ترمیم چهره نهاد وکالت در بین مردم کمک شایانی کند.

دومین مسئله اساسی، تعامل سازنده با رسانه‌ها، اعم از رسانه‌های دیداری و شنیداری، رسانه‌های فعال در بستر مجازی، تلاش برای احقاق حقوق از دست رفته نهاد وکالت در صداوسیما ملی و حضور پررنگ در مطبوعات و رسانه‌ها و استفاده از متخصصین روابط عمومی و رسانه در قانون‌های عضو است.

هر سازمان و مجموعه‌ای ممکن است در مسیر خود دچار چالش‌ها و مشکلاتی شود که راه برون‌رفت از آن را باید در میان اندیشه‌ها، تجربیات و آینده‌نگری مدیران این مجموعه‌ها جستجو کرد. این راه چنانچه به صورت دقیق، تعیین و تبیین شود، می‌تواند آن چالش و تهدید را به فرصت تبدیل کند.

قانون‌های وکلای دادگستری برای بقای جایگاه و منزلت خود در بین آحاد مردم باید به دو نکته مهم و اساسی بسیار توجه کنند.



اولین نکته بازگشت به بطن جامعه و در میان مردم بودن است. امروز در میانه این نبرد نابرابر قانون‌های وکلای دادگستری باید در تحولات اجتماعی با رعایت تمام جوانب، شرایط و مقررات موضوعه کشور کنشگر باشند و از موضع دفاعی خارج و نقش فعال داشته باشند.

ورود به موضوعات اجتماعی مورد مطالبه مردم، ایفای نقش جدی در حوادث و بلایای طبیعی، پررنگ کردن فعالیت ادارات معاضدت قانون‌ها در رفع مشکلات حقوقی و قضایی نیازمندان، ورود جدی به تعامل با نهادهای حمایتی و فعالیت

بر اساس آئین‌نامه اجرایی مصوب ۱۴۰۰ اعمال خواهد شد یا خیر؟

از سوی دیگر داوطلبان این آزمون‌ها کمافی‌السابق نوک پیکان اعتراضات و حمله‌های خود را به سوی مدیران نهاد وکالت و اسکودا نشانه گرفتند و بر فشار این حمله‌ها مدام می‌افزودند.

از سوی دیگر وکلای عضو به شدت نگران ورود بی‌رویه متقاضیان به عرصه وکالت و از بین رفتن همان امکان معیشت حداقلی بودند. مدیران مجموعه نگران از کاهش کیفی سطح علمی پذیرفته‌شدگان و خدشه‌دار شدن اعتبار نهاد وکالت در بلندمدت بودند. همه راه‌ها بررسی و همه گزینه‌ها تحت نظر قرار گرفت تا در تلاطم طوفان به پا شده ناشی از تصویب قانون تسهیل مسیری انتخاب شود که کمترین آسیب بر پیکره خسته اما تنومند نهاد وکالت وارد آید.

زمانی که نتیجه آزمون نهاد موازی را با نتیجه آزمون کانون‌های وکلای دادگستری ملاحظه و مقایسه می‌کنیم، همه بر این مهم اذعان دارند که با حداقل‌ترین ابزارها نتیجه‌ای حاصل شد که خسارت کمتری به صنف وارد آورد. برگزاری آزمون سال ۱۴۰۱ در حالی که هنوز ثبت‌نام پذیرفته‌شدگان قبلی به علت کثرت و افزایش گاه‌ها ۳۰۰ درصدی تکمیل نشده است هم چالش آخرین روزهای سال ۱۴۰۱ بود که با نظر سازمان سنسج و اعلام رسمی آن و تلاش‌های مدیران نهاد وکالت در بسترسازی این فرآیند، به سال ۱۴۰۲ منتقل و پرونده آن بسته شد.

در پایان چون صحبت از چالش و تلاش و ممارست به میان آمد عرایض خود را با چند بیت از کلیم کاشانی به پایان می‌برم که می‌فرماید:

بی می به گلستان جهان
عزت ما چیست/ چون لاله
کبابیم اگر جام نگیریم
موجیم که آسودگی ما عدم
ماست/ ما زنده به انیم که
آرام نگیریم
ما هیچ نداریم جز از ساقی و
مطرب/ منت نکشیم از کس و
انعام نگیریم

کانون‌های وکلای دادگستری ایران نیز در سال ۱۴۰۱ از این قاعده مستثنی نبوده و صد البته که بسیار بیشتر و سنگین‌تر در تقابل با این چالش‌ها قرار گرفتند.

به نظر دو موضوع اصلاح مواد ناقص استقلال کانون‌های وکلای دادگستری در آئین‌نامه اجرایی مصوب ۱۴۰۰، برگزاری آزمون نوبت سال ۱۴۰۰ و روند ثبت‌نام پذیرفته‌شدگان و موضوع برگزاری آزمون سال ۱۴۰۱ از مهمترین چالش‌های پیش‌روی کانون وکلا در سالی که گذشت بود.

۱- برگزاری جلسات متعدد چندین ساعته با مقامات عالی قوه قضائیه و رایزنی‌های بسیار فشرده و چانه‌زنی بر سر مواضع به حق کانون‌های وکلای دادگستری، جهادی است به یادماندنی که مدیران نهاد وکالت و در راس آن هیات رئیسه محترم اتحادیه و خاصه برادر ارجمندم جناب آقای کیانی آن را رقم زدند.

نباید فراموش کنیم که با چه بحث‌های چالشی و چه نظرات مختلف، موافق و مخالفی از سوی دلسوزان نهاد وکالت مواجه بودیم که نهایتاً منجر به تنظیم پیش‌نویسی برای موارد اصلاحی شد که از این حیث باید از مدیریت این جریان پرتلاطم توسط مدیران خدوم وکالت قدردانی کرد.

۲- اما موضوع برگزاری آزمون دومین و یکی از مهمترین مباحث پیش‌روی نهاد وکالت در سالی که گذشت بود. تصویب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار، کلیه مجموعه‌های متأثر از خود را چنان دچار چالش کرد که ارتعاشات آن گریبان متقاضیان ورود به این حرفه را نیز گرفت. موضوعاتی از قبیل اینکه آزمون نوبت سال ۱۴۰۰ که به دلیل شروع ویروس کرونا و به واسطه قوه قهریه برگزار نگردید، به سال ۱۴۰۱ موکول شد.

آیا باید بر اساس معیارها و ضوابط، قانون تسهیل برگزار می‌شد؟ تکلیف آزمون سال ۱۴۰۱ چه خواهد شد؟ آیا شرط سنی ۲۴ سال تمام برای آزمون سال ۱۴۰۰ (و



تعامل سازنده با رسانه‌ها، استفاده از متخصصین روابط عمومی و رسانه در کانون‌های عضو و همچنین اتحادیه می‌تواند به معرفی عملکرد مثبت نهاد وکالت در جامعه و ترمیم چهره این مجموعه در بین آحاد مردم نقش بسزایی داشته باشد



نوآوری و نواندیشی لازمه تداوم حیات نهاد وکالت



سیدعلی باقری تبار

رئیس کانون وکلای دادگستری مازندران

پرداختن به وضعیت گذشته، حال و آینده نهاد وکالت در چند صفحه و چند صد واژه، ممکن و شدنی نیست، چون هرگونه پاسخ بدون بررسی و نوشتن از گذشته که از باب علیت تعیین کننده است، نارسا خواهد بود. همچنین عدم توجه به وضعیت حال که به نوعی مشاهده مستقیم در تحقیق محسوب می شود، علاوه بر اینکه با روش تحقیق سازگاری ندارد، دستیابی به نتیجه دلخواه، علمی و کاربردی را نیز مشکل، بلکه محال می کند.



همینطور بی توجهی به آینده، عین سطحی بودن و بی برنامه‌گی است که نتیجه قهری آن گم شدن در وادی ضلالت و عدم دستیابی به گوهر مقصود را در پی خواهد داشت. اما برای توفیق و دستیابی به هدف غایی و گریز از روزمرگی و سکون باید از گذشته درس بگیریم و اقتضای زمان و پیشرفت علم و فنون و تغییرات جوامع در جنبه‌های مختلف زیستی و ظهور و بروز پدیده‌های نوین اجتماعی و نتیجتاً دگرگونی روابط اجتماعی در درون و میان مردم یک جامعه، ملل و پیرامون و برون آن را ببینیم، درک نمائیم و بررسی کنیم. در این راستا گام نخست، تغییر شیوه و ارتقای سطح و کیفیت روابط و جایگاه نهاد وکالت است اما به خویشتن می نگرم و عرض می کنم که:



مادام که حقایق و واقعیت‌ها را نبینیم و یا نخواهیم ببینیم و لاپوشانی کنیم ... نمی‌توانیم از نوآوری حرف بزنیم که خود، ایجاد کننده تغییرات و یافتن روش و اسلوب تغییر مثبت با حفظ ارزش‌ها و میراث نیک گذشتگان و اسلاف این حرفه است. و بدیهی است که مهمترین شرط و اولین قدم طی طریق، ایجاد تغییر در خود و شستن چشمان خودم است تا طور دیگری ببینم.

فلذا اسکودا و کانون‌های وکلا باید در این اندیشه باشند که زمینه تغییر نگرش و تعالی را فراهم کنند و به نظر می‌رسد که فقط و فقط با تشکیل کمیته (نه شبه کمیته) و کارگروهی از افاضل وکلا که از حیث ثنوی، خلاق و سرآمد هستند و واقعیت‌های زمان را درک می‌کنند و با خرد جمعی همچون معماران و مهندسان کار آزموده، این مهم محقق خواهد شد.

باید با بررسی ساختار و روش‌های مرسوم و نیز شناختی پویا و همه‌جانبه و گسترش یابنده راهکارهای اصولی ارائه داد، تا در نهایت مدیریت کارآمد با درک صحیح و عمیق ابعاد و معنای نوآوری به تغییرات لازم در روش و نوع نگرش و تحول بنیادین با پرهیز از تدریج‌های بنیان خراب کن و بنیاد کن، دست زده و همانند عددنویسی در علم ریاضی، ایده‌های نوین ارائه دهد تا فرم کهن که بعضاً

کفایت ندارد، با محتوای تازه و علمی و با قابلیت کاربردی، نو و تازه شود. کمیته یا کارگروه با تحمل، تأمل و دور از شتاب و عجله، با مطالعه و تدقیق و تحقیق، رموز نوآوری را کشف، ابداع و معرفی کند. با کل‌نگری، ایجاد رابطه نوین و ارتقای روابط ما با عامه مردم و جامعه، ممکن و میسر شود و همچون «بوطیقا» در شعر و ادبیات و هنر، سازنده و مطلوب و سودمند شود و میوه شیرین بار آورد؛ وگرنه همان خواهد بود که هست، درست به سبک ابیوردی مرحوم، بی‌دخل و تصرف به همان مهر و همان موم.

مادام که خود را از اندیشیدن معاف بدانیم و از نگاه و نگرستن درون و بیرون غفلت کنیم، مادام که به جای شناسایی، تجزیه و تحلیل و شناخت دقیق وضعیت موجود، کاستی‌ها، نقاط ضعف، چالش‌ها و رفتارهای ناپه‌نچار در گذشته و حال، به تعریف و تمجید پرداخته و یا موضع‌گیری مغرضانه علیه دیگران را سرلوحه کار خویش قرار دهیم،

مادام که به تبعیت از عده‌ای از ما، روش ناپسندیده مراغه و گره‌فکنی و چالش کشیدن مسئولان کانون‌ها و مطرح کردن خویش را ترجیح دهیم و شیوه مرضیه گره‌گشایی را نخواهیم و عمل نکنیم، مادام که بدون توجه به امکانات و مقدرات، به بهانه دلسوزی و انتقاد، اظهارات و اعمال خلاف خرد و قاعده از من سر بزنند،

مادام که به روح جاری عدالت نیندیشیم و انصاف را رعایت نکنیم و طرح چرایی را بدون توجه به علت و عوامل تاثیرگذار درون و بیرون از نهاد وکالت در بوق و کرنا بدمم و آب به آسیاب بدخواهان دشمن بریزم،

مادام که دل به یک نظریه و یک روش خوش کنم و درس تاریخ را نادیده بگیرم به اینکه هر که با یک نظریه وارد شود، باخته است نتیجتاً موجب شوم که در بر همان پاشنه بچرخد،

مادام که به جای بازبینی اعمال خویش و انتقاد

از خود، به حمله و یورش به عزیزان کاربلد و دلسوز و خادم پردازم،

مادام که اسیر پنجه ملاحظات بی‌مورد هستم و باز مادام که به عنوان وکیل سرپرست، از سرپرستی، نظارت و هدایت کارآموزان که اصل و مبنای غیرقابل انکار تعالی فرهنگی، اخلاقی و حرفه‌ای است، غافل شوم و غفلت کنم و یا سر باز بزنم،

مادام که به عنوان یک کارآموز و وکیل جوان نخواستم و نیاموختم که اخلاق حرفه‌ای و نزاکت را آن هم در قبال مدیرانی که بدون چشم‌داشت و حق‌الزحمه، زندگی و عمرشان را وقف امور کانون‌ها و آنها نموده‌اند و می‌نمایند، رعایت کنم،



اسکودا و کانون‌های وکلا باید در این اندیشه باشند که زمینه تغییر نگرش و تعالی نهاد وکالت را فراهم کنند و به نظر می‌رسد که فقط و فقط با تشکیل کمیته (نه شبه کمیته) و کارگروهی از افاضل وکلا که از حیث ثنوی، خلاق و سرآمد هستند این مهم محقق خواهد شد





راهکارهای تبدیل چالش‌های نهاد وکالت به فرصت در سال ۱۴۰۲

عباس شیخ‌الاسلامی

رئیس کانون وکلای دادگستری خراسان

وجود ناآرامی‌ها در ماه‌های اخیر و درگیری کانون‌های وکلا و وکلا در این موضوع نیز به چالش‌های این نهاد اضافه شده است. خوشبختانه وجود نهاد اسکودا که به همت پیشکسوتان این نهاد به عنوان نخ تسبیح جامعه وکالت ایجاد شد و نیز مواضع اصولی آن، در کنار پافشاری مدیران نهاد وکالت بر استقلال، خردگرایی، اعتدال و پابندی به دموکراسی و جلسات متعدد کاربردی در این سال، باعث شد تا حدودی این بحران‌ها که می‌توانست به از بین بردن استقلال کانون‌های وکلا منجر شود با اصلاح آیین‌نامه مذکور، تفسیر منطقی در اجرای قانون تسهیل، حضور فعالانه در کمیسیون قضایی مجلس در کنار مواضع اصولی مدیران در سخنرانی‌ها، همایش‌ها و فضای مجازی تا حدودی کنترل و هم‌اکنون آرامش نسبی به بدنه وکالت بازگردد.

با نگاهی به موضوعات امروز نهاد وکالت مستقل، سال ۱۴۰۱ را می‌توان یکی از بحرانی‌ترین سال‌های این نهاد در هفتاد سال اخیر دانست. نگاهی به مباحث این روزهای صنف وکالت، نظیر بحث «آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰»، «قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار مصوب ۱۴۰۱»، لوایح و طرح‌های ضد وکالت نظیر طرح «اصلاح قانون استفاده برخی از دستگاه‌ها از نماینده حقوقی در مراجع قضایی مصوب ۱۳۷۴» در کنار استفاده بعضی از مقامات قضایی از مجازات تکمیلی (ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی) در محکومیت وکلا از ادامه اشتغال به حرفه وکالت، سخنرانی بعضی از مسئولان قضایی و غیرقضایی در حمله به نهاد وکالت و چالش‌های درونی نهاد وکالت و صداهای معارضی که از بدنه وکلا در خصوص موضوعات شنیده می‌شود، مؤید ادعای فوق است.



”



تندروی و اتخاذ مواضع افراطی در مقابله با بحران‌ها آن هم از ناحیه مدیران، باعث حل معضلات نهاد وکالت نمی‌شود، بلکه این نهاد را در تقابل با حاکمیت که دارای قدرت است، تضعیف می‌کند

“

مواضع کانون‌ها در ناآرامی‌های اخیر و دعوت به قانون‌گرایی و حمایت از متهمین (نه حمایت از اتهامات) نیز نقش مثبت کانون وکلا در خروج منطقی از بحران را نشان داد. اما بایستی اذعان کنیم، تهدیدهایی هنوز همراه جامعه وکالت است و باید با تدبیر مناسب به خصوص در سال ۱۴۰۲ نهاد وکالت مستقل را نه تنها از بحران‌های موجود خارج ساخت، بلکه با تلاش بیشتر، این جایگاه را به جامعه مدنی و رسمی شناساند. به نظر می‌رسد سیاستگذاری جهت تحقق هدف فوق در

سال ۱۴۰۲ باید بر اصول زیر مبتنی باشد:

۱- اصل مشارکت: مشارکت درونی (از طریق پرشور کردن انتخابات کانون‌ها، تشکیل انجمن‌های صنفی و شرکت فعال‌تر اعضاء در کمیسیون‌ها و کمیته‌های کانون) می‌تواند قدرت جامعه وکالت را افزایش دهد و بایی برای مشارکت بیرونی و اجتماعی در سیاستگذاری عمومی و مدیریت قانونمند جامعه باشد.

۲- اصل اعتدال: تندروی و اتخاذ مواضع افراطی در مقابله با بحران‌ها آن هم از ناحیه مدیران، باعث حل معضلات نهاد وکالت نمی‌شود، بلکه این نهاد را در تقابل با حاکمیت که دارای قدرت است، تضعیف می‌کند. البته اعتدال به معنای وادادگی و تسلیم در برابر خواسته‌های نامشروع نیست بلکه به معنای اتخاذ مواضع اصولی بر اساس گفت‌وگو، جدال احسن و واقعیات موجود است.

۳- اصل داشتن برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت توسعه و استراتژی متناسب با آن: اسکودا و کانون‌های وکلا باید از حالت صرفاً تدافعی خارج و برنامه‌هایی جهت توسعه نهاد وکالت مستقل و استراتژی و تکنیک‌های از قبل تعیین شده داشته باشند. به طور مثال، اتحادیه و کانون‌ها باید پیش‌نویس مقتضی از «طرح جامع وکالت» داشته و پس از رایزنی با نمایندگان مجلس و قوه قضائیه در تصویب آن تلاش کنند. به علاوه هدایت سکان

حرفه وکالت در شرایط خاص امروزی مستلزم برنامه‌ریزی و سازماندهی جدید کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت است. همچنین، انضباط مالی با بودجه‌نویسی منطقی نیز از ضروریات این نهاد است.

۴- اصل اصلاحات درونی و ارزیابی مداوم عملکردها: جامعه وکالت نباید دچار خودشیفتگی و تکبر کاذب شود، بلکه باید با شناخت آسیب‌های جمعی و فردی، دست به اصلاح درونی اعم از ساختار و مقابله با عناصر ناشایست که با آبروی جامعه وکالت بازی می‌کنند، بزند و با ارزیابی عملکرد کل و جزء سیستم و

نیز تک تک اجزای آن، بهانه را از برخوردهای بیرونی بگیرد.

۵- اصل ارائه ایده‌های جدید: وکالت یک نهاد صنفی مستقل است. این نهاد نباید از نهادهای مشابه نظیر نظام پزشکی، نظام مهندسی و ... عقب بماند. به طور مثال، امروز نوبت‌دهی پزشکان اینترنتی شده و انواع خدمات و تخصص‌های نظام پزشکی روزآمد و در حال توسعه است. قوه قضائیه نیز با سیستم ثنا، انقلابی در ابلاغ به راه انداخته است ولی باید اذعان کنیم اتحادیه، کانون‌های وکلا و وکلا متناسب با تحولات جامعه حرکت نکرده و نظام منسجم و به‌روزی ندارد.

به‌روز کردن سیستم اتوماسیون، الکترونیکی کردن انتخابات، تعریف تمرکز و عدم تمرکز اشتغال، توسعه سایت‌های حرفه‌ای، وکالت تخصصی، ارتقاء منزلت شغلی و حرفه‌ای، کارآفرینی و حمایت از وکلای جوان، توسعه موسسات حقوقی قدرتمند، معاضدت به نیازمندان و انجام پژوهش‌های قوی و تطبیقی و ... از اصول فراموش شده است و متأسفانه مقابله با بحران‌های بیرونی، ما را از تقویت درون غافل کرده است.

امیدوارم در سال ۱۴۰۲ با نگاهی کارآمد و فراخوان ایده‌های جدید و برون‌سپاری بسیاری از اهداف، شاهد تحقق ایده‌ها و توسعه کیفی نهاد وکالت باشیم.





روابط عمومی قوی رمز موفقیت در همراهی افکار عمومی با نهاد وکالت

محمد مهدی نحوی

رئیس کانون وکلای دادگستری قزوین

در تاریخ کانون وکلای دادگستری یعنی از زمان تاسیس تا اعلام استقلال و دوره کنونی، نهاد وکالت فراز و فرودهای فراوانی را از سرگذرانده است. به بیان دیگر نهاد وکالت در هر برهه‌ای با مسئله و چالشی مواجه بوده است و آنچه از ماه‌های گذشته بیش از پیش شاهد وقوع آن هستیم، چیزی خارج از این قاعده نیست.



”



درست است که در جامعه پیچیده کنونی، داشتن تخصص و تسلط به دانش روز حقوقی یک ضرورت است اما این ابزارها بدون داشتن ارتباط موثر با جامعه چندان کارایی ندارد. تنها با داشتن روابط عمومی موثر است که می توان به این هدف رسید

“

در مواجهه با حوادث اخیر و نیز مسائل کلان ملی، بحران های داخلی و حتی تحریم های ظالمانه و مداخلات بیگانگان، نهاد وکالت ناگزیر از موضع گیری درخصوص تبیین ابعاد حقوقی تهدیدات و فرصت های پیش رو است. انجام صحیح این رسالت و بردوش کشیدن بار سنگین آن، غیر از آنکه بخشی از وظایف قانونی اعضای نهاد وکالت در قبال موکلان حقیقی و حقوقی محسوب می شود، بخشی از مسئولیت اجتماعی کانون وکلا در حوزه استیفای حقوق عامه نیز به حساب می آید. تحقق کامل این رسالت البته که بدون برقراری تعامل سازنده

و شفاف با بخش های مختلف حاکمیتی، قوای سه گانه و به ویژه دستگاه قضایی مقدور نیست. البته که این تعامل و سازندگی مستلزم رعایت چارچوب هایی است که از دیرباز تاکنون خط قرمز استقلال کانون وکلای دادگستری محسوب می شود.

و صد البته که ماندن در حریم این چارچوب و تداوم وظایف قانونی و اجتماعی نهاد وکالت مستلزم پیش شرط های دیگری هم هست. از جمله مهمترین این شرط ها ایفای کامل همه وظایفی است که دامنه آن از حوزه امور مربوط به جذب و مهارت آموزی کارآموزان وکالت تا نظارت بر صحت عملکرد وکلا و اطمینان از حسن رفتار آنها را شامل می شود.

هرچه باشد وکلای دادگستری هم مانند دیگر آدمیان در معرض ارتکاب خطا و اشتباه قرار دارند. منتهی تفاوت آنها با سایرین در این است که خطا و اشتباه یک وکیل می تواند هزینه سنگینی برای افراد و جامعه به دنبال داشته باشد. این تبعات حسب مورد و موقعیت از تضییع حقوق موکلان در یک پرونده خاص تا رسمیت بخشیدن و تایید یک رویه غلط قانونی متغیر است.

از سوی دیگر در عصر حاضر که با ویژگی منحصر به فرد جولان انبوهی از جریان های رسانه ای در فضای رسمی و غیر رسمی شناخته می شود،

داشتن روابط عمومی قوی و موثر، کلید موفقیت در همراه ساختن جریان افکار عمومی محسوب می شود.

از این بابت هر قدر هم که حرفه وکالت و نهاد متبوع آن در چارچوبی از دکترین های حقوقی و مواد و تبصره های قانونی محصور باشد، تسلط به زبان عامه مردم و داشتن ابزارهای لازم برای سخن گفتن با جامعه، یک ضرورت اجتناب ناپذیر تلقی می شود. درست است که در جامعه پیچیده کنونی، داشتن تخصص و تسلط به دانش روز حقوقی یک ضرورت است اما این ابزارها بدون داشتن ارتباط موثر با جامعه چندان کارایی ندارد. تنها با داشتن

روابط عمومی موثر است که می توان به این هدف رسید و فرهنگ مطالبه گری را در رابطه با ابعاد مختلف حوزه وظایف قانونی و مسئولیت های اجتماعی وکالت تقویت کرد تا از این رهگذر شاهد تحقق حداکثری دستاوردهای نهاد وکالت باشیم.

از این منظر اگر بخواهیم عملکرد اسکودا در سطح کلان را ارزیابی کنیم، نمی توان از مطرح کردن برخی نقدهای جدی نسبت به آن چشم پوشی کرد. هرچه باشد مشاهدات و مرادفات حاکی از آن است که چه در مناسبات داخلی و چه در عرصه بیرونی کاستی هایی وجود دارد که باعث شده است نگرش خوبی نسبت به این نهاد وجود نداشته باشد.

صد البته که در وهله اول، اصلاح این وضعیت مستلزم تقویت نظام هماهنگ کننده در سطح مدیریت کلان نهاد وکالت است، بنابراین تا زمانی که مجموعه کانون های دادگستری به عنوان یک پیکره واحد به وفاق و اجماع کامل درون صنفی دست پیدا نکنند و سند مشترکی در ارتباط با تمام بخش های این نهاد تدوین نشود، ایرادات و نواقص کنونی به قوت خود باقیست و انجام مطلوب وظایف قانونی و مسئولیت اجتماعی نهاد وکالت به عنوان حلقه واسط و میانجی میان مردم و حاکمیت میسر نخواهد بود.



ضرورت هدف‌گذاری رسانه‌ای برای احیای جایگاه نهاد وکالت نزد مردم

یادداشت

یزدالله طاهری نسب

رئیس کانون وکلای دادگستری خوزستان

وکلا دادگستری تنها صنفی هستند که خارج از حاکمیت دولت برای حاکمیت قانون می‌جنگند. به عبارتی دیگر وکلای دادگستری بر خلاف پلیس، قضات، نهادهای امنیتی، نظامی و انتظامی منصب دولتی ندارند ولی یک مقام رسمی دارند که وظیفه محوله‌شان احقاق حقوق مردم بر اساس قانون است؛ از این جهت کمک و دستیار حاکمیت در اجرای قانون هستند. از سوی دیگر وکلایار و یاور مردم هستند، به خصوص زمانی که تقابل میان مردم و نهادهای حاکمیتی پیش می‌آید، این وکلای دادگستری هستند که به عنوان مدافعان مردم تلاش می‌کنند حقوق افراد را در مراجع قضایی مطالبه و از آن دفاع کنند. به همین جهت اولین جلوه نقش وکلای دادگستری در مطالبات مردم و پیگیری مطالبات قانون از مجرای منظم و تنظیم شده قانونی است؛ به این معنا که وکلا مطالبات مردم را نظم‌بخشی می‌کنند و همین باعث کاهش تنش‌ها میان مردم و دستگاه‌های دولتی و قضایی می‌شود.



روبرو هستیم که مهمترین و بزرگترین آن وجود نهاد موازی وابسته به قوه قضائیه است که باید حتماً فکری به حال این مساله شود. وجود این نهاد باعث ابهامات بسیاری نزد عموم مردم در مورد نهاد وکالت شده است و حتی نهادهای حکومتی هم گاهی وقتها تفاوت کانون‌های وکلای دادگستری را با مرکز وکلا و مشاوران قوه قضائیه نمی‌دانند و حتی اعضای آنها را تفکیک نمی‌کنند؛ تا جایی که دیده شده قضات هم در مکاتبات با کانون‌های وکلا این دو را از یکدیگر متمایز نمی‌دانند. لذا اولین اقدام این است که امور مربوط به نهاد وکالت باید در کانون‌های وکلا متمرکز شود و فکری هم به حال وضعیت مرکز وکلا و مشاوران قوه قضائیه شود؛ چراکه به اعتقاد من اعضای این مرکز باید به استقلال برسند و وارد کانون‌های وکلا شوند. در مرحله دوم باید استقلال صنفی نهاد وکالت و کانون‌های وکلا تقویت شود تا خودگردانی و خودالتزامی کانون‌های وکلا بیش از گذشته تثبیت و تعمیق شود. به عبارتی دیگر استقلال باید بیش از گذشته باشد. اقدام سوم یا مرحله سوم هم به احیای جایگاه نهاد وکالت و کانون‌های وکلا نزد مردم بازمی‌گردد که باید اقدامات فرهنگی و هدف‌گذاری رسانه‌ای درست در این راستا صورت گیرد. برای رسیدن به این مهم به نظرم باید روابط عمومی کانون‌های وکلا

بیش از گذشته تقویت شده و اقدامات خود را گسترش و هدفمند کنند و در رسانه و مطبوعات حضور داشته باشند تا بتوانند با معرفی خود، جایگاه نهاد وکالت را در سطح جامعه تقویت و تثبیت کنند. مشکلات تقنینی هم وجود دارد؛ به گونه‌ای که باید فکری به حال وضعیت معیشتی وکلا کنیم، به خصوص اینکه بانوان وکیل و به صورت کلی وکلای جوان در شرایط مالی خوبی به سر نمی‌برند و این در حالیهست که اگر معاش وکیل تامین نباشد، بدون تردید جایگاه و شأن او لکه‌دار خواهد شد. امیدوارم که در آتی به بتوانیم پیشرفت در استقلال و افزایش شأن نهاد وکالت و وکیل را شاهد باشیم.

بخش عمده‌ای از تنش‌ها و درگیری‌ها و فشارهایی که باید به‌طور متعارف به دستگاه قضایی و دستگاه‌های حاکمیتی وارد شود، توسط وکلای دادگستری دفع می‌شود و وکلای دادگستری مانند ضربه‌گیر عمل می‌کنند. به صورت کلی بخش عمده‌ای از تنش‌های ناشی از مواجهه اولیه مردم با دولت و نهادهای حاکمیتی در زمانی که اصطکاک یا تعارضی میان دولت و حاکمیت با مردم پیش می‌آید توسط وکلا خنثی و دفع می‌شود؛ یعنی مردم زمانی که به وکیل مراجعه می‌کنند و وکیل هم وکالت آنها را قبول می‌کند، در اصل به عنوان واسطه کاهش تنش وارد میدان می‌شود که در نهایت بتواند تنش ناشی از اختلاف و خصومت را از مجرای قانونی پیگیری و مدیریت کند.

لذا یکی از مهمترین نقش‌های وکلا، کاهش تنش و اصطکاک مردم با دستگاه‌های قضایی و حاکمیتی است. اما به طور کلی در بحث میانجی‌گری، چنین وظیفه‌ای در قوانین برای وکلا پیش‌بینی نشده است. شاید بتوان گفت که وکلا با آگاهی بخشی به مردم از یک سو و مطالبه حقوق مردم از طریق مجاری قانونی از سوی دیگر می‌توانند باعث کاهش سطح تنش‌های سیاسی و اجتماعی در سطح جامعه شوند و بدین وسیله بر نظم بخشی مردم در

سطح جامعه کمک کنند. بر همین اساس کانون‌های وکلا می‌توانند یک نقش اجتماعی وسیع‌تری را پیگیری کنند؛ هرچند که خلأهای قانونی در این رابطه وجود دارد، اما این ظرفیت در نهاد وکالت با بیش از ۶۰ هزار وکیل در سطح کشور وجود دارد که به صورت سیستماتیک بتوان از پتانسیل و ظرفیت علمی موجود در این نهاد در جهت شناسایی موارد نقض حقوق مردم و راهکارهای جبران آنها و صیانت از حقوق مردم استفاده کرد. در این میان البته ترمیم جایگاه اجتماعی وکالت هم امر ضروری به شمار می‌آید که در وهله اول باید استقلال نهاد وکالت و کانون وکلا را تامین و تثبیت کنیم که در شرایط حاضر با چالش‌های زیادی



کانون‌های وکلا می‌توانند نقش اجتماعی وسیع‌تری را پیگیری کنند، که البته خلأهای قانونی نیز در این رابطه وجود دارد، اما این ظرفیت در نهاد وکالت با بیش از ۶۰ هزار وکیل در سطح کشور وجود دارد که به صورت سیستماتیک بتوان از پتانسیل و ظرفیت علمی موجود در این نهاد در جهت شناسایی موارد نقض حقوق مردم و راهکارهای جبران آنها و صیانت از حقوق مردم استفاده کرد





تلاش برای تخریب یا تضعیف نهاد وکالت؛ تصویری که عقل آن را تصدیق نمی‌کند

روح‌الله وکیلی

رئیس کانون وکلای دادگستری کرمانشاه

حفظ آن از ناحیه قانون‌گریزان، قانون‌گریزی را به دنبال دارد. در این میان نهادهای وابسته نقش تنظیم‌کننده رابط و تعادل و تعاملات بین مردم و حاکمیت را می‌توانند ایفا کنند و کانون‌های وکلای دادگستری نیز می‌توانند نقش رابط و تعادل و تعامل را در قالب نقد و نقادی داشته باشند. نقادی و نقدپذیری در راستای پرسش‌گری و پاسخ‌گویی، برای کمال و اصلاح اجتماع، سرمایه‌ای است بس گران‌بها. شناخت کاستی‌ها و نواقص و تلاش در جهت رفع آنها، گامی مقدس در مسیر صلاح فرد و جامعه است. به جای پاسخ‌گویی خود را به نادانی زدن، پرده‌پوشی بر آنچه بوده و هست یا انکار نواقص و مشکلات، واقعیت‌ها را عوض نکرده و دردی را درمان نمی‌کند.

یکی از مباحث محوری نظام‌های سیاسی که بر آن تأکید جدی می‌شود حقوق ملت است. کشورهای مختلف جهان می‌کوشند آن را سرلوحه قانون اساسی و درخشان‌ترین فصل آن قرار دهند و به همین جهت یکی از عمده‌ترین مباحث حقوق اساسی، حقوق افراد و محدودیت قدرت و زمامداران آن است که از آن به عنوان حقوق بشر یا حقوق آزادی‌های اساسی یا حقوق و تکالیف حکومت و افراد یاد می‌شود. توجه داشته باشید که قدرت جاذبه ایجاد می‌کند.



صاحب‌نظران و عقاید و افکار عمومی و متولیان امور است که در صورت عدم توجه، توالی فاسد به دنبال خواهد داشت.

با عنایت به اینکه نهاد وکالت از نهادهای مکمل در تحقق عدالت است و با توجه به اینکه در اصل سوم قانون اساسی جایگاه نهاد وکالت در راستای حقوق ملت تعریف شده است، این نهاد می‌تواند در تأمین حقوق و آزادی‌های فردی و اساسی و تبیین وظایف دولت در مقابل آحاد جامعه و همچنین وظایف ملت در مقابل دولت نقش محوری ایفا کند، امری که متأسفانه تاکنون توجه جدی به آن مبذول نشده است. امید آنکه با سپردن ایفای نقش به وکلای با بصیرت که از دانش اجتماعی، خردورزی، مُلک و ملت‌مداری برخوردارند و برخورداری از نظرات آنان در جهت تعامل سازنده فی‌مابین حاکمیت و ملت به نحو چشمگیری مورد توجه قرار گیرد.

در خصوص دورنمای آینده نهاد وکالت باید این موضوع را مورد‌نظر قرار داد که از نوامیس طبیعت است که هر موجودی از نقص به کمال می‌رسد. علمای علم اجتماع هم در این زمینه بر این عقیده هستند که انسان، مدنی و نهادهای

آن بالطبع آفریده شده‌اند و فطرتاً مایل به اجتماع و طبعاً طالب ترقی و علو هستند و قهراً لازمه بقاء و دوام هستند. به همین جهت تحت تأثیر این روند، اجتماعات، مدنیت، اصول قوانین و امنیت، صیانت حدود و حقوق افراد به وجود می‌آیند و همواره نیز مدارج مترقی و هم‌زیستی را می‌پذیرند. به همین جهت کانون وکلا هم از این دسته به حساب می‌آید و اساساً ذات اجتماعی دارد که به حکم ضرورت حضور یافته و قهراً از سنت ارتقاء و تکامل برخوردار بوده و خواهند بود. توهم حدوث یا از بین رفتن ماهیت کانون‌های وکلا و یا تلاش برای تحدید، تخریب، تهدید یا تضعیف این نهاد، تصویری است که عقل آن را تصدیق نمی‌کند.

مدیریت مبتنی بر دیانت و خرد و هیأت حاکمه ارزش‌مدار و الهی، همواره در جستجوی آن است که در مسیر تکاملی خود، آفت‌ها و آسیب‌ها را بشناسد و بزداید. اگر فرهنگ نقد و انتقادپذیری رایج و آداب و مرزهای روایی و ناروایی انتقاد و ویژگی‌های ناقدان روشن شود و ناقدانی بنیاد بصیر به عرصه نقد ورود یابند، بسیاری از تنش‌ها و کشمکش‌ها فروکش کرده و بسیاری از ضعف‌ها، نقص‌ها و کاستی‌ها زمینه ظهور نمی‌یابند؛ به خصوص اگر مدیران از لاک خودمطلق‌انگاری و خودبرتربینی درآمده و معتقد باشند که در معرض خطا هستند و به سادگی درمی‌یابند که هیچ‌کس بی‌نیاز از تذکر و انتقاد از ناحیه دیگران نبوده و حتی امام علی علیه‌السلام، با آن مقام عصمت و عظمت، از مردم می‌خواهند تا از ابراز سخن حق و خیرخواهی نسبت به روش حکومت خودداری نکنند؛ چراکه در یک چرخه صحیح نقد و انتقادپذیری، منتقد در حقیقت برادری دلسوز، تیزبین و خیرخواه است که با نمایاندن نواقص و کاستی‌ها به دنبال بهبود وضعیت موجود است. در نظام قانون‌گذاری کشور ما نیز قانون اساسی مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی

و اقتصادی جامعه ایران را براساس اصول و ضوابط اسلامی تدوین و وظایف قوای سه‌گانه را تعیین و بر حدود آن تصریح و تأکید کرده است. این توجه در راستای تحقق عدالت و از مفاهیمی است که بشر در عمق فطرت خویش به ارزش و تعالی آن واقف و همواره به دنبال راهکارهایی برای اجرای آن بوده است. در این راستا گسترش افق‌های قانون‌گذاری و استفاده از ظرفیت‌های نوین دانش در امر سیاست‌گذاری و وضع قوانین، از ویژگی‌های بهینه است که به جامعیت و پایدار ماندن قوانین و مقررات می‌انجامد.

یکی از عوامل اجتماعی مهم و مؤثر در قانونگذاری که می‌تواند دامنه آن را گسترش یا محدود کند، توجه و یا عدم توجه به انتظارات عمومی و نظریات



با عنایت به اینکه نهاد وکالت از نهادهای مکمل در تحقق عدالت است و با توجه به اینکه در اصل سوم قانون اساسی جایگاه نهاد وکالت در راستای حقوق ملت تعریف شده است، این نهاد می‌تواند در تأمین حقوق و آزادی‌های فردی و اساسی و تبیین وظایف دولت در مقابل آحاد جامعه و همچنین وظایف ملت در مقابل دولت نقش محوری ایفا کند





۶ چالش نهاد وکالت

مهدی غلامی جلال

رئیس کانون وکلای دادگستری همدان

علی‌رغم میل ذاتی و باطنی به عنوان عضوی از جامعه وکالت که دارای مسئولیت نیز هست، در برهه کنونی به سختی می‌توانم دورنمای روشنی برای فعالیت‌های نهاد وکالت قائل شوم. این به معنای فقدان خوش‌بینی در وجود بنده نیست.





در یک سازمان صنفی اگر اتحاد و همدلی لازم نباشد، اعضای آن صنف بی‌پروبرگرد در تحقق مطالبات خود و عمل به مسئولیت اجتماعی با چالش روبرو هستند. نهاد وکالت نیز از این قاعده مستثنی نیست

است و بیراه نیست که آن را نتیجه ایراداتی بدانیم که با همه احترام می‌توان به عملکرد مدیران نهاد وکالت وارد کرد.

رابعاً: سوای نقصان‌های داخلی، عوامل بیرونی نیز در بروز چالش برای حرفه وکالت و نهاد مربوط به آن نقش موثری دارند. متأسفانه شدت این عوامل بیرونی با قدمت فعالیت نهاد وکالت در حال افزایش است. مشهودترین نمونه، تصمیمات غیرکارشناسی است که از ناحیه حاکمیت در ارتباط با نهاد وکالت اتخاذ می‌شود. به صورت دقیق‌تر تمایل قوای مقننه و قضائیه در

سال‌های اخیر برای اخذ چنین تصمیماتی افزایش یافته است. سوای اینکه این تصمیمات بحث‌برانگیز با چه نیت و چه سطح از آگاهی اتخاذ شده‌اند، در عمل استقلال نهاد وکالت را متزلزل کرده‌اند و در مجموع شأن و منزلت حرفه وکالت در جامعه را نشانه گرفته‌اند.

خامساً: همانطور که پیشتر متذکر شدم، عملکرد مدیران نهاد وکالت بری از نقد و ایراد نیست، با همه اهتمام و جهد صورت گرفته، همچنان جای برنامه‌های جامع و سیاست‌های کلی برای عبور از بحران‌ها و برطرف کردن اشکالات سرراه به شدت محسوس است. البته که این مسئله متأثر از نحوه تصمیم‌گیری در سطح ملی و عملکرد هیات مدیره‌ها و مجمع عمومی اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری است.

سادساً: اقتضای شکل‌گیری و فعالیت کانون‌های استانی نهاد وکالت به نحوی است که تاریخ شروع به کار و پایان کار هیات مدیره‌های سراسر کشور با یکدیگر تداخل دارند. نبود این همزمانی هرچند اجتناب‌ناپذیر است اما در نهایت بر فرآیند اتخاذ تصمیم موثر است و به صورت محسوس باعث سلب تبعات تصمیم‌گیری می‌شود. ایراد دیگر این وضعیت، عدم به اشتراک گذاشتن تجربه مدیران ادوار سپری با مدیران جدید است و مهمترین تأثیر آن لطمات ناشی از فرصت‌سوزی است که از این محل به نهاد وکالت وارد می‌شود.

من هم به مانند هر انسان دیگری در لحظات تلخ و شیرین، در دلم نسبت به آینده امیدوارم، هرچه باشد امید بذر هویت ماست، اما در باب فعالیت وکالت و به صورت مشخص‌تر آینده پیش‌روی نهاد وکالت، قائل به شروط شش گانه‌ای هستم که چنانچه درنظر گرفته شوند، می‌توان آتیه این حرفه را روشن ارزیابی کرد. بدیهی است که گذاشتن این شروط حسب تجربه و مشاهداتی است که در سال‌های اخیر در موقعیت‌های مختلف از رهگذر معاشرت و هم‌نشینی با اشخاص و افراد مختلف به

دست آورده‌ام و تنها گذر زمان و رسیدن به آینده معلوم است که می‌تواند میزان صحت و دقت آنها را تعیین کند.

ولاً: با همه ارزش و احترامی که برای اهتمام مدیران ادوار نهاد وکالت در جهت ایجاد همبستگی و اتحاد صنفی قائل هستم در عمل این مهم همچنان محقق نشده است. فقدان همدلی لازم در بدنه نهاد وکالت مسئله کوچک و بی‌اهمیتی نیست و به صورت مشخص بر آتیه و دورنمای این حرفه تأثیرگذار خواهد بود.

پرداختن به جزئیات در این مقال نمی‌گنجد اما مخلص کلام آنکه در یک سازمان صنفی اگر اتحاد و همدلی لازم نباشد، اعضای آن صنف بی‌پروبرگرد در تحقق مطالبات خود و عمل به مسئولیت اجتماعی با چالش روبرو هستند. نهاد وکالت نیز از این قاعده مستثنی نیست.

ثانیاً: در همین راستا بیشتر اوقات در مناسبات و مراودات میان نهاد وکالت و اعضای آن، شاهد وارد آمدن لطمات و تحمیل هزینه‌های بی‌مورد بوده‌ایم. البته که این آسیب تا حدی منبعث از ایراد اول است اما سویه‌های آن در جهت تقدم و ارجحیت منافع تشکیلاتی بر منافع صنفی است.

ثالثاً: در بدنه وکلای دادگستری میل و رغبتی برای فعالیت صنفی وجود ندارد، این نقصان و کاستی تا حد زیادی متأثر از دو اتفاق یاد شده



آگاهی‌سازی عمومی لازمه ترمیم جایگاه اجتماعی نهاد وکالت



ابراهیم جلالیان

رئیس کانون وکلای دادگستری قم



بیش از یکصد سال پیش در کشور عزیزمان، دلسوزان عرصه عدالت به نقش فعال وکلای دادگستری در دستگاه قضایی کشور پی بردند و مراجع قانونگذاری قوانین مختلفی را در این خصوص تدوین کردند. فصل چهارم از قانون اصول تشکیلات و محاضر شرعیه و احکام صلیحه مصوب ۱۲۹۰ از ماده ۲۳۶ به شرایط و اوصاف رسمی عدلیه پرداخته بود؛ یعنی قانونگذار اهمیت نهاد وکالت و وکیل دادگستری جهت تحقق حقوق عامه را در بیش از ۱۱۰ سال پیش درک کرده بود. پس از آن در قوانین مختلف از جمله قانون آیین دادرسی کیفری و قانون آیین دادرسی مدنی حق استفاده از خدمات وکیل دادگستری برای آحاد مردم در نظر گرفته شد.

تشکیل و استقلال کانون وکلای دادگستری در کشور نقطه عطفی در تاریخ قضایی ایران به‌شمار می‌رود. از تاریخ تصویب لایحه قانونی مذکور، صدور و تمدید پروانه وکالت دادگستری و محرومیت از آن در صلاحیت انحصاری کانون‌های وکلای دادگستری قرار گرفت و دخالت دولت و وزارت دادگستری از طریق دادگاه عالی انتظامی قضات به صورت نظارتی در قانون یاد شده پیش‌بینی شد. از آن تاریخ وکلای دادگستری بدون واهمه و هراس دفاع از حقوق ملت را در مراجع قضایی عهده‌دار شدند و مردم نیز با اعتماد به وکلای دادگستری در راه تحقق حقوق خویش گام برمی‌داشتند، زیرا اگر نهاد وکالت مستقل نباشد و صدور، تمدید، ابطال و محرومیت از وکالت در نهادهای دیگری جز کانون وکلای مستقل صورت گیرد، در این حالت وکیل دادگستری به لحاظ ترس از ابطال یا محرومیت از وکالت، ممکن است در دفاع از حقوق موکل خویش دچار لکنت و یا نقصان شود و نتواند دفاعی شایسته و بایسته از موکل خود به عمل آورد.

از سوی دیگر وکلایی که در آن سال‌ها به امر وکالت مبادرت می‌ورزیدند، تحت لوای دولت و عدلیه بودند و به دلیل وابستگی به گروه حاکم قادر نبودند تا مسئولیت‌های خود را به‌طور کامل در پرونده‌هایی که مرتبط با جرائم خاصی بود انجام دهند و از این حیث نمی‌توانستند از حقوق ملت به صورت تام و تمام دفاع کنند؛ زیرا قوه حاکمه با فشار بر وکلا از طریق تعلیق پروانه وکالت و محرومیت‌های موقت و دائم، آنها را در معرض تهدیدهای بالقوه و بالفعل قرار می‌داد. از این‌رو، وکلای شجاعی که دفاع از حقوق ملت را دغدغه اصلی خود می‌دانستند با ابرام و پافشاری و مساعدت دولتمردان وقت موفق شدند با تصویب لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، نهاد وکالت را از وزارت دادگستری منتزع کرده و کانون وکلای دادگستری را مستقل کنند.

”



بدیهی است انسان‌ها اصولاً در پی حفظ نفس و نفع شخصی خویش هستند و اگر منفعت آنان متزلزل شود ممکن است خللی در وظایفشان حادث شود که وکلای دادگستری نیز از این قاعده مستثنا نیستند و در صورتی که استقلال نهاد وکالت زایل شود، این مسأله در اعمال حرفه‌ای آنان نیز موثر واقع خواهد شد

“

بدیهی است انسان‌ها اصولاً در پی حفظ نفس و نفع شخصی خویش هستند و اگر منفعت آنان متزلزل شود ممکن است خللی در وظایفشان حادث شود. وکلای دادگستری نیز از این قاعده مستثنا نیستند و در صورتی که استقلال نهاد وکالت زایل شود ممکن است در اعمال حرفه‌ای آنان نیز موثر واقع شود. البته وکلای مستقل دادگستری در طول تاریخ ثابت کرده‌اند که برای احقاق حق و حقوق ملت از هیچ اقدامی فروگذاری نمی‌کنند. اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت حق انتخاب وکیل توسط طرفین پرونده را به رسمیت شناخته است. در زمان تصویب قانون اساسی،

کانون وکلای دادگستری مستقل و وکیل مستقل وجود داشت. منظور مقنین قانون اساسی از حق انتخاب وکیل دادگستری برای طرفین دعوی، وکیلی است که واجد شرایط و اختیارات موجود در قوانین عادی زمان تصویب قانون اساسی بوده است. نهادی که در آن زمان وکیل دادگستری از آن پروانه اخذ کرده نهادی مستقل از دولت و قوه حاکمه بوده است. بنابراین قانون اساسی نیز عقیده بر استقلال نهاد وکالت داشته و وکیلی که از آن نهاد مستقل پروانه اخذ کرده را واجد انتخاب شدن از سوی طرفین دعوی دانسته است. اصل ۳۵ قانون اساسی در فصل سوم و تحت عنوان «حقوق ملت» آمده و آنگونه که گفته شد به نظر می‌رسد قانون اساسی، وکیلی که از نهاد مستقل مجوز اخذ کرده را واجد شرایط انتخاب شدن توسط اصحاب دعوی قلمداد کرده است. بنابراین استقلال نهاد وکالت ارتباط مستقیم با حقوق عامه دارد و نقض استقلال نهاد وکالت موجب تضییع حقوق ملت مصرح در اصل ۳۵ قانون اساسی خواهد شد.

در این میان بحث ترمیم جایگاه اجتماعی نهاد وکالت هم به میان می‌آید که برای ترمیم آن راهکارهای بسیاری موجود است. رفتار وکلای

دادگستری با مردم یکی از راهکارهای ترمیمی مذکور است. وکلای دادگستری در مواجهه با مردم می‌بایست طوری رفتار کنند که شهروندان آنان را ناجی و معاضد خود بدانند. آنان باید درک کنند که وکلا در راه رسیدن مردم به حقوقشان از هیچ اقدامی فروگذاری نمی‌کنند. رفتار و منش و کلا با مردم یکی از مهمترین راهکارهای ترمیمی جایگاه وکیل دادگستری در اجتماع است. هنگامی که وکلای دادگستری با مراجعین و مردم رفتار مناسبی داشته باشند نهاد وکالت نزد مردم جایگاه ویژه‌ای پیدا خواهد کرد.

دومین راهکار ترمیمی این است که کانون‌های وکلای دادگستری برای مردم آگاهی‌سازی کنند که اگر نهاد وکالت مستقل نباشد ممکن است حقوق آنان نیز تضییع شود، بنابراین باید نحوه ضایع شدن حقوق آنان تبیین شود. شایسته است این مهم از طریق رسانه‌های جمعی مثل رادیو و تلویزیون و با ساخت برنامه‌های مستند و یا ساخت فیلم و سریال انجام پذیرد. یکی دیگر از راهکارهای ترمیمی جایگاه اجتماعی این نهاد این است که وکالت‌های معاضدتی و مشاوره‌های حقوقی رایگان و وکالت‌های تسخیری به نحو مطلوب به اطلاع مردم رسانده شود تا مردم بدانند که وکلای دادگستری هدفی فراتر از مسائل مادی را دنبال می‌کنند.

حضور و دخالت نهاد وکالت و وکلای دادگستری در فعالیت‌های اجتماعی باعث دیده شدن آنان در سطح ملی و بین‌المللی خواهد شد. حضور فعال روابط عمومی کانون‌های وکلای دادگستری به صورت حرفه‌ای و استفاده از فضای مجازی می‌تواند جایگاه اجتماعی نهاد وکالت را ارتقاء دهد.

راهکارهای دیگری نیز وجود دارد که نقل آن در این نوشتار نمی‌گنجد، اما امید است که کانون‌های وکلای دادگستری با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های موجود بتوانند در راه اعتلای نهاد وکالت گام‌های موثری بردارند.



پیامد استقلال نهاد وکالت حاکمیت قانون و تحدید قدرت است

احمد نامداری

رئیس کانون وکلای دادگستری کردستان

تاکید صاحب نظران حوزه اجتماع همواره بر این مهم بوده است که نیل به اهداف تعیینی در هر سازمان و نهادی، قویا در گرو تعمیق و تقویت روابط عمومی و تاثیرگذاری اجتماعی آن ارگان است؛ به عبارت گویاتر، مقدار محبوبیت مردمی و میزان عمق نفوذ اجتماعی هر ارگانی، با سطح پیشرفت و موفقیت آن سازمان در نیل به اهداف و آمالهای از پیش تعیین شده، رابطه مستقیم دارد.



مردم و مدافع راستین دغدغه‌های آنان است و این یک وظیفه ملی و همگانی است تا تمامی نخبگان اجتماعی، سیاسی، مدنی و حقوقی به حمایت از اصل استقلال وکلا و تنویر افکار عمومی در این زمینه بپردازند.

این تعامل ملی و حمایت متقابل، نتایج مفیدی را برای تمام طرفین اجتماعی و نهاد مدنی عدالتخواه مستقل کانون وکلا در پی خواهد داشت و به حکمرانی مطلوب و ایجاد احساس عدالت قضایی در شهروندان می‌انجامد؛ لذا معتقدم بزرگترین پیامد سیاسی و اجتماعی استقلال نهاد وکالت، «حاکمیت قانون و تحدید قدرت» به نفع حقوق عامه است.

در این میان تضمین اثربخشی اصول دادرسی منصفانه و عدالت قضایی هم یکی دیگر از موضوعاتی است که جامعه وکالت برای تحقق آن کوشیده است. هرچند کانون‌های وکلای دادگستری مستقیماً در فرآیند دادرسی حضور ندارند، اما عموماً نقشی مهم و مستقیم، در رشد و نمو وکلای توانمند و مستقل دارند و بر انجام دقیق و منضبط مقررات و عرف معروف نظارت می‌کنند.

نگرش کانون‌های وکلا بر پایه تحقق حقوق بشر، دادرسی عادلانه و منصفانه، تعامل با قوه قضائیه در پیشبرد تحقق عدالت حقوقی و قضایی و احترام به استقلال قضات دادگستری استوار و نهادینه شده است. با این تعبیرات و اصول مشترک ملی و جهان‌شمول، کانون‌های وکلا در ایران در حوزه عمومی به عنوان یک صنف اجتماعی و مدنی، نقش مهمی در روند شکل‌گیری و اجرای عدالت حقوقی دارد که این مهم، از طریق حضور وکلای متعهد و حق‌طلب در پرونده‌ها محقق خواهد شد. به همین جهت است که علمای حقوقی بر این مهم تأکید می‌کنند که یکی از ابزارهای حکومت‌داری مطلوب و تحقق حقوق شهروندان، همانا حاکمیت بی‌چون و چرای قانون و وجود نهاد وکالت مستقل و وکیل مستقل است.

با این دیدگاه دوام و بقاء نهاد وکالت و استقلال آن لازم است تا به عنوان یک گزاره اجتماعی و یک مفهوم فراگیر عمومی در میان نهادهای اجتماعی و گروه‌های مردمی، نهادینه شود و نخبگان اجتماعی - سیاسی و فعالان مدنی آن را به عنوان یک اصل مسلم و خدشه‌ناپذیر قبول کنند تا قابلیت پذیرش در مجموعه نهادهای حاکمیتی را پیدا کند.

با درک این واقعیت و عمومی شدن ضرورت وجود نهاد مستقل وکالت دادگستری و دفاع نخبگان سیاسی و عامه مردم از اهمیت مفهوم استقلال وکیل و نهاد وکالت و فراگیر شدن آن به عنوان یک خواست عمومی و مطالبه همگانی، یکی از بزرگترین خلأهای موجود نهاد وکالت یعنی فقدان پذیرش و حمایت افکار عمومی از مفهوم استقلال زدوده خواهد شد و اهمیت وجودی نهاد وکالت دادگستری مستقل به اذهان و افکار مردم رسوخ خواهد کرد.

این همان نقطه عطف پر اهمیت تاریخی است که موجب ظهور و ایجاد یک رابطه دوسویه در حمایت متقابل از حقوق عامه مردم و حفظ استقلال وکیل دادگستری مستقل خواهد شد. بنابراین به جرأت می‌توان گفت، اصل مفهوم استقلال نهاد وکالت ریشه در حمایت و همراهی از حقوق بشر و به

عبارتی دفاع و حمایت تمام عیار از شهروندان دارد؛ چراکه صاحب منصبان قضایی در مسیر محاکمات خود بنا به سرشت انسانی جایز الخطا هستند. در اینجااست که وکیل مستقل همچون ناظران مستقل عدالت و قانون، وظیفه پاسداری از حقوق اساسی و دادرسی دقیق و منصفانه را برعهده خواهند داشت و حفاظت از حقوق انسانی و مدنی شهروندان را تضمین خواهند کرد.

این موضوع در امور کیفری به خصوص پرونده‌های امنیتی و سیاسی به مراتب مشهودتر است. از این روست که اصل اصول استقلال نهاد وکالت و وجود وکیل مستقل، حافظ حقوق عامه



کانون‌های وکلای ایران در حوزه عمومی به عنوان یک صنف اجتماعی و مدنی، نقش مهمی در روند شکل‌گیری و اجرای عدالت حقوقی دارند که این مهم، از طریق حضور وکلای متعهد و حق‌طلب در پرونده‌ها محقق خواهد شد





وظیفه مهم کارآموزان وکالت در حفظ شأن و جایگاه حرفه وکالت

حمیدرضا مومن

رئیس کانون وکلای دادگستری گلستان

در تقویم رسمی کشور، هفتم اسفند ماه، روز پاسداشت استقلال کانون‌های وکلا، ثبت نشده و گرامی‌داشت چنین روزی، در خصوص یکی از قدیمی‌ترین نهادهای مدنی کشور در تقویم رسمی کشور، جایگاهی ندارد!



می‌شود، جلوگیری کنند» و «متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود» می‌توان گفت، بی‌تردید حضور وکیل مدافع در فرایند تحقیقات مقدماتی و حتی دادرسی عادلانه می‌تواند تأمین کننده منظور قانون‌گذار در جلوگیری از تطویل فرآیند دادرسی کیفری از طریق روشن کردن حدود و ثغور اتهام، قوت و رخوت ادله بالفعل و نیز ایجاد فضای تحصیل دلیل در مورد ادله بالقوه برای مقام قضایی در راستای کشف حقیقت و آگاهی آحاد مردم و حتی مقام تحقیق (تبصره ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری) از حقوق اشخاص در جامعه باشد.

به عبارت دیگر هر چند اولین وظیفه محاکم و قضات، اجرای عدالت و تضمین دادرسی منصفانه است؛ اما در این بین وظیفه مهم و مؤثری نیز برعهده کانون‌های وکلای دادگستری بوده و آن مساعدت، تعاون و همکاری با قضات برای تأمین همه‌جانبه عدالت در جامعه است.

از جمله این همکاری‌ها می‌توان به نقش وکلای دادگستری در دادرسی‌های کیفری اشاره کرد که در حال حاضر به عنوان تضمینی برای امنیت جرایمی متهم به حساب می‌آید و این مهم تحقق نخواهد یافت مگر با حفظ استقلال وکیل در موضع دفاع، که ثمره آن حفظ حقوق شهروندان در امر دفاع و اجرای واقعی عدالت خواهد بود.

در آخر باید گفت، در این بزنگاه تاریخی که نهاد وکالت از هر سو آماج حملات و تعریض‌های مختلف قرار گرفته است انتظار از کارآموزان وکالت، این همکاران جوان و پر از امید و نشاط این است که با استعانت از خداوند متعال و با جدیت و پشتکار به انجام وظایف و تکالیف قانونی و حرفه‌ای خود اهتمام ورزند و نمایندگانی شایسته در جهت اعتلای صنف و حفظ شأن و جایگاه حرفه وکالت باشند چرا که آینده نهاد وکالت و صیانت از استقلال کانون‌های وکلا در دست این عزیزان خواهد بود.

برای حفظ حقوق جامعه، باید اصول بنیادین حقوق بشر از جمله احترام به کرامت و حیثیت ذاتی انسان‌ها، آزادی، امنیت قضایی، تساوی حقوق زن و مرد و دادرسی عادلانه و منصفانه را پیش از پیش مورد توجه قرار داد. اجرای عدالت در همه زمینه‌ها به خصوص عدالت قضایی که مستلزم دادرسی عادلانه است مورد توجه ادیان الهی، مکاتب فکری مختلف اندیشمندان و مصلحان اجتماعی بوده است.

پر واضح است حتی چنانچه کامل‌ترین و بی‌نقص‌ترین قوانین ماهوی را داشته باشیم بدون وجود قوانین شکلی و اجرای دادرسی منصفانه، تحقق عدالت قضایی در روند رسیدگی امری غیر ممکن است؛ از این‌رو در توصیف مقررات آیین دادرسی کیفری، همواره از منصفانه بودن آنها یاد شده و دادرسی مدنظر مقنن فهیم ما بوده که برخوردار از ابعاد مختلف حقوق دفاعی متهم تعبیر می‌شود.

زمانی می‌توان دادرسی را منصفانه دانست که اصول و قواعد یک نظام حقوقی و مترقی بر جریان دادرسی حاکم بوده و متهم در شرایطی آزاد و برخوردار از تمامی تضمین‌های دفاع محاکمه شود. از این جهت همانگونه که در مواد ۱ و ۵ قانون آیین دادرسی کیفری مقید است، رعایت حقوق جامعه، بزه‌دیده و متهم از اهم اهداف اجرای قانون مذکور است. از لوازم اعمال قانون فوق نیز ماده ۷ از قانون آیین دادرسی کیفری، ناظر بر

بند ۳ از ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ است که با ضمانت اجرای مقرر در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی مقید شده است. با ملاحظه مواد ۳ و ۵ قانون آیین دادرسی کیفری که به ترتیب می‌گوید: «مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ کنند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری



پر واضح است حتی چنانچه کامل‌ترین و بی‌نقص‌ترین قوانین ماهوی را داشته باشیم بدون وجود قوانین شکلی و اجرای دادرسی منصفانه، تحقق عدالت قضایی در روند رسیدگی امری غیرممکن است





فرو کاستن نهاد وکالت در حد یک تشکل صنفی ظلم به عدالت است

قادر شیرینی

رئیس کانون وکلای دادگستری اردبیل

سراسر تاریخ بشر گذر از مفاهیم دردآلود و غم‌بار تبعیض، خشونت، زورگویی و هرج و مرج به حاکمیت قانون، دادرسی عادلانه و عدالت بوده است و در این راستا نهاد وکالت یعنی کهن‌ترین نهاد مدنی کشور، میراث ماندگار حقوقی، امانتی سترگ با هدفی مقدس، مظهر حقوق ملت و ندای عدالت و ضامن دادرسی عادلانه وارد ادبیات حقوقی شد. قطعاً این مفهوم میراث مشترک بشریت است که استقلال جوهر ذاتی حرفه وکالت و لازمه تضمین حق دفاع شهروند است.





تداوم نگاه کاسبکارانه و به‌ظاهر اقتصادی و نظارت‌های فرا قانونی، نهاد وکالت را از درون تهی و بی‌محتوا خواهد کرد. در این شرایط استقلال وکیل جنبه تشریفاتی و تزئینی خواهد داشت و صد البته دود این بدعت‌ها و مصیبت‌ها به چشم ملت خواهد رفت

اگرچه گذشته چراغ راه آینده و پراز رویدادهای تلخ و شیرین است ولی رویکرد تحمیلی و سونامی تقنینی و اقدامات تضعیفی (شان، امنیت و استقلال وکیل) در چند سال اخیر دورنمای نهاد وکالت را با تردیدها و ابهامات اساسی روبرو کرده است. تداوم نگاه کاسبکارانه و به‌ظاهر اقتصادی و نظارت‌های فرا قانونی، نهاد وکالت را از درون تهی و بی‌محتوا خواهد کرد. در این شرایط استقلال وکیل جنبه تشریفاتی و تزئینی خواهد داشت و صد البته دود این بدعت‌ها و مصیبت‌ها به چشم ملت خواهد رفت و افسوس وقتی که به گذشته نگاه می‌کنیم آینده برآیمان

تداعی می‌شود. دورنمای نهاد وکالت از یک طرف ارتباط مستقیم با کارکرد و وظیفه این نهاد دارد و در قانون اساسی نیز وکالت جزء حقوق ملت قرار دارد. وکالت هدفش اجرای عدالت و تضمین دادرسی عادلانه است. تابه‌حال کارکرد سنتی بر نهاد وکالت حاکم بوده است، در حالی که وکالت صرفاً دفاع از حقوق موکل و یا متهم نیست، بلکه ندای عدالت و مفهومی فراتر از یک قرارداد است و در کنار دفاع از پرونده باید نسبت به مسائل صنفی و اجتماعی نیز کنشگر باشیم.

وقتی در قانون اساسی وکالت را به عنوان حقوق ملت تصریح کرده‌اند باید ضمن تلاش برای اجرای عدالت و آزادی، صدای ملت برای بیان مشکلات جامعه و مطالبات بحق عمومی در چهارچوب قانون باشیم. در این صورت هر کانون به مثابه یک پایگاهی برای صیانت و ترویج حقوق شهروندی و هر وکیل به مثابه مدافع حقوق بشر و شهروندی است. از طرف دیگر در شرایط فعلی نهاد وکالت نیازمند اتحاد، مشارکت و همدلی همه وکلا و کانون‌ها و نواندیشی و تغییر رویکرد در درون و بیرون است. به‌هرحال رویکرد چند سال اخیر نسبت به نهاد وکالت رویکرد مثبت و سازنده‌ای نبوده است و این امر شاید نشأت گرفته از نگرش اقتصادی صرف دولتمردان نسبت به نهادهای مدنی باشد، با وجود اینکه مسئله ناکارآمدی در بحران نرخ ارز، نظام

بانکی، تورم فزاینده، گسترش روزافزون فقر و ... این روزها خود را کاملاً نمایان ساخته است. برای عبور از شرایط پیچیده کنونی و گام برداشتن به سوی کشوری توسعه یافته، ایجاد تعامل و تعادل بین سه ضلع شهروندان، نهادهای مدنی و حاکمیت امری گریزناپذیر است. در حکمرانی مطلوب، تبعیت شهروند از حاکمیت، جای خود را به مشارکت از طریق نهادهای مدنی داده است. گذر از ضدیت به همکاری بین نهادهای مدنی و حاکمیتی امری اجتناب‌ناپذیر است و استقرار آزادی‌ها و قسط و عدالت که مهمترین هدف دولت‌هاست تنها با مشارکت

و همکاری نهادهای مدنی امکانپذیر است. نگاه شهروندمدارانه ایجاد می‌کند که نظارت شهروندان و نهادهای مدنی بر نهادهای دولتی ارجحیت داشته باشد. چنین دیدگاهی نه تنها باعث رشد نهاد وکالت در عرصه داخلی بلکه باعث رعایت استانداردهای جهانی و افزایش وجهه بین‌المللی ایران عزیزمان می‌شود، اما اگر نگاه به نهاد وکالت، نگاهی ایزاری، صوری و فرمایشی باشد و طرح‌های غیر کارشناسی بدون در نظر گرفتن تأثیرات منفی این طرح‌ها و بدون مشارکت نهاد وکالت مطرح و تصویب شوند، آنگاه قوانین نهاد وکالت که به مثابه یک منظومه است، تغییر می‌کند.

تغییر بخشی از مقررات بدون در نظر گرفتن سایر بخش‌ها باعث سست شدن این منظومه می‌شود و نهاد وکالت را به لبه پرتگاهی می‌کشاند که تمام توان و انرژی خود را برای حفظ کیان و استقلال خود صرف کرده در حالی که باید این توان و انرژی برای رشد و تعالی این نهاد صرف می‌شد، لذا فرو کاستن نهاد وکالت در حد یک تشکل صنفی که دغدغه‌هایی از جنس استقلال دارد ظلم به عدالت و خدشه به شرافت حرفه‌ای وکیل است. هیچ‌یک از این هجمه‌ها و طرح‌ها ما را از انجام رسالت قانونی و اخلاقی خویش دلسرد نخواهد کرد. به امید فردایی بهتر برای همه ملت ایران و جهان و آرزوی صلح و آرامش و امنیت برای همه.





استقلال نهاد وکالت جزء لاینفک حاکمیت قانون است

حمید صلاحی، رئیس کانون وکلای استان مرکزی

یکی از مهمترین شاخصه‌های دستگاه قضایی،
ایجاد سازوکارهای دادرسی عادلانه است که
هم از نظر داخلی و هم از نظر بین‌المللی
فوق‌العاده اهمیت دارد. استقلال وکیل نیز یکی دیگر از
شاخصه‌های دادرسی عادلانه به شمار می‌آید.



برای آن در طول دهه‌های گذشته کشیده شده است. این وضعیت در سایر کشورهای دارای سیستم حقوقی پیشرفته نیز وجود دارد. مطابق اصول ۳۴ و ۳۵ قانون اساسی، هیچ تردیدی در پذیرش استقلال نهاد وکالت وجود ندارد، به کیفیتی که موضوع «قضا و دادخواهی» در اصل ۳۴ با موضوع «وکالت» در اصل ۳۵ پیوند خورده و هر دو با مسأله پاسداری از حقوق ملت ارتباط مستقیم دارند.

بنابراین در مجموع، استقلال وکیل متضمن احیای حقوق عامه و مراقبت از آن حتی در مقابل حاکمیت سیاسی خواهد بود که خود از نشانه‌های توسعه سیاسی و اجتماعی است.

به منظور نیل به این هدف مشترک و در راستای ایفای نقش مسوولیت اجتماعی نهاد وکالت، نیاز به فرهنگ‌سازی و آگاهی‌بخشی از طریق برقراری ارتباط موثر و پویا با قوای سه‌گانه به خصوص مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مجلس و سایر مسوولان کشوری و استانی و نیز در سطح عمومی جامعه از طریق راه‌های مختلف از جمله استفاده از ظرفیت رسانه، تولید متون و کلیپ‌های آموزشی و حتی ساخت فیلم و سریال در ارتباط با وکیل و وکالت و آموزش حقوق و همچنین تشکیل کلینیک‌های آموزش شهروندی با زیر شاخه‌های حقوق کودک، حقوق محیط زیست، حقوق بانوان و... و کارگروه‌های حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در کنار وظایف معاضدت قضایی لازم و ضروری است.

همین‌طور آموزش، بازآموزی و توانمندسازی علمی و عملی کارآموزان و وکلای عضو کانون‌های وکلای سراسر کشور و آموزش مقررات موضوعه توسط وکلای متخصص از طریق رسانه‌های جمعی و فضای مجازی و برگزاری همایش و سمینارهای تخصصی با همکاری دانشکده‌های حقوق و حمایت از تحقیقات دانشگاهی می‌تواند راهگشا باشد.

منظور از استقلال وکیل و نهاد وکالت فراهم کردن امکانات دفاع آزادانه و مصونیت وکیل در مقام دفاع و مصونیت او درباره مداخله‌اش در شئون اجتماعی است. از آنجا که هدف اصلی نهاد وکالت، گسترش عدل و داد و توانمندسازی سیستم قضایی در مسیر احقاق حق است، لذا وکیل مستقل، مهمترین رکن در سیستمی است که کارکرد آن استقرار نظم عادلانه بین آحاد مردم از یک طرف و نهاد حاکمیتی از طرف دیگر است که این امر موجب اتقان و افزایش اعتبار آراء قضایی و ارتقاء جایگاه دستگاه قضا در جامعه و در سطح داخلی و بین‌المللی خواهد شد.

این استقلال به معنای خروج از نظم نوین اجتماعی و عدم پاسخگویی وکلا و کانون وکلای دادگستری نیست، بلکه به این معناست که وکیل به دور از فشارهای سیاسی و غیر آن بتواند به بهترین شکل ممکن جهت احقاق حقوق آحاد مردم اقدام و قیام کند. بنابراین، استقلال وکیل به معنی استقلال توأم با پاسخگویی در راستای ایجاد نظم و عدالت اجتماعی است. این استقلال بدون شک به دادرسی منصفانه و عادلانه که همگان انتظار آن را دارند، منجر خواهد شد.

”



استقلال نهاد وکالت به معنای خروج از نظم نوین اجتماعی و عدم پاسخگویی وکلا و کانون وکلای دادگستری نیست، بلکه به این معناست که وکیل به دور از فشارهای سیاسی و غیر آن بتواند به بهترین شکل ممکن جهت احقاق حقوق آحاد مردم اقدام و قیام کند. بنابراین، استقلال وکیل به معنی استقلال توأم با پاسخگویی در راستای ایجاد نظم و عدالت اجتماعی است

“

در یک دادرسی هنگامی که وکیل دادگستری حضور دارد، او حسب وظیفه قانونی و اخلاقی که دارد یار و یاور قاضی است بنابراین برای دستیابی به حقیقت و عدالت نیاز به همکاری و معاضدت متقابل قاضی و دستگاه قضایی از یک طرف و وکیل دادگستری از سوی دیگر اجتناب‌ناپذیر است، بنابراین باید جهت دستیابی به عدالت و اجرای حق و دستیابی به حقیقت در این راستا و جهت ارتقای شأن کانون وکلا و دستگاه قضایی باید گام‌های بلندی برداشته شود.

استقلال نهاد وکالت به عنوان یک اصل مسلم و شناخته شده بین‌المللی و جزء لاینفک حاکمیت قانون است که زحمات بسیاری





پویایی کانون وکلا عامل افزایش اعتماد عمومی به قوه قضائیه

بهرام فرهمندصابر

رئیس کانون وکلای دادگستری بوشهر

نهاد وکالت با استفاده از
نیروی بی‌بدیل متخصص و
مجرب می‌تواند نقش موثری
را در تحول قضایی ایفا کند.





برای ایفای مسئولیت هادرکنار قاضی مستقل، نهاد وکالت هم باید با استقلال و به دور از دخالت حاکمیت بتواند وکلای مستقلی تربیت کرده که با فراغ بال و بدون هیچگونه مزاحمت و دغدغهای امر دفاع را بر عهده بگیرند و به این دلیل است که می‌گوییم عدالت قضایی بدون حضور وکیل مستقل و توانمند محقق نخواهد شد

پژوهش‌های تطبیقی و استفاده از تجربیات کانون‌های سایر کشورها، کیفیت ارتقای علمی وکلا، تخصصی بودن امر وکالت، آموزش‌های مستمر وکلا در ارتقای دانش حقوقی و اتقان و استحکام احکام دادگاه‌ها موثر بوده و می‌تواند ضریب خطاهای قضات را در صدور آرا کاهش دهد.

تربیت نیروهای متعهد و متخصص تضمین‌کننده حقوق ملت بوده و با دسترسی به وکلایی که دارای استانداردهای لازم علمی و تجربی باشند امکان احقاق حق سهل‌تر خواهد شد.

با تمرکز بر آموزش وکلا در حوزه‌های مختلف و مسئولیت‌پذیری آنان در امور اجتماعی کانون‌ها می‌توانند

نقش اجتماعی موثری را ایفا کنند و به تحقق این تحولات قضایی سرعت بخشند.

برای ایفای چنین مسئولیت‌هایی در کنار قاضی مستقل، نهاد وکالت هم باید با استقلال و به دور از دخالت حاکمیت بتواند وکلای مستقلی تربیت کرده که با فراغ بال و بدون هیچگونه مزاحمت و دغدغهای امر دفاع را بر عهده بگیرند و به این دلیل است که می‌گوییم عدالت قضایی بدون حضور وکیل مستقل و توانمند محقق نخواهد شد.

تلاش وکلا برای به چالش کشاندن قوانین نامطلوب و پیشنهاد برای پر کردن خلاءهای قانونی و تحلیل محتوایی قوانین برای احراز قصد مقنن و مقابله با هرگونه استبداد رأی قضایی در پرتو استقلال کانون وکلا فراهم می‌شود.

از سوی دیگر مردم باید به کانون‌های وکلا به عنوان یک موسسه مردم‌نهاد که در بزنگاه‌ها همواره حامی و همراه آنان بوده نگرسته و تضمین امنیت قضایی خود را در وجود کانون وکلای قوی و مستقل جست‌وجو کنند.

در این راستا باید متوجه بود که استقلال دو نهاد وکالت و قضاوت، تضمین‌کننده حقوق اصحاب دعوا به حساب می‌آید.

این مهم به‌خصوص در پرونده‌های امنیتی از اهمیت بیشتری برخوردار است. از آنجا که حاکمیت با تمام قوا در مقابل متهمی قرار می‌گیرد که از کمترین ابزار دفاعی برخوردار نیست، حضور وکیل مستقل مستظهر به کانونی توانمند، می‌تواند این نابرابری‌ها را کاهش داده و باعث امنیت ذهنی و روانی متهم شود.

امروزه سرنوشت دو نهاد کانون وکلا و قوه قضائیه آنچنان به هم گره خورده که تخریب هر یک باعث تخریب و تخدیش دیگری

خواهد بود و بالعکس توانمندی و پویایی کانون می‌تواند باعث ارتقاء و افزایش اعتماد عمومی به قوه قضائیه شود. بایستی به این دو نهاد به‌عنوان سرمایه‌های اجتماعی اساسی توجه ویژه‌ای داشت.

آنچه باعث کاهش اعتماد عمومی به دستگاه قضا طی سالیان اخیر شده است، سیاست غیرعقلانی صداوسیما بوده است که همواره در فیلم‌ها و سریال‌ها چهره‌ای بسیار منفی از وکلا به نمایش گذاشته است؛ غافل از اینکه با مخدوش شدن چهره وکیل، قاضی به نوعی متهم اصلی پرونده بوده و باعث سلب اعتماد عمومی به دستگاه قضا خواهد شد و بدون شک تبعات منفی و تخریبی آن بسیار مهم و البته گسترده خواهد بود. امید که با درک این مهم نسبت به جایگاه وکلا به عنوان رکن رکین دادرسی منصفانه بیش از پیش توجه شود.

بر همین اساس هفتم اسفند ماه، سالروز استقلال این کهن نهاد مدنی را به تمام رهجویان عدالت و همکاران ارجمند تبریک عرض می‌کنم.



معاضدت قضایی، اقدام موثری در جهت تحکیم پایگاه مردمی نهاد وکالت در جامعه



کیانوش هادی پور

رئیس کانون وکلای دادگستری لرستان

فعالیت نهاد وکالت در ایران قدمتی بیش از هشتاد سال را داراست. توجه به این موضوع از این حیث اهمیت دارد که برخی از افراد همچنان به خدمات وکالتی منصفانه دسترسی ندارند. برخورداری از خدمات یکی از حقوق به رسمیت شناخته شده شهروندان در قانون اساسی است.



شاید با مقایسه آمار مربوط به شهروندان و وکلای کشور با دیگر کشورها بتوان اینطور نتیجه گرفت که اگر جمعیت وکلای دادگستری افزایش یابد، مشکل دسترسی منصفانه شهروندان به خدمات حقوقی-قضایی تا حدود زیادی مرتفع خواهد شد. کما اینکه به نظر می‌رسد بخشی از سیاست‌گذاران در قوه مجریه تحت تاثیر چنین نگرشی درصدد افزایش کمی جمعیت وکلای دادگستری برآمده‌اند.

می‌تواند روند حل اختلاف را تسریع و از حجم تعداد پرونده‌های حقوقی و زمان رسیدگی به آنها به‌طور محسوسی بکاهد اما فراموش نکنیم که در جامعه پیچیده عصر حاضر خدمات حقوقی یک تخصص محسوب می‌شود. البته در همین رابطه یعنی برآورده کردن بستری برای امکان دسترسی عمومی به خدمات حقوقی و قضایی در خود نهاد وکالت ظرفیت‌های کافی وجود دارد، معاضدت قضایی یکی از خدماتی است که از سال‌های گذشته از سوی اعضای کانون‌های وکلای دادگستری به طیف گسترده‌ای از مردم در حال ارائه شدن است.

محمل و بستر قانونی این خدمات در اصل شرایطی است که در اصل ۳۵ قانون اساسی برای تضمین دسترسی همه شهروندان به داشتن وکیل دعاوی پیش‌بینی شده است. جا دارد که در اینجا متذکر شوم این خدمات با تکلیف محقق نشده‌ای که در ماده ۵۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری برای دولت پیش‌بینی شده است تفاوت دارد.

چنین حرکتی در نوع خود می‌تواند اقدام موثری در جهت تحکیم پایگاه مردمی نهاد وکالت در جامعه تلقی شود هرچند جریان‌های موثر رسانه‌ای مثل صداوسیما مدت‌هاست رویکرد متفاوتی را در این باره اتخاذ کرده‌اند. کافی است به تصویر غالب و غیر واقعی که در این رسانه فراگیر از وکلای دادگستری در نزد جامعه ترسیم شده است با دقت بیشتری نگاه کنیم. در اکثر برنامه‌ها و سریال‌ها آنچه از وکلای دادگستری ترسیم می‌شود، چهره‌ای مخدوش و غیر موجه است که باعث می‌شود در میان مردم حسی بدبینی نسبت به وکالت و نهاد اجتماعی آن شکل بگیرد.

شاید هزینه‌های دادرسی در وضعیت اقتصادی کنونی بالا و سنگین به نظر برسد اما این گرانی در سایر حوزه‌ها مثل استفاده از خدمات پزشکی، آموزشی و ... نیز عمومیت دارد. واقعیت این است برخلاف این تصویرسازی، جامعه وکالت و به‌ویژه وکلای جوان از نظر مالی وضعیت مطلوبی ندارند و از این بابت عملاً آسمان برای وکیل و غیر وکیل یک رنگ است.

این افزایش هر قدر که از نظر کمی امکان دسترسی شهروندان به خدمات وکالت قضایی و حقوقی را افزایش دهد، اما از نظر کیفی با نقاط تردید و ابهام متعددی مواجه است. منصفانه و به دور از هرگونه حب و بغض باید به عنوان یک واقعیت بپذیریم که به‌رغم دایر شدن دانشکده‌های حقوق در مراکز دانشگاهی مختلف، امکان آموزش مناسب برای همه دانشجویان وجود ندارد. حتی در دستگاه قضایی کشور ظرفیت کافی برای پذیرش این تعداد کارآموز وکالت نیست. مخلص کلام اینکه وجود چنین طرز تفکری در مراکز تصمیم‌گیری به هیچ وجه کمکی به حل معضل به وجود آمده نمی‌کند. از این منظر اگر به قانون مصوب و در دست اجرای تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار در مجلس شورای اسلامی نگاه کنیم، اصلاح وضعیت به وجود آمده یک مطالبه ضروری به نظر می‌رسد.

در حقیقت باید بپذیریم که با مقایسه شاخص‌هایی چون جمعیت، تعداد وکلای دادگستری، شمار پرونده‌های قضایی و شعب دادگاه و دادرها نمی‌توان با قطعیت نتیجه گرفت که اگر جمعیت وکلای دادگستری را زیاد کنیم امکان برخورداری شهروندان از حق مسلم دسترسی به دادرسی عادلانه تامین خواهد شد. فراموش نکنیم که در جامعه ایران برخلاف دیگر جوامع، استفاده از خدمات وکالت چه

در حوزه گرفتن مشاوره و چه در رابطه برای نوشتن لایحه و دفاع در دادگاه هنوز نهادینه نشده است. برای درک بهتر این مسئله کافی است که هر کدام از ما نگاهی به اطراف و پیرامون خود بیندازیم؛ گرداگرد هر کدام از ما موارد بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد مراجعه به وکیل دادگستری و کمک گرفتن از او گزینه آخر اغلب شهروندان است.

این پدیده شاید ریشه در مسائل اقتصادی داشته باشد اما در عین حال به صورت انکارناپذیری متاثر از خلیات فرهنگ سنتی پادرمیانی و کدخدانمشی است.

البته استفاده درست و علمی از ظرفیت‌های این فرهنگ



با مقایسه شاخص‌هایی چون جمعیت، تعداد وکلای دادگستری، شمار پرونده‌های قضایی و شعب دادگاه و دادرها نمی‌توان با قطعیت نتیجه گرفت که اگر جمعیت وکلای دادگستری را زیاد کنیم امکان برخورداری شهروندان از حق مسلم دسترسی به دادرسی عادلانه تامین خواهد شد





نهاد وکالت، ضامن دادرسی منصفانه

مجید شعبانی، رئیس کانون وکلای دادگستری کرمان

امروزه قوانین دادرسی کیفری در پرتو اسناد بین‌المللی و فراملی بر دادرسی عادلانه تأکید و معیارهای آن را برشمرده‌اند. در کشور ما نیز با گرده برداری از آئین دادرسی کیفری فرانسه و کشورهای رومی و ژرمنی بر معیارهای این نوع دادرسی تأکید شده است. برخی از این معیارها عبارتند از: «حق برخورداری از حقوق بنیادین»، «بی‌طرفی و استقلال دادگاه‌ها» و «حق استفاده از معاضدت وکیل مدافع».



قضات و دادگاه‌ها زمانی قادر به اتخاذ تصمیمات مستقل هستند که سیستم قضایی استقلال داشته و بی‌طرف باشد. کارکرد صحیح و مناسب دستگاه قضایی در تفسیر قواعد و اصول حقوقی برآمده از مواد قانونی و کشف مقصود واقعی مقنن در راستای حقوق مراجعه‌کنندگان به محاکم (که همانا افراد جامعه هستند) در گرو تعامل با اعضای کانون وکلا است و از راه‌های متعددی حاصل می‌شود.

از یکسو وکیل، نماینده حقوقی افراد است و تأیید او نسبت به رعایت حقوق و آزادی‌های موکلش، اعتماد عمومی به دستگاه قضایی را به دنبال داشته و بر روند دادرسی صحه می‌گذارد، این مهم زمانی برای افراد جامعه محقق می‌شود

در پاسخ به این سوال که محافظت از جامعه آزاد و حمایت از آزادی‌های بنیادین در گرو فعالیت چه نهاد یا سازمانی است، بایستی از کانون وکلای مستقل در کنار قوه قضائیه بی‌طرف نام برد. این دو نهاد در اهداف متعددی همسو هستند. از یک طرف استقلال کانون متأثر از استقلال قوه قضائیه بوده و از سوی دیگر بدان معنا و مفهوم خاصی می‌بخشد. وجود یکی، بدون وجود دیگری در هر دو مفهوم انتزاعی و عملی امکان‌پذیر نیست. ستون و پایه اصلی حقوق شهروندان به انتفاع و بهره‌مندی از مزایا و حمایت‌های حاصل از قانون بوده و زیربنای رسمی حقوق آنها استقلال سیستم حقوقی است.





دادرسی عادلانه یا منصفانه در کنوانسیون‌ها و قواعد دادرسی کیفری، معیارهایی دارد که مهمترین تضمین رعایت این معیارها در مفهوم استقلال وکیل و کانون وکلا متبلور می‌شود

که وکیل نماینده واقعی موکل بوده و استقلال داشته باشد؛ هیچ گرایشی به سازمان‌ها و نهادهای دولتی و همچنین دستگاه قضایی نداشته و انجام وظایفش در گرو و زیر یوغ دستگاه‌های دیگر نباشد، چرا که در این صورت، دیگر تفاوتی بین قاضی که ضامن حفظ حقوق افراد و وکیل که مؤید صحت این روند است، نبوده است، بر این اساس قاضی و وکیل در یک شخصیت حقوقی جمع می‌شود و دیگر ارزشی برای افراد مراجعه کننده نخواهد داشت. جامعه زمانی

عملکرد دستگاه قضایی و نهادهای حکومتی را صحه می‌گذارد که نهاد مستقلی راجع بدان نظر دهد و این نهاد در کشورهای دموکراتیک در کانون وکلا متبلور می‌شود.

استقلال وکیل در این مفهوم اعم از جنبه مادی و معنوی است، چرا که اگر وکیل حتی در انتخاب موکل و نحوه دفاع از او قید و بندی نداشته باشد، تهدید، ارباب و فشارهای بیرونی نظیر ابطال پروانه، تعلیق از وکالت، رد صلاحیت و... از حیث معنوی استقلالش را مخدوش می‌سازد. یکی از مبانی استقلال کانون وکلا نیز در این موضوع متبلور می‌شود.

از سوی دیگر، دادگاه‌ها، نیازمند مشاوره تخصصی درخصوص پرونده‌های ارجاع شده به محاکم بوده تا بتوانند بهترین نظریه حقوقی را در تفسیر قوانین و موافق با حقوق اشخاص و تابعین حقوق، ارائه کنند. اهمیت آن به گونه ایست که بدون تحقق آن، استقلال و حرفه‌ای‌گری دادگاه‌ها معیوب خواهد بود.

جنبه مهم و آشکار دیگر راجع به کارکرد صحیح سیستم قضایی و نظم عمومی، عبارت از توانایی شهروندان به اخذ مشاوره مستقل و کارشناسانه از سوی حقوقدانان است تا امور زندگی‌شان را نظام معینی ببخشند. استقلال چنین حقوقدانانی نقشی شگرف و اساسی در بیمه کردن آزادی‌های نظام یافته و به رسمیت شناخته شده در جامعه خواهد داشت.

دغدغه‌ای که در این راستا حاصل می‌شود، اینکه کانون وکلا چگونه بایستی نظام‌مند و واجد تشکیلات شود تا به استقلال آن نیز خدشه‌ای وارد نشود و چه کسی بایستی در مورد تصمیمات راجع به چنین نظامی تصمیم‌گیری کند؟ استقلال کانون وکلا به معنی حکومت خود مختار وکلا نیست. همچنین انحصارطلبی و مصونیت نیز مقصود نیست. بلکه در عوض، به رسمیت شناختن یک مسئولیت عمومی و حمایتی است که تضمینی در جهت دادرسی عادلانه و

عدم خودرایی در یک نظام قضایی خواهد بود. به همین لحاظ اداره و تشکیلات آن بایستی به صورت «خودگردان» انجام پذیرد. «خود انتظامی» نیز جزو موارد تضمین استقلال کانون وکلا و وکیل است که همواره دارندگان پروانه وکالت به لحاظ عضویت در حرفه‌ای که «خویش نظام‌مند» است، مصونیت شغلی دارند، اما با ملاحظه و در نظر گرفتن سازمان‌ها، مراجع و اشخاصی که بطور غیرمستقیم و مستقیم بر آن تأثیرگذار بوده و نظارت دارند، انحصارطلبی از آن حذف و حفظ حقوق افراد هم تضمین می‌شود؛ از جمله دادگاه انتظامی قضات، مجلس قانونگذاری، مراجع مالیاتی و ...

نتیجتاً خود انتظامی و خودگردانی کانون وکلا، تضمین‌کننده استقلال ضروری آن است. خود انتظامی شکلی از نظام‌مندی است، نظاماتی که مجموعه‌ای از مقررات و قواعد را در جهت اداره و کنترل یک شغل حرفه‌ای وضع کرده تا بیانگر معیارهای اخلاقی، رفتاری، حرفه‌ای و آموزشی یک وکیل در ارتباطش با موکل، طرف دعوی و دادگاه باشد. تمامی این نظامات سهمی را در خودگردانی کانون ایفا خواهند کرد.

در نهایت باید گفت دادرسی عادلانه یا منصفانه در کنوانسیون‌ها و قواعد دادرسی کیفری، معیارهایی دارد که مهمترین تضمین رعایت این معیارها در مفهوم استقلال وکیل و کانون وکلا متبلور می‌شود.





وکالت، یک رسالت است

محمد رضا جعفری ندوشن
رئیس کانون وکلای دادگستری یزد

از جمله چالش‌های پیش‌روی حرفه وکالت که می‌تواند بر دورنمای این حرفه و جایگاه نهاد وکالت در جامعه تاثیرگذار باشد، مسائل مربوط به حق انتخاب آزادانه و ممنوعیت هرگونه تحمیل وکیل یا تهدید حق آزادی انتخاب وکیل است.



آزادی انتخاب وکیل یکی از حقوق بنیادین شهروندی نقض شده و در واقع موجبات از بین رفتن استقلال وکیل دادگستری و ایجاد شبهه در حق دفاع پدید آمده است. از طرف دیگر در باب مسئولیت اجتماعی وکلای دادگستری و نهاد وکالت باید گفت که مهمترین نیاز شهروندان دسترسی به خدمات حقوقی است، از این منظر یکی از تکالیف قانونی حاکمیت در فراهم کردن و در اختیار گذاشتن کمک‌های حقوقی رایگان به اشخاص نیازمند تعیین شده است.

همچنین به این مسئله باید مبحث مصونیت وکیل از تعقیب در مقام دفاع و تاکید بر استقلال وکیل فارغ از هرگونه فشار سیاسی و تهدید را نیز افزود.

در همین راستا، اقدام اساسی نظیر حذف تبصره ذیل ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری یک امر ضروری است، دلیل این ضرورت اتفاقی است که در امر انتخاب آزادانه وکیل توسط اصحاب دعوی رخ داده و آن را سلب نموده است. فراموش نکنیم با تحمیل وکیل و تحدید حق



در همین راستا قوه قضائیه باید برای اشخاصی که قادر به پرداخت هزینه خدمات حقوقی اعم از مشاوره، وکالت یا داوری اجباری نیستند امکان استفاده از خدمات یاد شده را به‌طور رایگان یا بهای ارزان فراهم کند.

از همین روی جا دارد در ردیف بودجه‌ای سنواتی، پیش‌بینی منبعی در این خصوص صورت گرفته و در اختیار وزارت دادگستری یا کانون‌های وکلای قرار گیرد تا علاوه بر افزایش آگاهی‌های حقوقی مردم، در قالب تعیین وکیل تسخیری و ارائه خدمات معاضدتی به اشخاص نیازمند ارائه شود.

البته در این خصوص ارائه خدمات معاضدتی و تسخیری از سوی کانون‌های وکلای دادگستری آن هم به صورت رایگان، اتفاقی است که جریان داشته است و جا دارد که تقویت شود.

نکته حائز اهمیت دیگری که نباید در کنار مباحث فوق از آن غافل شویم، به حوزه رسانه مربوط می‌شود، باید در نظر داشت که رسانه‌ها می‌توانند، موجبات ارتقاء و آگاهی مردم نسبت به مسائل حقوقی و نهاد وکالت و وکیل دادگستری را فراهم آورند. متأسفانه در این زمینه، رسانه پویایی نداریم و از این رهگذر بعضاً حمله‌های غیر منصفانه‌ای علیه نهاد و وکلای دادگستری روا داشته می‌شود. جامعه

وکلای دادگستری از این طرز نگاه در حوزه عمومی آسیب دیده است و می‌بایست نگاه ویژه‌ای نسبت به تغییر این رویکرد داشت، از این منظر فرهنگ وکالت در کشور باید نهادینه و وکالت دادگستری در کشور احیا شود، مراد آنکه کمک گرفتن از اعضای جامعه وکالت، منحصر به حضور وکیل دادگستری در مراجع قضایی و شعبه قضایی نباشد.

در باب آنچه که می‌تواند برای علاقمندان ورود به حرفه وکالت جالب باشد نیز باید بگویم که نسل جدید کارآموزان وکالت باید توجه زیادی از خود برای حفظ شأن نهاد وکالت به خرج دهند. عمیقاً به این جمله



عمیقاً به این جمله معتقدم که وکالت یک رسالت است. کارآموزان وکالت اگر به حرفه وکالت صرفاً به عنوان یک شغل بنگرند نه تنها وکیل موفق نمی‌شوند، بلکه به زودی فرسوده و دلسرد نیز خواهند شد؛ دادگستری با محیط پراضطراب، پرچالش و فرمایشی‌اش خانه دوم یک وکیل به‌شمار می‌آید





استقلال نهاد وکالت، تامین کننده نفع همزمان دولت و ملت



حجت‌الله محمدی

رئیس کانون وکلای دادگستری استان ایلام

ما بایم تا بحث را با نقل قولی از گذشتگان آغاز کنیم. از قدیم گفته‌اند «شرف المکان بالمکین»، مراد از این گزاره یعنی ارزش هر جایگاه به اشخاصی است که آن را اختیار کرده‌اند. از زمان برپایی نظام دادگستری مدرن در ایران که یکی از دستاوردهای انقلاب مشروطیت بود، حرفه وکالت نیز در اختیار وکلای دادگستری قرار گرفت که این اختیار با تمام فراز و فرودهای سنوات گذشته، از جمله استقلال نهاد وکالت در هفتاد سال گذشته همچنان ادامه دارد.



آن برخوردار باشند. کسب این مهارت‌ها می‌تواند ذاتی یا اکتسابی باشند، مهم آن است که وکلای دادگستری هرچه بیشتر این خصایص را در خود تقویت کنند تا هم خود و هم صنفشان در جامعه از ارج و قرب بیشتری برخوردار باشد. مخلص کلام، وکالت نیز مانند مهندسی و یا پزشکی یک عنوان پیشوند است برای مخاطب قرار دادن افرادی خاص از جامعه و کسانی که واجد شرایط اطلاق این عنوان هستند و آن را به صورتی انحصاری و اختصاصی

با خود یدک می‌کشند باید از نظر فردی به قدری قابلیت داشته باشند که با هربار مخاطب واقع شدن ارزشی بر منزلت اجتماعی این حرفه بیفزایند. درست است که افزوده شدن بر تعداد وکلا می‌تواند شرایط ارائه خدمات وکالت را به سود متقاضیان این خدمات تغییر دهد اما در عین حال هر قدر که صاحبان این حرفه از نظر دانش علمی، تخصص و مهارت شخصی مجرب‌تر باشند، جامعه وکلای دادگستری و نهاد وکالت پویاتر خواهند بود و این پویایی موهبت و مزیتی است که در عصر پیچیده کنونی بسیار ارزشمند تلقی می‌شود. برای درک بهتر اهمیت این پویایی، جا دارد که یادآور شوم، نهاد وکالت به عنوان قدیمی‌ترین نهاد مدنی و قانونی کشور، مسئولیتی چند بعدی دارد، از یکسو به واسطه مستقل بودنش از حاکمیت قضایی، ضامن برخورداری شهروندان از حق دادخواهی عادلانه است و از سوی دیگر اگرچه ممکن است استیفای این حق در برخی مواقع و برهه‌ها به تقابل جامعه وکالت با حاکمیت منجر شود اما در مجموع تامین کننده نفع همزمان دولت و ملت است.

ایفای صحیح این وظیفه ذاتی به عنوان بخشی از مسئولیت اجتماعی نهاد وکالت در نهایت باعث بهبود و تقویت رابطه حاکمیت با افکار عمومی خواهد شد، بنابر این هرچه وکلا و کارآموزان وکالت توانمندتر باشند می‌توان انتظار داشت که نهاد وکالت به عنوان یکی از حلقه‌های اتصال مردم و حاکمیت در انجام مسئولیت خود موفقیت بیشتری به دست آورد.

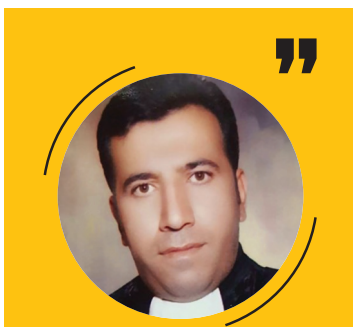
این نقل قول به روشنی وصف حال وضعیتی است که کانون وکلای دادگستری در هفتادمین سال استقلالش قرار دارد. حفظ اعتبار و احترام حرفه وکالت ارتباط مستقیم با میزان توانایی، قابلیت و کیفیت انجام آن از ناحیه وکلای دادگستری دارد. به طرق اولی پذیرفته شدگان در آزمون کارآموزی وکالت در مقام نسل بعدی وکلای دادگستری در اعتبار دادن به این شأن و منزلت اجتماعی، دارای چنین وزن و اعتباری هستند.

هر قدر وکلای دادگستری و یا کارآموزان این حرفه در شرح وظایف حرفه‌ای خود، یعنی دفاع از موکلان در دعوای حقوقی، تضمین حقوق عامه و استقرار حاکمیت قانون توانمندتر باشند، ارج و قرب حرفه وکالت بیشتر و شأن و منزلت اجتماعی نهاد آن رفیع‌تر است.

از همین روست که خاصه در موقعیت حساس کنونی، نحوه صدور مجوز وکالت به افراد حقوقدانی که در صف متقاضیان ورود به این حرفه قرار دارند، اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. هرچه این روند به ماهرتر شدن و تقویت واجدان احراز حرفه وکالت منجر شود، طبیعی است نقل قولی که در آغاز صحبتیم به آن اشاره کردم، بیشتر معنی پیدا می‌کند. اگر بخواهم واضح‌تر صحبت کنم، جا دارد که یادآور شوم که حرفه وکالت چیزی به مراتب فراتر از گذراندن و مسلط شدن بر واحدهای درسی است که در دانشکده‌های حقوق به دانشجویان ارائه می‌شود.

درست است که در عصر حاضر به دلیل پیچیده‌تر شدن مناسبات و روابط اجتماعی، تمرکز و تسلط علمی بر یک گرایش حقوقی خاص یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است اما وکالت به ویژگی‌ها و مهارت‌هایی هم نیاز دارد که کمتر می‌توان در مراکز آکادمیک آنها را آموخت.

در کنار تبحر قانونی، داشتن حضور ذهن قوی، فن بیان گیرا، روابط عمومی بالا، شجاعت و شرافت از جمله ویژگی‌های قائم به شخصی است که وکیل دادگستری و کارآموزان این حرفه باید از



هرچه وکلا و کارآموزان وکالت توانمندتر باشند می‌توان انتظار داشت که نهاد وکالت به عنوان یکی از حلقه‌های اتصال مردم و حاکمیت در انجام مسئولیت خود موفقیت بیشتری به دست آورد



که تمام مسئولان نهاد وکالت باید برای آن اهمیت ویژه‌ای قائل شوند، بهبود و ارتقای جایگاه وکیل و وکالت در سطح جامعه است.

امروزه با توجه به رسانه‌های دیداری و شنیداری رسمی که تماما در اختیار حاکمیت است، تصویری ناصحیح و غلط از وکیل و وکالت عرضه شده که آسیب‌های بسیاری در پی داشته است.

نگاه سنتی مدیریت، این گونه بود که مردم خودشان تشخیص می‌دهند و متوجه نادرستی این تبلیغات می‌شوند، بنابراین نیاز به کار رسانه‌ای و آگاه‌سازی عمومی را چندان مهم نمی‌دیدند، اما امروزه جدای از رادیو و تلویزیون، تأثیر شگفت‌انگیز فضای مجازی و اثرگذاری آن بر آحاد جامعه را می‌بینیم که چگونه یک مصاحبه، اظهارنظر و یا کلیپ می‌تواند موج بزرگی در جامعه ایجاد کند، لذا برای ارتقای سطح ارتباط با جامعه، لزوم بازنگری در شیوه‌های ارتباطی و استفاده از متخصصان این دانش ضروری به نظر می‌رسد. یکی از کاربردی‌ترین شیوه‌های ارتباطی، ساخت و ارائه کلیپ‌های تخصصی و آشناسازی افراد جامعه با حقوق قانونی خود و نشر آن به طرق مقتضی در شبکه‌های خانگی و امثال آن است. باید پذیرفت که ارتباطات یک علم روزآمد است و استفاده صحیح از آن می‌تواند موجب تحولات شگفتی در جامعه وکالت شود.

به طور قطع در میان وکلای جوانی که همه‌ساله رأی وکالت بر تن می‌کنند، جدای از علم و دانش حقوقی و به‌روز که دارند، تخصص‌های ارزشمندی وجود دارد که بهره‌گیری از آنها موجب تقویت بنیان وکالت خواهد شد. با وجود تلاش پیگیر و شبانه‌روزی وکلای باسابقه و همت جوانان دغدغه‌مند و پرشور، چراغ امید این خانه همواره تابناک و چشم‌انداز آینده وکالت روشن و پرفروغ است.

به امید حاکمیت بدون تنازل قانون در تمام عرصه‌های جامعه.

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید/ هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

همواره باید این نکته را در نظر داشت که با حضور وکیل مستقلی که بیم و هراس از دست دادن جایگاه خود را ندارد، می‌توان به صیانت از حقوق مردم و دادرسی عادلانه چشم داشت.

اگر وکیل مستقل نباشد و محاجه قانونی با قاضی و حاکمیت برای اجرای قانون، عواقب فراقانونی برای وکیل در پی داشته باشد، نمی‌توان امیدی برای پیشرفت این نهاد مدنی در جامعه داشت.

آنجا که مردم باور داشته باشند که پایه‌های جامعه بر اساس قانون استوار شده و همه در برابر قانون مساوی هستند و پرسشگری حق هر شهروندی است و پاسخگویی تکلیف هر مسئول، جامعه به‌سوی رشد و تعالی گام برخواهد داشت و این همان جایی است که جایگاه وکیل عیان و حضورش نمایان خواهد شد. و کلاً حلقه واسط میان حاکمیت و مردم هستند تا اولاً بتوانند مطالبات مردم را به شکلی قانونمند بیان و منتقل و ثانیاً تکالیف قانونی ایشان را هم گوشزد کنند. در این میانه، حضور وکیل نه تنها حلقه اتصال برای تسهیل ارتباط است، بلکه ناظری است که در عین بی‌طرفی با آگاهی از مقررات و قوانین، هر جا که حقی در معرض تضییع است درصدد دفاع از آن برمی‌آید.

وظیفه وکیل صرفاً حضور در محکمه و دفاع از حقوق موکل نیست، وکیل به‌عنوان یک حقوقدان ناظر بر

اجرای صحیح قانون در جامعه است و هر جا که تخطی از قانون را ببیند بایستی دلسوزانه آن را بیان کند. اگر چنین نظارتی نباشد و یا ترس از بیان حقایق و حقوق عامه وجود داشته باشد، نباید امیدی به بهروزی آن جامعه داشت. به نظر می‌رسد امروزه مدیران نهاد وکالت بایستی با استفاده از ظرفیت‌های قانونی و رایزنی‌های علمی تلاش مضاعفی برای قانون‌مداری (در نهاد وکالت و جامعه) انجام دهند و با ارائه طرح‌ها و آیین‌نامه‌هایی که تضمین‌کننده استقلال این درخت کهن‌سال در جامعه مدنی است، برای رشد و پیشرفت آن تلاش کنند. شاید یکی از مسائل حیاتی



آنجا که مردم باور داشته باشند که پایه‌های جامعه بر اساس قانون استوار شده و همه در برابر قانون مساوی هستند و پرسشگری حق هر شهروندی است و پاسخگویی تکلیف هر مسئول، جامعه به‌سوی رشد و تعالی گام برخواهد داشت و این همان جایی است که جایگاه وکیل عیان و حضورش نمایان خواهد شد





خیبر عمومی نهاد وکالت

علی قاسمی
رئیس کانون وکلای دادگستری استان هرمزگان



”



هدایت و مدیریت مطالبات فنی و اجتماعی و مذاکره روشمند با همه طرف‌های درگیر و ذی‌نفع موجب تضمین و استمرار سلامت و پیشرفت اجتماعی نهاد وکالت می‌شود. هرچند ضرورتی به گفتن نیست که تحقق این مهم نیازمند استقرار و دائر بودن یک کانون وکلای دادگستری مستقل است

“

این مهم نیازمند استقرار و دائر بودن یک کانون وکلای دادگستری مستقل است. مراد از استقلال این است که هرگز ارتباط و پیوندهای این نهاد و اعضای آن با ارزش‌ها و مولفه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه پیرامونی و محاط آن بریده نشود و باب مسئولیت اجتماعی و نقش آفرینان آن گشوده باقی بماند.

نیازی به گفتن نیست که همین نقش آفرینی در فرایند تصمیم‌سازی‌هاست که خود را نشان می‌دهد و می‌تواند به معیاری ثابت برای ارزیابی کارنامه تشکلهای اجتماعی و اعضای موثرش در همه اعصار و دوران‌ها تبدیل شود. در همین رابطه اگر بخواهیم نگاهی منصفانه به نقش آفرینی‌های نهاد وکالت در رابطه با مسائل

اجتماعی داشته باشیم باید بگوییم که به‌رغم کنشگری فعالانه کانون‌های وکلای دادگستری در برهه‌ها و ادوار زمانی مختلف، این نهاد اجتماعی در مسیر فعالیت‌هایش با رخوت روبرو شده است.

اینکه یک نهاد اجتماعی با چنین مسئولیت سنگینی چرا و چگونه از حرکت پویا و مستمری که انتظار انجامش می‌رود، باز می‌ماند و دچار انفعال و بی‌حرکتی اجتماعی می‌شود می‌تواند تحت تاثیر جو اجتماعی عمومی حاکم بر شئون کلی جامعه و نیز رویکرد غالب مدیران اداره کننده این نهاد باشد. جدای از اینکه از این دو عامل کدامیک تاثیرگذارتر و مسلط‌ترند شاید بد نباشد که در سطح اداره نهاد وکالت، موضوع توان و کشش لازم برای اقلان را به عنوان یک مهارت در عرصه تصمیم‌سازی‌ها ارتقاء بخشیم تا از این طریق شرایط برای بهبود فضای کانون‌های وکلای دادگستری و عملکرد این نهاد اجتماعی در دوران‌هایی مثل شرایط جاری حاکم بر جامعه بیشتر و بهتر فراهم شود.

در همین راستا شاید داشتن نیم‌گامی به این کلام شاعر گرانقدر، حضرت مولوی چندان خالی از لطف نباشد که می‌فرماید:

نیزه‌بازی اندرین کوه‌های تنگ

نیزه‌بازان را همی آرد به تنگ

از بدو پیدایش نهاد وکالت، رسالتی بر دوش جامعه وکلای دادگستری قرار داده شده است و صرف‌نظر از همه تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سیاسی که در هفتاد سال گذشته از سرگذرانده‌ایم، امروز سنگینی بار این مسئولیت همچنان حس می‌شود.

در همین راستا و نظر به وقایع اخیر، اگر کانون وکلای دادگستری بتواند انسجام، استقلال و مسئولیت اجتماعی‌اش را در برهه زمانی کنونی حفظ و ایفا کند، بی‌شک به پویایی و بالندگی نظام اجتماعی کمک خواهد کرد.

واضح است که ثمرات این بالندگی و پویایی به انحاء مختلف نصیب کلیت جامعه و نهاد وکالت خواهد شد

و عواید این اتفاق، محدود و منحصر به یک فرد یا عده‌ای خاص نیست و این مطلبی است که با گذشت زمان، آیندگان به قضاوت صحت آن خواهند پرداخت.

کانون وکلای دادگستری نقش و جایگاهی فراتر از یک نهاد صنفی دارد. این کانون از بدو پیدایش، واجد خصیصه‌های یک نهاد مدنی - اجتماعی است. نهاد وکالت درست مثل مجموعه‌ای از درختان یک محیط می‌ماند که وقتی رشد و نمو داشته و در اعماق خاک ریشه کند، به وقت بروز بحران، از سیلاب‌های ویرانگر و فرسایش خاک‌های حاصلخیز جلوگیری می‌کند.

کارکرد کانون وکلای دادگستری هم از این قرار است، یعنی نیازهای صنفی جامعه وکلای دادگستری را با مطالبات مدنی جمع و به عنوان نهاد واسطه با اتکا به زبان قانون و منطق گفت‌وگو به استقرار نظم و عدالت اجتماعی کمک می‌کند تا بلکه از این رهگذر خیر عمومی حاصل شود.

معتمد هدایت و مدیریت مطالبات فنی و اجتماعی و مذاکره روشمند با همه طرف‌های درگیر و ذی‌نفع موجب تضمین و استمرار سلامت و پیشرفت اجتماعی نهاد وکالت می‌شود.

البته هرچند ضرورتی به گفتن نیست که تحقق



۴ چالش نهاد وکالت در سال ۱۴۰۱



سید محسن ترابی

رئیس کانون وکلای دادگستری سمنان

چالش‌های نهاد وکالت در
سال ۱۴۰۱ و نقش کانون وکلای
تدوین اثربخشی اصول دادرسی
منصفانه و عدالت قضایی از چند منظر
قابلیت تحلیل و اشاره دارد:



لذا ضرورت دارد همکاری کانون وکلا با دستگاه قضایی به صورت متقابل برقرار شود تا نسبت به رفع ایرادات و تصمیم واحد نسبت به موضوع مشابه اعمال شود. اما باید یادمان باشد که نهاد وکالت در تحقق تحول قضایی و تضمین صیانت از حقوق مردم در محاکم قضایی نیز وظایفی برعهده دارد و به نظر می‌آید که جامعه وکالت و قوه قضائیه به عنوان دو نهادی که در اجرای قانون نقش اساسی دارند، می‌بایست در تصویب و تهیه لوایح قانونی برای ارسال به مجلس نقش اساسی را ایفا کنند؛ چراکه این دو نهاد در زمان اجرای قوانین صراحتاً متوجه نقایص و اشتباهات قانون می‌شوند. از طرفی این دو باید از تصویب قوانین مواری که کارایی ندارند و اساساً هیچ خروجی خاصی را نمایان نمی‌کنند نیز جلوگیری به عمل آورند که این موضوع را در بحث مقررات‌زدایی به وضوح می‌توان دنبال کرد؛ چراکه برخی از قوانینی که در مجلس تصویب شده عملاً مناسب اجرا کردن نیستند و بایستی از آنها صرف‌نظر کرد. لذا با گذر از این موضوع که کمیسیون‌های مختلف باید برای تصویب لوایح از مشاوره‌های وکلا، حقوق‌دانان و قضات استفاده

کنند، نمایندگان مجلس هم باید در این راستا با وکلا و نخبگان حقوقی در این زمینه مشورت کنند. از سوی دیگر روسای کانون‌ها باید در ساختار قضایی در مورد جایگاه وکالت، نقش وکیل در پرونده‌های مختلف به ویژه ضرورت حضور وکیل در راستای جلوگیری از اطاله دادرسی و همچنین تشکیل پرونده‌های متعدد تلاش کنند.

جامعه وکالت نیز باید در این زمینه تلاش کند و در این مورد فرهنگ‌سازی شود تا این مشکل ترمیم شود. در نهایت باید بگوییم که وکلا در برخورد با موکلان و احقاق حق ایشان باید تلاش ویژه انجام دهند و در قبال ایشان همانند یک سفیر و حامی ایفای نقش کنند.

۱- تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری از یکسو و همچنین نحوه اجرا سلیقه‌ای آن در محاکم کیفری از سوی دیگر

۲- تصویب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار و فراتر از آن، نحوه اجرای این قانون

۳- وضع آیین اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰/۴/۲

۴- وضع بند (د) ماده ۸ قانون لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری در باب پذیرش برخی از افراد در نهاد وکالت بدون شرکت در آزمون که موجب تضعیف این نهاد شده است.

این موارد به نوعی چالش‌های نهاد وکالت در سال ۱۴۰۱ به شمار می‌آید.

در خصوص نقش کانون وکلا در تدوین و اثربخشی اصول دادرسی منصفانه و عدالت قضایی نیز می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- تشویق و ترغیب همکاران وکیل و ایجاد بستر مناسب جهت حضور در نهاد قانون‌گذاری کشور (مجلس شورای اسلامی)

۲- اهتمام کافی جهت ارائه راهکارهای مناسب در قالب متون اولیه قانونی و ارائه آن به کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس و ارتباط مناسب و شایسته

با این نهاد تاثیرگذار در تصویب قوانین و مقررات.

۳- همکاری و تبادل نظر با سیستم‌های آموزشی و دانشگاهی کشور در جهت آگاهی شهروندان از حقوق اولیه و تکالیف خود در برابر افراد و جامعه.

۴- ایجاد تکلیف برای تمامی کانون‌های وکلای دادگستری کشور جهت جذب وکلا با مرتبه علمی استادیار به بالا با هدف تصویب مجله علمی و پژوهشی بابت ارائه مقالات علمی جهت ترویج اصول دادرسی منصفانه و عادلانه.

۵- نظر به اینکه در خصوص موضوعات واحد، آراء متفاوت از سوی شعبات تجدیدنظر صادر می‌شود که نتایج آن باعث تضییع حقوق افراد و بدبینی نسبت به دستگاه قضایی و کانون شده است،



اهتمام کافی جهت ارائه راهکارهای مناسب در قالب متون اولیه قانونی و ارائه آن به کمیسیون قضایی مجلس و ارتباط مناسب و شایسته با این نهاد تاثیرگذار در تصویب قوانین و مقررات از جمله مواردی است که در خصوص نقش کانون وکلا در تدوین و اثربخشی اصول دادرسی منصفانه و عدالت قضایی با اهمیت به نظر می‌رسد





گفت‌وگو

پشتیبانی از افراد با عقاید نوگرا مسئولیت اجتماعی نهاد وکالت

گفت‌وگو با علی خواجه‌ویی‌راد

حقوقدان و نایب رئیس کانون وکلای دادگستری استان کرمان

دکتر ابراهیم خواجه‌ویی‌راد، حقوقدان و نایب رئیس کانون وکلای دادگستری استان کرمان در گفت‌وگوی پیشرو با مروری بر سیر تاریخی تشکیل و استقلال نهاد وکالت از مهمترین چالش‌ها و مسئولیت اجتماعی نهاد وکالت می‌گوید. به باور رئیس پیشین کانون وکلای دادگستری استان کرمان، مسئولیت اجتماعی نهاد وکالت متناسب با شرایط روز در حال تغییر است. این تغییر با پویایی موضوعات و مسائل اجتماعی مرتبط است و نهاد وکالت و اعضایش باید در هر برهه آماده ارائه خدمات به اشخاصی با عقاید و اقدامات نوگرایانه باشند.



بر عهده کانون وکلای دادگستری گذاشته شده است. نهاد وکالت از زمان تصویب لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳/۱۲/۵ در راستای انجام وظایفی که قانون برای وی مقرر کرده است یا از عرف حاکم بر نهادهای صنفی حاصل می‌شود، تمشیت امور وکلا و برآورده کردن درخواست ارائه خدمات حقوقی رایگان که به صورت تخصصی «معاضدت قضایی» گفته می‌شود را در دستور کار خود قرار داده است.

بدیهی است فراهم کردن بستر امکان فعالیت و انجام وظایف نهاد وکالت جزو خصایص و تکالیف حاکمیت است و کانون بدون پشتوانه امکانات مادی

جدای از وظایفی که کانون وکلای دادگستری به عنوان یک نهاد صنفی در تنظیم رابطه میان وکلای دادگستری با موکلان و حاکمیت قضایی برعهده دارد، در شرایط خاص کنونی مسئولیت اجتماعی نهاد وکالت در جامعه چیست؟

از مجموعه قوانین موضوعه و مقررات عرفی حاکم بر تشکیل و اداره کانون وکلای دادگستری به وضوح برمی‌آید که دادن پروانه وکالت، اداره امور راجع به دادگستری، نظارت بر اعمال وکلا، معاضدت قضایی و فراهم آوردن وسایل پیشرفت علمی و عملی وکلا جزء وظایفی است که



قضات محترم و وکلای معظم، فراهم و بدین وسیله نقش و مسئولیت اجتماعی خود را ایفا کنند.

از زمان استقرار نظام دادگستری مدرن در ایران تا استقلال کانون وکلای دادگستری در هفتاد سال پیش و دوران کنونی (آغاز سده جدید خورشیدی) نهاد وکالت در معرض تحولات مختلفی قرار داشته است. از منظر شما نقاط عطف این سیر تطور چیست؟

« واکاوی سیر تحولی حرفه وکالت بیانگر این مهم است که در زمان استقرار نظام دادگستری نوین، منصب و نهاد وکالت یکی از مشاغل و دوائر وابسته به عدلیه محسوب می شود و تمام امور ناظر بر فعالیت آن از جمله صدور اجازه نامه وکالت و نظارت بر رفتار و تعقیب وکلا با وزارت عدلیه بوده است. این موضوع به وضوح در قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵ متبلور است. در واقع نهاد وکالت تشکیلاتی کاملاً غیر مستقل و وابسته به وزارت عدلیه بوده و کلیه اشخاصی که داوطلب شغل وکالت بوده اند باید از عهده امتحانی که شیوه آن در نظام نامه مخصوص وضع شده بود و توسط کارگزاران حکومتی برگزار می شد برمی آمدند.

نظارت بر رفتار وکلا نیز به طور کلی بر عهده وزارت عدلیه بوده، به نحوی که هرگاه محاکم و مدعیان عمومی در اجرای مواد قانون وکالت بی نظمی یا مسامحه مشاهده کرده و یا متوجه می شدند وکیل از عهده انجام وظیفه وکالتی بر نمی آید و قس علی هذا، مکلف بودند بدون تاخیر مراتب را به وزیر عدلیه گزارش دهند و وی اختیار داشت مطابق مقررات رسیدگی و مجازات انتظامی و تنبیهی اعمال کند.

ظهور و بروز احزاب و نهادهای مدنی منجر به باز شدن فضای سیاسی و حکومتی در سال های پس از سال ۱۳۳۰ شده و همراه با ارتقاء همه جانبه مملکت، سلسله اقداماتی از طرف مرحوم دکتر مصدق، جهت طرح ریزی سیستم جدید دادرسی انجام و منجر به معرفی سیستم دادرسی نوین شده است. در این تحولات که اولین نقطه عطف قابل توجه در سیر تطور و دگرگونی نهاد وکالت محسوب می شود، ضرورت وجود نهاد مستقل از عدلیه که بتواند مطابق با مقررات، تمشیت امور وکلا را انجام دهد بیش از پیش احراز و بر همین مبنا دکتر مصدق با تکیه بر اختیارات قانونی، لایحه استقلال کانون های وکلای دادگستری را در تاریخ ۱۳۳۳/۱۲/۵ به تصویب می رساند.

و معنوی موصوف نمی تواند از عهده وظایفی که به موجب قانون عهده دار آن است برآید و استفاده از این منابع عمومی توسط کانون ها دامنه مسئولیت اجتماعی نهاد وکالت را توسعه می دهند.

قانونگذار به لحاظ اینکه هدف اصلی از تشکیل کانون و قبول منصب وکالت، ارائه یک خدمت اجتماعی از طریق برقراری توازن در دادرسی عادلانه است و اهداف انتفاعی و اقتصادی که رکن اصلی تشکیل سایر بنگاه های خصوصی و بعضاً عمومی است، در این نهاد صنفی فرعی بوده و در مراحل بعدی قرار دارد دست به ابتکار تازه های زده است که تقریباً در نهادهای صنفی مشابه دیده نمی شود.

انجام وکالت رایگان در پرونده های کیفری با عنوان وکیل تسخیری و ارائه خدمات حقوقی بدون دریافت حق الوکاله در پرونده حقوقی با عنوان «معاضدت قضایی» توسط وکلا که فراهم کردن موجبات تحقق آنها بر عهده کانون ها است، بخشی از نقش آفرینی نهاد وکالت در حوزه مسئولیت اجتماعی است که به صورت مشخص در ماده ۶ لایحه قانون استقلال احصاء و از ابتدای پیدایش کانون ها شروع شده و هر دوره کامل تر از دوره قبل در حال انجام است.

با توجه به وقایع چند ماه اخیر، نهاد وکالت چه نقشی می تواند در میانجی گری میان مردم و حاکمیت و کمک به تسهیل روند دادرسی منصفانه ایفا کند؟

« در شرایط خاص کنونی مسئولیت اجتماعی کانون ها از نظر کمی و کیفیت تغییر اساسی کرده و به طور قطع با این تغییر شرایط، کانون ها باید دامنه ارائه خدمات حقوقی به اشخاصی که به لحاظ اقدامات یا عقاید نوگرا نیاز به خدمات حقوقی دارند توسعه داده و اهتمام بیشتری داشته باشند. علاوه بر آن، این نهاد صنفی و تخصصی باید با ایجاد کرسی های نظریه پردازی، مفاهیم فقهی و حقوقی، واژگانی که با تفسیرهای غیر اصولی می توانند اقدام اشخاص را در محدوده جرایم قابل تعقیب قرار داده را تبیین و همچنین بستر هدایت تعقیب اعمالی که با تطبیق و استنباط ناصحیح و تحت تاثیر شرایط احساسی توصیف غیر حقوقی گرفته اند را به مسیر قانونی خود فراهم کنند. به عبارت آخری، جامعه از نهاد وکالت انتظار دارد علاوه بر اینکه در سنگر دفاع و محضر دادگاه روشنگری می کند موجبات تبیین و تفسیر صحیح قوانین را از طریق برگزاری نشست های علمی مشترک بین



”



انجام وکالت رایگان در پرونده‌های کیفری با عنوان وکیل تسخیری و ارائه خدمات حقوقی بدون دریافت حق الوکاله در پرونده حقوقی با عنوان «معاذت قضایی» توسط وکلا که فراهم کردن موجبات تحقق آنها برعهده کانون‌ها است، بخشی از نقش‌آفرینی نهاد وکالت در حوزه مسئولیت اجتماعی است که به صورت مشخص در ماده ۶ لایحه قانون استقلال احصاء و از ابتدای پیدایش کانون‌ها شروع شده و هر دوره کامل‌تر از دوره قبل در حال انجام است

“

برخی صاحب‌نظران معتقدند که تحولات ناشی از انقلاب اسلامی سال ۵۷ برای فعالیت نهاد وکالت حکم نقطه عطف را دارد، چه از بابت مناسبات نهاد وکالت با حاکمیت قضایی و چه از بابت در ارتباط بودن با جامعه. نظر جنابعالی در این باره چیست؟

« با پیروزی انقلاب اسلامی کانون‌های وکلای دادگستری دچار یک دوره فترت شده و علاوه بر پاکسازی بعضی از وکلای وابسته به دربار، اداره امور کانون‌ها توسط رئیس منصوب انجام می‌شد که برگشت به زمان قبل از سال ۱۳۳۳ و وابستگی تشکیلات کانون به وزارت عدلیه شده بود محسوب می‌شود.

در سال ۱۳۷۶ اراده حاکمیت دائر بر تامین دادرسی عادلانه و اتقان آراء قضایی از طریق استقلال بخشی

کانون‌ها و مستقل و مجزای کردن نهاد صدور پروانه وکالت از مرجع صدور جواز قضاء، موجبات تصویب قانونی تحت عنوان «کیفیت اخذ پروانه وکالت» را فراهم کرد. به موجب این قانون که اولین نقطه عطف در روند اعتباردهی به کانون‌ها محسوب می‌شود صدور پروانه وکالت موقوف به قبولی در آزمونی شد که توسط کانون‌ها برگزار می‌شود و علاوه بر آن صلاحیت اداره امور کانون‌ها توسط هیات مدیره منتخب وکلا انجام می‌شود.

البته لازم به ذکر است تبصره ذیل ماده ۴ که مبنی باز تأیید صلاحیت وکلای تأیید شده متقاضی نامزدی هیات مدیره، توسط دادگاه عالی انتظامی قضات است و بخشی از این استقلال منبعث از قانون را تحدید کرده، محل ایراد جدی است اما با این وجود سایر امور مهمه از جمله صدور پروانه کارآموزی و وکالت، اداره امور وکلا، تعقیب انتظامی و مجازات وکلای متخلف که منبعث از لایحه قانونی استقلال و آیین‌نامه اجرایی آن است برعهده

به موجب این لایحه کانون وکلای دادگستری، موسسه مستقل و دارای شخصیت حقوقی معرفی می‌شود که به جای اداره آن توسط وزارت عدلیه، توسط هیات مدیره منتخب اعضای کانون اداره و امر تعقیب انتظامی و نظارت بر رفتار وکلا نیز توسط دادگاه‌های انتظامی که اعضای آن از بین وکلای دارای صلاحیت انتخاب می‌شوند انجام می‌شد و شاهبیت مقرر موصوف ممنوعیت تعلیق وکیل از شغل وکالت مگر به تشخیص دادگاه انتظامی است که مبین اراده روشن مقنن در جهت اعطای استقلال به کانون‌ها است.

خودگردانی، استقلال در صدور پروانه و اداره امور کانون، مصونیت وکلا از تعلیق و محدود بودن تعقیب آنها به قانون و تحت‌نظر دادگاه‌های انتظامی علاوه بر اینکه از عوامل ارتقاء جایگاه کانون در سطح بین‌المللی و اتقان آراء قضایی

و انطباق آن با دادرسی عادلانه و منصفانه محسوب می‌شد، فی‌حد ذاته و خودبه‌خود، حاشیه امنیت قانونی برای وکلا ایجاد کرده بود که بی‌محابا بتوانند به امر دفاعی خود پرداخته و ایفای نقش کنند.

این ویژگی به خصوص در جرایم سیاسی و به خصوص در سال‌های منتهی به انقلاب سال ۱۳۵۷ بارز و مشهود بود، زیرا وکلا بر اساس اعتقاد قلبی و مطابق با قانون بدون واهمه از تعقیب یا مسائل دیگر مبادرت به دفاع از اشخاص می‌کردند که به واسطه اظهارنظرهای سیاسی و یا اقدامات انقلابی تحت تعقیب حاکمیت بودند. اگرچه شیوه‌های غیرقانونی و غیرمستقیم برای تهدید و ارباب وکلاء جهت انصراف از تعقیب وجود داشت ولی از منظر قانونی و کیلی که حسب وظیفه قانونی از متهم در چارچوب مقررات دفاع جانانه می‌کرد ولو اینکه به مذاق حاکمیت خوش نمی‌آمد قابل تعقیب و تعلیق نبود.

جهت بزرگترین نقطه عطف در تحدید کانون‌ها و مالا تضعیف دادرسی عادلانه محسوب می‌شود. احکام مندرجه در آیین‌نامه اخیر بعضا برخلاف لایحه قانونی استقلال بوده و یا خارج از حدود آیین‌نامه‌نویسی، دامنه اختیارات کانون‌ها را تضییق و حدود اختیارات سایر مراجع را توسعه داده است. آئین‌نامه اخیر متضمن بازتعریف کانون - برخلاف عناصر تعریف موجود در اصل لایحه استقلال - و مبین سلب استقلال و شخصیت حقوقی مطمح‌نظر مقنن در لایحه قانونی است. مضاعف بر آن آیین‌نامه، اختیارات کانون‌ها در انتخابات هیات مدیره، صدور پروانه وکالت، نحوه فعالیت، تعقیب و تعلیق وکیل را تحدید و بدین وصف استقلال کانون‌ها را مخدوش کرده است.

مواردی نظیر دخالت دادن کمیسیون تبصره ذیل ماده قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت که متشکل از دو مقام قضایی و رئیس کانون است در امر انتخابات هیات مدیره، منوط کردن صدور پروانه کارآموزی برای اشخاصی که در آزمون قبول شده‌اند و مقید کردن تعیین حوزه اشتغال اشخاص معاف از آزمون به جلب‌نظر موافق مقامات قضایی، پیش‌بینی نهاد تعلیق وکیل توسط کلیه مراجع قضایی برخلاف نص صریح ماده ۱۷ آیین‌نامه سابق به عنوان مهمترین مواد ناقض استقلال و چالش جدی امروز کانون‌های وکلا مطرح است که برای حل آن‌ها مذاکرات متعدد با قوه محترم قضائیه انجام و پیرو مباحثات علمی و آسیب‌شناسی اثر اینگونه اقدامات در سلب استقلال کانون‌ها که مالا منجر به برهم خوردن توازن دادرسی، فقد اتقان آراء قضایی خواهد شد، معاونت محترم حقوقی قوه

قضائیه را مجاب به تجدیدنظر و اصلاح مواد مورد مناقشه صدرالوصف کرده و در حال حاضر مراتب جهت تایید نهایی به محضر رئیس محترم قوه قضائیه ارسال شده است و رجاء واثق دارد زمانی که علاقه‌مندان در حال تورق و خوانش این گفت‌وگو هستند، متن موصوف با توشیح و تائید معظم‌له اعاده شده باشد و بدینوسیله بزرگترین چالش حال حاضر کانون‌های وکلای دادگستری مرتفع شده باشد.

کانون‌ها بوده که مطابق با قانون اعمال می‌شد. با وجود این آیین‌نامه که تقریبا بخش مهمی از استقلال کانون‌ها را به رسمیت می‌شناخت، در واپسین روزهای سال ۱۳۹۸ قوه محترم قضائیه به عذر ضرورت تحول و بروزرسانی مقررات آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال مصوب ۱۳۳۴، عزم جزم خود برای اصلاح موادی از آیین‌نامه مصوب سال ۱۳۳۴ را با ارسال نسخه خودنوشته‌ای از آیین‌نامه که به حد غایت متضمن نقض کامل و آشکار استقلال کانون‌ها و مضمحل کننده نهاد وکالت بود به کانون‌ها ابلاغ کرد.

در سال ۱۳۹۹ حقوق‌دانان، هیات مدیره کانون‌ها و هیات رئیسه اتحادیه سراسری کانون‌ها ضمن هماهنگی با هم مراتب عدم رعایت قانون در تنظیم آیین‌نامه و تبعات سوء اجرای آیین‌نامه در نظام دادرسی عادلانه را متذکر و نهایتا فضای متبوع و قابل اعتمادی بین قوه محترم قضائیه و کانون‌ها حاصل و مقرر شد اصلاح موادی از آیین‌نامه که در چارچوب لایحه قانونی استقلال مصوب ۱۳۳۳ و قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت مصوب ۷۶ باشد انجام شود و بر این اساس متنی توسط کانون‌ها تهیه و به قوه محترم قضائیه ارسال و پس از اعاده جهت اصلاح و انجام اصلاحات مورد نظر مجدداً برای تایید نهایی ارسال و در تیر ماه ۱۴۰۰ سندی تحت عنوان آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون‌های وکلای دادگستری که با متن ارسالی کانون‌ها تفاوت و تباین اساسی داشت، توسط رئیس محترم وقت قوه قضائیه تایید و جهت اجرا ابلاغ شد.

همانطور که اشاره کردید، آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون‌های وکلای دادگستری یکی از موضوعات بحث‌برانگیز نهاد وکالت و جامعه وکلای دادگستری است، این موضوع تا چه اندازه همچنان چالش محسوب می‌شود؟

سیر تطور و دگرگونی حوزه قانون‌گذاری نهاد وکالت مبین آن است که آیین‌نامه موصوف، استقلال نهاد وکالت را مخدوش و از این

”

در شرایط خاص کنونی مسئولیت اجتماعی کانون‌ها از نظر کمی و کیفیت تغییر اساسی کرده و به طور قطع با این تغییر شرایط، کانون‌ها باید دامنه ارائه خدمات حقوقی به اشخاصی که به لحاظ اقدامات یا عقاید نوگرا نیاز به خدمات حقوقی دارند توسعه داده و اهتمام بیشتری داشته باشند

“





کارآموزان وکالت نباید از مسائل صنفی دور باشند

گفت‌وگو با کارن روحانی، نایب رئیس پیشین کانون وکلای دادگستری مرکز

بدون تردید سال ۱۴۰۱ را باید یکی از پرچالش‌ترین سال‌های نهاد وکالت در عرصه علمی و عملی دانست. نخست آنکه برای اولین بار آزمون وکالت ۱۴۰۱ (نوبت ۱۴۰۰) با اعمال طرح تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار برگزار شد و انتقادهای زیادی را به راه انداخت که عده‌ای هم هنوز لب به سخن نگشوده‌اند و منتظر مشاهده خروجی علمی و عملی پذیرفته‌شدگان این دوره هستند.



بتواند هم در عرصه مناسبات اجتماعی و هم ارتباط با قوای سه‌گانه، زمینه تضمین حق دادرسی عادلانه از طریق برخورداری از وکیل مستقل را فراهم کند در واقع یک امر ضروری است و تمام کشورها هم بر این حق اصرار و اشاره دارند.

در این راستا باید توجه داشت که ذات و وجود کانون وکلای بین‌المللی (IBA) که نهاد مدنی بین‌المللی برای تضمین دادرسی منصفانه و برخورداری از وکیل مستقل به عنوان یک سازمان غیردولتی به حساب می‌آید و اعضای آن را کانون‌های وکلای کشورها به صورت عمده تشکیل می‌دهد، به گونه‌ای تأکید مجدد بر اهمیت وجود یک نهاد مستقل در امر وکالت به‌شمار می‌آید. ضمن اینکه علاوه بر این موضوع، سازمان ملل متحد گزارشگر ویژه‌ای را برای این مساله انتخاب کرده که در نهایت گزارش کشورها را در مورد تضمین استقلال وکلا مطالعه می‌کند و در مورد آن اعمال نظر می‌کند.

به عنوان یک وکیل کهنه‌کار مهمترین چالش نهاد وکالت در سال ۱۴۰۱ را چه می‌دانید؟

نهاد وکالت در سال ۱۴۰۱ چالش‌های زیاد و متعددی را از سر گذراند که یکی از آنها آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری و اجرایی شدن آن بود که به‌رحال در اثر تلاش‌های به عمل آمده برخی از مواد آن اصلاح شد و حالا در صف انتظار تشریفات تأیید و تصویب قرار دارد. نکته دوم تصویب طرح تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار و تبدیل آن به قانون بود که اولین آزمونی که تحت تأثیر این طرح قرار داشت، در تیر ماه ۱۴۰۱ برگزار شد که البته مربوط به نوبت ۱۴۰۰ بود و نتایج آن هم مشخص شد و حالا کانون‌های وکلای دادگستری در حال بررسی صلاحیت و ثبت‌نام پذیرفته‌شدگان هستند و به زودی کارآموزی خود را شروع خواهند کرد.

آیا این آزمون به لحاظ علمی می‌تواند سطح توقعات را برآورده کند؟

آیا این آزمون به لحاظ علمی می‌تواند سطح توقعات را برآورده کند؟

از سوی دیگر همچنان استقلال وکیل و نهاد وکالت در این سال مورد نقد و بررسی بوده و کانون‌های وکلای دادگستری در این بین سعی کردند تا باز هم میدان‌دار این موضوع برای تحقق عینی و عملی آن باشند.

بر این اساس علیرغم بررسی چالش‌های نهاد وکالت در سال ۱۴۰۱، لزوم حفظ استقلال آن هم موضوع دیگری است که ما را بر آن داشت به تحلیل آن بپردازیم.

برای پاسخ به این دغدغه‌ها و سوالات به گفت‌وگو با کارن روحانی، حقوقدان و نایب رئیس پیشین کانون وکلای دادگستری مرکز نشستیم که مشروح آن از نظر می‌گذرد:

به نظر شما استقلال وکیل چه اهمیتی به خصوص در ارتباط با حقوق عامه دارد؟

برای پاسخ به این سوال باید به بررسی و تحلیل ارکان دادرسی عادلانه رجوع کنیم. آنچه که در دادرسی عادلانه مطرح می‌شود و به نوعی باید آن را رکن اصلی این موضوع دانست، استقلال وکیل است. به عبارت دیگر وکیل دادگستری که از حقوق متهم یا شاکی دفاع می‌کند باید از استقلال برخوردار باشد؛ کما اینکه استقلال قاضی هم تضمین‌کننده حقوق افراد است. استقلال وکیل دادگستری به نوعی جوهره ذاتی شغل وکالت است و صراحتاً باید گفت که استقلال مقوم ذات حرفه وکالت است.

استقلال وکیل دادگستری به عنوان یکی از بازوان اصلی دادرسی عادلانه مورد قبول قرار گرفته، اما

یک وکیل برای حفاظت از این دستاورد بزرگ حقوقی نیازمند آن است تا یک نهاد رسمی برای تضمین این امر وجود داشته باشد و این نهاد جایی نیست جز نهاد وکالت که همگان آن را با عنوان کانون‌های وکلای دادگستری می‌شناسند.

در کنار وکیل مستقل باید یک نهاد وکالت مستقل نیز وجود داشته باشد که بتواند امر حفاظت از این حقوق عامه را به درستی و با صبر و حوصله انجام دهد. بنابراین وجود نهاد وکالت مستقل که

استقلال وکیل دادگستری به عنوان یکی از بازوان اصلی دادرسی عادلانه مورد قبول قرار گرفته اما یک وکیل برای حفاظت از این دستاورد بزرگ حقوقی نیازمند آن است تا یک نهاد رسمی برای تضمین این امر وجود داشته باشد و این نهاد جایی نیست جز نهاد وکالت که همگان آن را با عنوان کانون‌های وکلای دادگستری می‌شناسند



« با توجه به اینکه این اولین آزمونی بود که بر اساس طرح تسهیل برگزار شد، باید دید که آیا جامعه حقوقی در مورد سطح علمی کارآموزان اغناء خواهند شد یا خیر. اگر قرار است کارآموزان را به لحاظ کیفی پرورش دهیم و اعتقاد داریم که شغل وکالت یک حرفه مرتبط با دانش و معلومات حقوقی است و هرچه سطح علمی وکلا بالا برود طبعا به تحقق عدالت و دادرسی منصفانه کمک می‌کند، می‌توان این آزمون را محک و معیاری برای سنجش قرار داد. بنابراین اگر این مدل از جذب وکالت باعث پایین آمدن سطح علمی وکلا و جامعه وکالت شود، باید در مورد آن تجدیدنظر کرد و برای آن چاره‌ای اندیشید.

توصیه شما به کارآموزان جدید وکالت برای حفظ شأن نهاد وکالت چیست؟

« به کارآموزان عزیزی که امسال و سال جدید وارد عرصه وکالت می‌شوند چندین توصیه دارم که این توصیه‌ها هم منبعث از تجربیات ما است. نخست آنکه، مهمترین وظیفه کارآموز وکالت بالا بردن سطح دانش علمی و عملی خود است؛ به خصوص اینکه ایشان تا به امروز در

عرصه تئوری فعال بودند و تازه قرار است وارد عرصه عمل شده و از چارچوب‌های تئوری محض خارج شوند. به همین دلیل حالا که دانش علمی نظری کافی را کسب کرده‌اند، لازم است که آن را با عمل درهم آمیزند و سطح کیفی کار خود را افزایش دهند؛ لذا اولین توصیه من به کارآموزان مطالعه است و اینکه سعی کنند مطالعه خود را همانند گذشته که موجب شد در آزمون قبول شوند، ادامه دهند.

توصیه دوم این است که برای ورود به عرصه وکالت چندان عجله نداشته باشند و سعی کنند دوره کارآموزی را که فرصت مهم و گران‌بهایی برای ارتقای کیفی تجارب عملی آنها به حساب می‌آید به درستی طی کنند، چراکه

وظیفه اصلی کارآموز هم همین است. همچنین کارآموزی را با عشق و لذت انجام دهند، نه اینکه به کارآموزی به چشم یک تکلیف و اجبار زودگذر بنگرند و صرفاً روزشمار پایان آن باشند.

نکته سوم این است که نباید از مسائل صنفی دور باشند، بلکه باید پیگیر موضوعات صنف خود باشند و کانون‌های وکلا را باید خانه خود بدانند. تحولات وکالت را دنبال و اندیشه‌ها، نظرات و پیشنهادات خود را به کانون‌ها منتقل کنند. هدف از فعالیتهای صنفی و مشارکت در نهادهای مدنی انتفاع شخصی نیست و پا در این عرصه گذاشتن تنها تعین انگیزه‌های والای اجتماعی و علاقه درونی افراد به پویایی جامعه و هم‌صنفی‌هاست، لذا این مشارکت و علاقه نباید وجهه رقابت غیر متعارف و ناموزون به خود گیرد. یقیناً همه اعضای جامعه وکالت در حفظ والاترین ارزش وکالت یعنی «استقلال» هم‌نظر و متفق‌اند، لکن روش‌ها و رهیافت‌های آنان لزوماً یکسان نیست و این تعاطی افکار و اختلاف‌نظر میان وکلانته‌تها مضر نیست بلکه در نهایت به نفع جامعه وکالت است و اساساً همه وکلایی که تمایل به مشارکت در خانه صنفی خود را دارند باید فرصت آن را پیدا کنند و به‌نظم

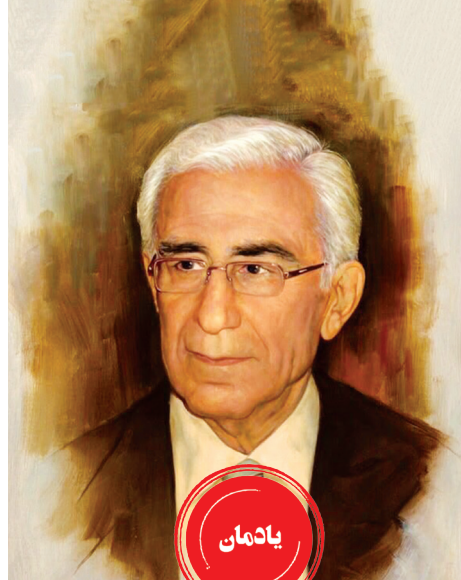
تنها شرط وارد شدن، همدلی و وفای است. از این عزیزان می‌خواهم که مطالعه و نگارش مطالب و مقالات حقوقی و صنفی را در کنار فعالیتهای شغلی دنبال کنند و این دو مهم را کنار نگذارند و رابطه نزدیک و خوبی با کانون‌های خود داشته باشند.

به‌هرحال شأن وکالت ایجاب می‌کند که رفتار و اخلاق حرفه‌ای از سوی وکلا در بالاترین سطح، رعایت و حفظ شود که این روند از حضور در محاکم تا برخورد با موکلان را دربر می‌گیرد و یقیناً این رابطه، متقابل است؛ در مقابل ما هم انتظار داریم که شأن وکلای دادگستری و کارآموزان وکالت در محاکم و در مقام دفاع و در جامعه حفظ و مورد احترام واقع شود.



به کارآموزان توصیه می‌شود که برای ورود به عرصه وکالت چندان عجله نداشته باشند و سعی کنند دوره کارآموزی را که فرصت مهم و گران‌بهایی برای ارتقای کیفی تجارب عملی آنها به حساب می‌آید به درستی طی کنند، چراکه وظیفه اصلی کارآموز این است که کارآموزی را با عشق و لذت انجام دهند، نه اینکه به چشم یک تکلیف و اجبار زودگذر به آن بنگرند و صرفاً روزشمار پایان آن باشند





خلأ حضور پیشکسوتان
در هفتاد سالگی استقلال کانون وکلا

دکتر کاتوزیان جست و جوگر نامتناهی عدالت

بدون تردید ۱۱ شهریور ۱۳۹۳ از جمله تاریخ‌هایی است که از ذهن وکلا، حقوق‌دانان و دانشجویان این رشته پاک نخواهد شد و حتی برخی از قضات شریف ایران زمین هم این روز را تا زمانی که زنده هستند به یاد خواهند داشت؛ چراکه جامعه حقوقی کشورمان در این روز کسی را از دست داد که به نوعی باید آن را مظهر عدالت، علم و شرف دانست و او کسی نیست جز دکتر «امیر ناصر کاتوزیان».



و قضاوت هم مرحوم کاتوزیان اگرچه عنوان وکیل و قاضی سابق دادگستری را در کارنامه وزین خود داشت، اما همگان مشاهده کردند که او خانه اول و آخر خود را دانشکده حقوق دانشگاه تهران برگزید و افتخارش معلمی بود.

اینکه دکتر کاتوزیان از حیث علمی به ستاره بی‌بدیل آسمان حقوق و قضاء ایران تبدیل شد و تا ابد در ذهن همگان خواهد بود و در نوشتن و تدوین پیش‌نویس اولیه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شرکت داشت و یا اینکه در ۱۴ بهمن ماه ۱۳۸۳ نشان درجه یک فرهنگ و هنر و دانش توسط سیدمحمد خاتمی، رئیس جمهوری وقت به ایشان تقدیم می‌شود، بدون شرط از جمله مسائلی هستند که هر نخبه‌ای بی‌شک در آرزوی آن خواهد بود، اما اگر به بطن سخنان و آثار دکتر کاتوزیان رجوع کنیم می‌بینیم که دغدغه اصلی او چیزی نبود جز «عدالت»؛ به نظر ایشان عدالت و قضاوت دو همزاد تاریخی هستند.

در اواخر آذر ماه ۱۳۸۴ دکتر ناصر کاتوزیان در مراسمی تحت عنوان «سهام عدالت در تفسیر قانون» که در دانشکده حقوق واحد تهران مرکز دانشگاه آزاد اسلامی برگزار شد، در جمع دانشجویان این دانشکده با اشاره به اهمیت عدالت به موضوعی اشاره کرد که حالا با گذشت ۱۷ سال از آن روز به نوعی نشان دهنده عمق دیدگاه ایشان است. زنده‌یاد کاتوزیان در آن مراسم با تأکید بر لزوم تغییر نگرش حاکم بر جامعه حقوقی در زمینه رابطه عدالت و قانون و در جمع دانشجویان حقوق صراحتاً گفتند: «قضات ما همواره از اینکه بگویند راه حلی عادلانه است، شرم دارند و به این دلیل همیشه می‌گویند این راه حل قانونی است، گویا عدالت مترادف هرج و مرج است؛ لذا لازم است این نحوه تفکر تغییر یابد و بدانیم بدون عدالت، حقوق بی‌معناست اما در واقع آنچه به حقوق شرافت می‌بخشد عدالت است و اینکه بتوانیم از حقوق پُلی به عدالت بزنیم».

این سخنان مرحوم کاتوزیان قطره‌ای از دریای بی‌انتهای عدالتخواهی ایشان است؛ چراکه به گواه اسناد و گفته وکلا و حقوق‌دانانی که مکتب ایشان را درک کرده و پای درس ایشان زانوی تلمذ زده بودند، عدالت از هر منظری مهمترین عنصری بود که پدر علم حقوق ایران بدان تأکید داشتند. تا جایی که روی سنگ مزار ایشان این جمله حک شده است: «آسودگی‌ام آنجاست که غباری بر چهره عدالت نبینم».

در دل هر صنف و طیفی، یک یا چند ستاره درخشان وجود دارند که اگر دهه‌ها از هجرت ابدی آنها نیز بگذرد نه تنها عیار سخنان، رفتار و آثار آنها قلیل و خفیف نمی‌شود، بلکه وقایعی رخ می‌دهد که اسناد مکتوب و غیرمکتوب آنها به مرجع سنجش تبدیل می‌شوند و آنگاه است که متوجه خلأ حضور این جواهرات علمی و عینی می‌شویم. در صنف وکالت





وکیل دادگستری نباید تحت هیچ شرایطی از استیفای حقوق موکل غافل شود

سید محمد جندقی کرمانی پور

از الزامات ارتقای شأن و منزلت وکالت می گوید

«سید محمد جندقی کرمانی پور» از جایگاه ویژه‌ای در نهاد وکالت برخوردار است. او نخستین رئیس انتخابی کانون وکلا پس از تصویب قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری در سال ۱۳۷۶ است.



دفاع از نفس عنوان اتهام یا بزه انتسابی تعبیر شود.»

آنچه در ادامه می‌آید گفت‌وگو با سیدمحمد جندقی کرمانی‌پور از وکلای برجسته و کهنه‌کار کشور است که با هم می‌خوانیم:

بعد از قریب یکصد سال از استقرار نظام نوین دادگستری در ایران، امروز مهمترین مسئولیت وکلای دادگستری چیست؟

«دفاع از حقوق موکل حتی اگر متهم باشد، مهمترین مسئولیتی است که تا به امروز بر دوش فرد فرد وکلای دادگستری قرار دارد. در تمام این سال‌ها جامعه ایران و جهان تحولات زیادی را از سرگذرانده است اما همچنان کمک به استقرار حاکمیت قانون از طریق استیفای حقوق موکل و کمک به طی شدن منصفانه روند دادرسی در محاکم مختلف، از مهمترین وظایف یک وکیل دادگستری محسوب می‌شود.

این وظیفه تا چه اندازه به مسئولیت اجتماعی نهاد وکالت در مورد دفاع از حقوق عامه در عرصه‌های مختلف مرتبط است.

«مسئولیت قانون‌های وکلای دادگستری چیزی فراتر از مشروح وظایفی نیست که در ارتباط با فعالیت حرفه‌ای وکلای دادگستری در قانون احصا شده است، یعنی مادام که فعالیت وکلای دادگستری در چارچوب‌های قانونی صحیح جریان داشته باشد، عملکرد نهاد وکالت نیز در همین چارچوب ارزیابی می‌شود.

یک جنبه از حرفه وکالت در ارتباط با مراجعه مردم برای گرفتن خدمات حقوقی معنی پیدا می‌کند و به باور خیلی‌ها هنوز در ایران استفاده از خدمات وکالت به مانند دیگر جوامع مرسوم نیست. در این شرایط چطور می‌توان کارنامه وکلای دادگستری و به تبع آن نهاد وکالت را به صورت منصفانه ارزیابی کرد؟

جندقی کرمانی‌پور متولد ۱۳۱۴ وکیل پایه یک دادگستری و عضو کانون وکلای مرکز است. او پیش از انقلاب اسلامی به قضاوت در دادگستری اهواز مشغول بود اما با استعفا از منصب قضایی خود در سال ۱۳۵۲ از کانون وکلای دادگستری مرکز پروانه وکالت دریافت کرد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، انتخابات هیات مدیره کانون وکلای دادگستری با چالش مواجه و تا سال ۱۳۷۶ برگزار نشد و کانون وکلا توسط رئیسی انتصابی از سوی حاکمیت اداره می‌شد. اما در سال ۱۳۷۶ و با تصویب قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری، بار دیگر انتخابات کانون وکلا برگزار شد و وکیل سید محمد جندقی کرمانی‌پور به عنوان اولین رئیس انتخابی کانون وکلا انتخاب شد.

از او کتابی با عنوان «کانون وکلا در گذر زمان» به چاپ رسیده که در آن خاطرات بیش از نیم قرن فعالیت وی در حوزه وکالت روایت شده است. از همین‌رو با نخستین رئیس انتخابی کانون وکلای دادگستری به گفت‌وگو نشستیم. جندقی در گفت‌وگوی پیشرو از ضرورت پابندی وکلای دادگستری به وظایف قانونی به عنوان مهمترین مسئولیت صاحبان این حرفه یاد می‌کند و حتی اهمیت آن را به مراتب از همه آنچه مسئولیت اجتماعی وکلای دادگستری تلقی می‌شود، بالاتر می‌داند.

او معتقد است: «وکلا دادگستری به خصوص کارآموزان وکالت باید درنظر داشته باشند که نباید از استیفای حقوق موکل یا مراجعه کننده تحت هر شرایطی غافل شد؛ حال مراجعه کننده یا موکل، متهم یا حتی مجرم باشد. سوای

عنوان اتهامی یا عمل مجرمانه ارتكابی، شخص دارای حقوقی است که باید تحت هر شرایطی استیفا شود. این استدلال که حضور وکیل مدافع در فلان پرونده به عمل مجرمانه صورت گرفته یا تخلف غیر قانونی انجام شده وجاهت داده و باعث عادی‌سازی آن می‌شود درست نیست؛ نفس ورود وکیل به پرونده، دفاع از حقوق متهم یا مجرم است و نباید به معنی

وکالت دلالی و واسطه‌گری نیست، من منکر ایرادهای احتمالی در ساختار کنونی جامعه وکالت و قضاوت نیستم اما نه وکلا و نه قضات هنوز آنقدر دچار تنزل نشده‌اند که بخواهند وارد چنین مراوداتی بشوند، هرچند که متأسفانه برخی چنین انتظاری از وکلای دادگستری دارند





حفظ شرافت و پایبندی به این سوگند منجر می‌شود. این مطلب همان چیزی است که باعث می‌شود بگوییم حرفه وکالت در جامعه چیزی فراتر از یک شغل و عنوان کسب و کار است. وکالت دلالی و واسطه‌گری نیست، من منکر ایرادهای احتمالی در ساختار کنونی جامعه وکالت و قضاوت نیستم اما نه وکلا و نه قضات هنوز آنقدر دچار تنزل نشده‌اند که بخواهند وارد چنین مراداتی بشوند، هرچند که متأسفانه برخی چنین انتظاری از وکلای دادگستری دارند. در حالی که چه در قوانین مصوب سال ۱۳۳۴ و ۱۴۰۰ چارچوب حرفه وکالت و موارد تخلفات آن به روشنی معین شده است.

اما در کنار این چارچوب قانونی به عنوان مشی حرفه‌ای وکلای دادگستری در مواجهه با جامعه و حاکمیت، وکلا چه نقشی در رابطه با روشننگری پیرامون حقوق عامه دارند؟

ببینید وکیل دادگستری در اصل اقتصاددان، کارشناس محیط زیست، صاحب‌نظر فرهنگی و یا شخصی فعال در دیگر عرصه‌های اجتماعی نیست. تسلط و تخصص وکیل تبحر در مسائل حقوقی و قانونی است، همین وجه تمایز است که باعث می‌شود تا از آنها توقع داشته باشیم در همه احوال پایبند سوگند حرفه‌ای و شرافتشان باشند.

البته در جامعه وکلا افراد خوشنام فراوانی هستند که به دلایل مختلف در حوزه‌های مختلف دغدغه دارند و حسب این تعلق خاطر از طرق مختلفی

اصولا وکیل دادگستری وظیفه دارد تا از حقوق اشخاص دفاع کند، هرچند به باور عمومی در ایران حرفه وکالت یک حرفه لوکس است و در مقایسه با حرفه‌های تخصصی دیگری مانند پزشکی مراجعه به وکیل دادگستری و کمک گرفتن از او چندان مرسوم نیست. اینکه چرا هنوز در جامعه ایران برای مردم سخت است که در همه موارد ضروری از خدمات وکلای دادگستری چه به عنوان اخذ وکالت و چه با عنوان گرفتن مشاوره حقوقی استفاده کنند، مطلبی است علی‌حده که شاید به باورهای رایج و ریشه‌دار عمومی از مسائل اقتصادی و تعیین میزان حق الوکاله ارتباط داشته باشد. هرچه هست در همین ساختار با حجم زیادی از پرونده قضایی و مسائل حقوقی مواجه هستیم و جامعه وکالت به نوعی درگیر آن است. مسئله مهم این است که تحت همین شرایط وکلای دادگستری و نهاد وکالت به وظیفه قانونی خود وفق قانون عمل کنند.

یعنی همین التزام به وظایف قانونی می‌تواند به مرور در نگرش مردم نسبت به کمک گرفتن بیشتر از خدمات جامعه وکالت تاثیرگذار باشد؟

وکیل دادگستری باید به سوگند حرفه‌ای خود تحت هر شرایطی وفادار بماند و از شرافتش صیانت کند، احترام به وکلای همکار و قاضی در محاکم، پایبندی به امانتداری و برخورد منصفانه با موکل یا هر مراجعه کننده دیگری به

رجوع کنیم می‌بینیم که در این چارچوب حتی برای نوع کفش و کلاه و کلاهم از بالا تعیین تکلیف می‌شد. بدیهی است که در این جو دستوری و پادگان‌مآبانه، واگذاری امور این حرفه به نهاد مستقل کانون وکلای دادگستری نقطه عطف محسوب می‌شود.

امروز هفتاد سال پس از این اتفاق اما وکلای دادگستری شرایط خوبی ندارند؛ رویکرد حاکمیت در جهت ایجاد نهاد موازی در نوع خود یک آسیب بزرگ به استقلال نهاد وکالت است. درست است که از نظر قانون، وکلای دادگستری در کنار سردفتراران شأن و رتبه‌ای همسنگ با قضات دادگستری دارند اما در عین این همسانی، استقلال نهاد وکالت نیز در قانون تصریح شده است.

ورود قوه قضائیه به آموزش وکلای دادگستری و انجام دیگر اموری که وظیفه نهاد وکالت است یک چالش محسوب می‌شود. البته از این بابت نقدی به کسانی که از این طریق وارد حرفه وکالت شده‌اند نیست، هرچه باشد آنها هم به زعم خود مسیری قانونی را طی کرده‌اند؛ در واقع شکوه و انتقاد متوجه بانیان این رویه نادرست در دستگاه قضایی است.

چالش دوم محدودیتی است که در جریان حضور وکیل دادگستری در روند رسیدگی به پرونده وجود دارد. این مسئله در جریان وقایع اخیر بیشتر به چشم آمد. حقوقدانی که موفق به اخذ پروانه وکالت شده است می‌تواند در هر دادگاهی برای دفاع از حقوق موکلش حاضر شود و چنانچه مرتکب تخلفی بشود از طریق مراجع قانونی تعیین شده در نهاد وکالت و محاکم دادگستری تحت پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

رویه شدن آنچه که در تبصره ماده ۴۸ برای دسترسی متهمان جرایم امنیتی به انتخاب وکیل وجود دارد ظلم در حق وکیل و متهم است. نمی‌شود این مسئله را با وکالت تسخیری مقایسه کرد؛ وکیل تسخیری و خدمات معاضدت، همین حالا هم از سوی نهاد وکالت به اشخاصی که استطاعت گرفتن وکیل را ندارند ارائه می‌شود.

مثل مصاحبه، یادداشت‌نویسی، مکاتبه و... در اجتماع فعالیت دارند اما در نهایت جامعه می‌تواند مواضع آنها را در نظر بگیرد و یا نسبت به آن بی‌تفاوت باشد، اما آنچه تغییرناپذیر است همان شرح وظایفی است که قانون برای وکلای دادگستری برشمرده است و از یکسو عمل به آن موجب ارتقاء شأن و منزلت مقام وکالت و نهاد متبوع آن در جامعه می‌شود و از سوی دیگر انجام ندادنش هم تخلف است و هم به جایگاه این حرفه در سطح جامعه لطمه وارد می‌کند.

با این اوصاف در شرایط کنونی، وکلای دادگستری و خاصه کارآموزان وکالت چه نکاتی را باید بیشتر مدنظر قرار دهند؟

«نباید از استیفای حقوق موکل یا مراجعه کننده تحت هر شرایطی غافل شوند. ممکن است مراجعه کننده یا موکل، متهم یا حتی مجرم باشد، سوای عنوان اتهامی یا عمل مجرمانه ارتكابی، شخص دارای حقوقی است که باید تحت هر شرایطی استیفا شود. این استدلال که حضور وکیل مدافع در فلان پرونده به عمل مجرمانه صورت گرفته یا تخلف غیر قانونی انجام شده وجاهت داده و باعث عادی‌سازی آن می‌شود درست نیست؛ نفس ورود وکیل به پرونده، دفاع از حقوق متهم یا مجرم است و نباید به معنی دفاع از نفس عنوان اتهام یا بزه انتسابی تغییر شود. علاوه بر این عنصر وقت برای مراجعه کننده و وکیل به یک اندازه مهم و حیاتی است، چه در زمان مراجعه و چه در زمان پیگیری، لذا وکیل دادگستری باید تمام هوش و حواس خود را متوجه موضوع پرونده کند و از پرداختن به سایر امور بپرهیزد.

”

امروز هفتاد سال پس از استقلال نهاد وکالت، اما کانون وکلای شرایط خوبی ندارد؛ رویکرد حاکمیت در جهت ایجاد نهاد موازی در نوع خود یک آسیب بزرگ به استقلال این نهاد صنفی است. درست است که از نظر قانون، وکلای دادگستری در کنار سردفتراران شأن و رتبه‌ای همسنگ با قضات دادگستری دارند اما در عین این همسانی، استقلال نهاد وکالت نیز در قانون تصریح شده است

“

در حال حاضر مهمترین چالش نهاد وکالت از جانب نگاه جامعه به این حرفه است یا رویکردی که حاکمیت در قبال آن دارد؟

«تا پیش از استقلال نهاد وکالت، وکلای دادگستری تابع ضوابط تحمیلی دادگستری وقت بودند. اگر به قوانین آن زمان





مانده‌ام از کدام کانون وکلا بنویسم؟

یادداشتی از علی مندنی‌پور، رئیس اسبق اسکودا

هرچند دکتر علی مندنی‌پور، چهارمین رئیس دوره‌ای اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) شناخته می‌شود اما از جهتی دومین نفری است که از بدو پیدایش این نهاد صنفی، مسئولیت هماهنگی کانون‌های وکلای دادگستری سراسر کشور را عهده‌دار شد.



بیش از پیش شاهد زبان بسته زمین گیر شدنش بوده ایم و با هر برچسب و به هر بهانه چنانچه افتاده است و دانیم، سعی در مرعوب کردن آن داشته و دارند.

از کدام کانون وکلا بنویسیم؟

از همان کانونی که دیر زمانی است، بنا به علت ها و تحت تاثیر عامل ها و انگیزه هایی چند که ذکر «مصیبت شان» در این دل نوشته نمی گنجد، برخوردهای ناروای زیادی را به خود دیده است.

همان کانونی که با وجود پیشینه خوش و دیرینه بیش از یک قرن و ۷۱ سال «استقلال» هنوز که هنوز است، همین «استقلال نیم بند»ش در عمل به رسمیت شناخته نشده است.

همان کانونی که هفته وکیل و روز سالگرد استقلالش در تقویم رسمی کشور درج نشده و این در حالی است که برای ۳۶۵ روز سال و بیش از همین میزان مناسبت در تقویم رسمی ثبت شده است.

همان کانونی که از ابتدای تاریخ پیدایش خود تاکنون در خدمت مردم این مرزوبوم بوده و در جایگاه معاضد، افتخار همکاری تنگاتنگ با دستگاه قضا را در کارنامه درخشان کاری خود داشته است.

همان کانونی که محور و مدار حرکتش در گذر زمان «قانون» بوده است و بس.

همان کانونی که با برنامه ریزی منسجم و نظم و نسق مثال زدنی در یک چارچوب اصولی و با رعایت موازین قانونی نیاز روز جامعه را در قالب گزینش بهترین های علم حقوق در جامه شرف و شریف وکالت، تربیت و در خدمت شهروندان سراسر کشور قرار داده است.

همان کانونی که گویی دیر زمانی است، جماعتی از زنده بودنش دلگیر و از

در واقع پس از آنکه زنده یاد بهمن کشاورز بعد از سه دوره پیایی از کرسی ریاست اسکودا کناره گرفت، این مسئولیت به وکیل علی مندنی پور محول شد. از این حیث می توان دکتر مندنی پور را دومین نفر در تاریخ ریاست اسکودا دانست.

یادداشت پیش رو دربردارنده مهمترین دغدغه هایی است که رئیس اسبق اسکودا در خصوص جایگاه نهاد وکالت و موقعیت کنونی وکلای دادگستری در جامعه روز ایران دارد و به مناسبت هفتادمین سالروز استقلال کانون وکلا در اختیار روابط عمومی اسکودا قرار گرفته است.

در آستانه هفته بزرگداشت وکیل و هفتم اسفند روز استقلال کانون وکلای دادگستری قرار داریم، روزی که با پایمردی روانشاد دکتر محمد مصدق و همیاری جمعی از وکلای آزاده و مدافعان راستین حقوق مردم با گذر از فراز و فرودهای بسیار، سرانجام «استقلال» کانون وکلا، این نهاد مدنی دیرپا به رسمیت شناخته شد.

از من به عنوان عضو کوچکی از «خانواده بزرگ وکالت» خواسته شده است یادداشتی به همین مناسبت، برای درج در ویژه نامه اسکودا بنویسم.

مانده ام از چه بگویم؟

از «تهالی» که در گذر زمان، چنانچه ذات و جوهره ارباب «قدرت» ایجاب نموده و می نماید، نامهربانی ها به خود دیده و «رعد و برق و طوفان» های سهمگین فراوانی را از سر گذرانده است.

از «استقلالی» که بعد از گذشت هفت دهه هنوز در تقویم رسمی کشور جای پای باز نکرده و همچنان لنگان لنگان راه ختیر و پر خطر پیش رو را نفس نفس زنان و به زحمت می پیما ید.

از پرنده شکسته بالی که



هفته وکیل و روز سالگرد استقلالش در تقویم رسمی کشور درج نشده و این در حالی است که برای ۳۶۵ روز سال و بیش از همین میزان مناسبت در تقویم رسمی ثبت شده است! کانون وکلای دادگستری از ابتدای تاریخ پیدایش خود تاکنون در خدمت مردم این مرزوبوم بوده و در جایگاه معاضد، افتخار همکاری تنگاتنگ با دستگاه قضا را در کارنامه درخشان کاری خود داشته است





«مجازات» را به جان خریده و در راه انجام وظیفه هراسی به خود راه نداده و نمی‌دهد. همان کانونی که وکیل‌اش در مسیر انجام وظایف حرفه‌ای نقش «مرغ عزا و عروسی» را ایفاء می‌کند.

همان کانونی که وکیل‌اش در شعار به اتفاق قاضی دو بال فرشته عدالت‌اند، اما در عمل به زحمت و با بال شکسته حرکت می‌کند. همان کانونی که نمایندگان خانه ملت برخلاف انتظار برایش خط و نشان کشیده، شمشیر را از رو بسته و بدون آینده‌نگری طرح‌هایی را تصویب کرده و می‌کنند که جز سرگردانی و سنگین‌تر کردن بار شهروندان حاصل دیگری نداشته و ندارد. همان کانونی که جماعتی بدون ارائه راهکارهای علمی و اصولی و بدون توجه به جایگاه این نهاد مدنی به‌گونه‌ای معنادار و حساب شده با آن از در ستیز درآمده‌اند.

و همان کانون وکلایی که ناپلئون بناپارت «چشم دیدنش» را نداشت، اما سرانجام تسلیم‌اش شد و منشور استقلال‌اش را با رسمیت بخشیدن به سوگند نامه‌اش تصویب و امضاء کرد.

از کدام وکیل بنویسم؟

از وکیلی که از یک طرف بنا به مصوبه شورای مصلحت جایگاهی هم‌تراز قاضی

سر پا بودنش در عذاب و دل چرکین‌اند. همان کانونی که صداوسیما و وطنی، این به اصطلاح «رسانه ملی» سال‌هاست یک طرفه به قاضی رفته، کمر به تخریبش بسته، وکیل را در هیبت مشاور شیطان، دلال مظلمه و واسطه نشان داده و همچنان این رویه ناپسند را دنبال می‌کند. همان کانونی که با گزینش استاندارد، آموزش و تربیت اصولی، نظارت کامل انضباطی-قضایی، به‌صورت خودگردان، بر بیش از ۶۰ هزار نفر از نخبگان حقوق در ارائه خدمات حقوقی به شهروندان واجد شرایط پیش‌قدم بوده است و به روال همیشگی در این وادی گام برمی‌دارد.

همان کانونی که سالانه به ده‌ها هزار نفر از شهروندان با هماهنگی دستگاه قضا در قالب وکالت تسخیری در پرونده‌های کیفری و به صدها هزار نفر از نیازمندان در پهنه ایران زمین مشاوره‌های رایگان در زمینه‌های حقوقی ارائه می‌دهد.

همان کانونی که وکیل‌اش برای انجام وظیفه در چارچوب قانون دچار مشکل است و از حیث معیشت، بسیاری از آنها با سیلی صورت خود را سرخ نگه می‌دارند.

همان کانونی که وکیل‌اش برای انجام وظیفه حرفه‌ای و پای‌بندی به سوگند وکالت، باید «مجازات» شود.

همان کانونی که وکیل‌اش به‌خاطر دفاع از حقوق قانونی موکل «تحقیر»، «تهدید» و ای بسا



در حوزه وکالت هر کدام چندین وکیل بیکار را با کمترین حق الزحمه به خدمت گرفته و بیشترین پرونده‌ها را به چنگ آورده و برو و بیایی بهم زده‌اند، بنویسم!

از بی‌اعتباری گام به گام حرفه وکالت و جایگاه و شأن وکیل به تبع سیاست‌های ویرانگر قانونگذاران مدعی نمایندگی و دفاع از حقوق مردم بنویسم؟

بسیاری از ناگفته‌ها گفته شد، اما تو گویی گفتنی‌ها همه مانده‌اند!

ادای احترام شایسته دارم، به پیشگامان عرصه وکالت و درود می‌فرستم به همه آنانی که در هر جامه و جایگاه با قلم، قدم و بیان خویش، در کاشت، نگهداشت و برداشت نهال دیروز و درخت نه‌چندان با طراوت امروز کانون و کلا رنج برده، هزینه پرداخته و با تحمل مرارت‌ها از آن پاسداری نموده و می‌نمایند.

انصاف بدهیم، در این فضای غم‌انگیز و «مه‌آلود» و در موقعیتی که کانون وکلا در آن قرار گرفته است، سخت است تهنیت گفتن به خود و همکاران به مناسبت بزرگداشت هفته و روز وکیل؛ چرا که نه چیزی از «استقلال» مانده و نه دل و دماغی برای شرکت در جشنی به نام «استقلال».

در این میانه چیزی برای گفتن هم نداریم. هر آنچه گفتنی بوده است، گفته‌ایم و تاکنون پاسخی در خور نگرفته‌ایم.

و اما ... سوزنی به خود!

در کارنامه درخشان خانواده بزرگ کانون، نمره‌ای که کمتر از همه به چشم می‌آید، همانا نمره دفاع از حقوق عامه است؛ وظیفه‌ای سنگین که اعضای این نهاد خدمتگذار، آنگونه که شایسته و بایسته بوده نتوانسته و یا بهتر بگوییم، نخواست‌اند بدین وادی قدم بگذارند.

وظیفه‌ای ذاتی و هم‌تراز با دفاع از حقوق فردی و ای‌بسا مهم‌تر از آن که جا داشت، بیشتر به آن پرداخته می‌شد.

به امید فردایی بهتر.

پیدا می‌کند و اصل ۳۵ قانون اساسی حقوق قانونی‌اش را به رسمیت می‌شناسد و از طرف دیگر «قانونگذاران»! همین سرزمین در حرکتی تبعیض‌آمیز و رانت‌گونه برخلاف قانون با افزودن تبصره‌ای به ماده ۴۸ آیین دادرسی کیفری صلاحیت قانونی‌اش را نادیده گرفته، او را نامحرم تلقی و از انجام وظیفه وکالتی در پرونده‌های به اصطلاح امنیتی و اقتصادی ویژه باز می‌دارند، تبصره‌ای که در جریان بازداشت معترضین اخیر اوج ناکارایی و در نتیجه نارضایتی مردم را آنگونه که پیش‌بینی می‌شد، به دنبال داشت.

از وکیلی که حقوق قانونی‌اش در تهیه و تنظیم آئین‌نامه جدید در اجرای ماده ۲۲ آیین‌نامه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۳ نادیده گرفته شده است.

از وکیلی که با طرح ویرانگر کارشناسی نشده، نپخته و سنسجیده آقای خاندوزی و همکاران موسوم به «تسهیل» به یکباره و ناخواسته از جامه وکالت به پوستین تجارت درمی‌آید؛ بی‌آنکه به فلسفه وجودی حرفه، وظیفه و متن سوگندش نظری افکنده شود.

از مظلومیت و جایگاه و مسایل و مشکلات پیش‌رو در روند پر دست‌انداز دفاع در پرونده‌های وکالتی‌اش بنویسم؟

از بار سنگین و پذیرش اجباری و بی‌رویه کارآموز وکالت در کانون‌ها و نبود امکانات آموزشی بنویسم؟

از پذیرش سالانه بیش از ۶۰ هزار دانشجو در صدها دانشکده، آموزش‌دیده و موسسه رسمی، نیمه رسمی و غیر رسمی حقوق بدون توجه به نیازسنجی و بیکاری صدها هزار فارغ‌التحصیل از میان دانشجویان از همه مانده و از درگاه رانده این رشته بنویسم؟

از نابسامانی حرفه وکالت و تبلیغات ذلت‌بار و غیر قانونی کف پیاده‌روها و رشد قارچ‌گونه «موسسات غیر قانونی حقوقی» بنویسم؟

از نقش مخرب «دلان، واسطه‌ها و کارچاق‌کن‌ها» در حرفه «وکالت» بنویسم؟ از حقوق خوانده‌هایی که

”

کانون وکلای دادگستری، با برنامه‌ریزی منسجم و نظم و نسق مثال‌زدنی، در یک چارچوب اصولی و با رعایت موازین قانونی نیاز روز جامعه را در قالب گزینش بهترین‌های علم حقوق در جامه شرف و شریف وکالت تربیت و در خدمت شهروندان سراسر کشور قرار داده است. گویی دیر زمانی است، جماعتی از زنده بودنش دلگیر و از سرپا بودنش در عذاب و دل‌چرکین‌اند

“



گفت‌وگو با «حسین محمد نبی»
به بهانه هفتادمین سالروز استقلال کانون وکلا



استقلال در امر وکالت ضمانت اجرای عدالت است

استقلال کانون وکلا در سال ۱۳۳۱ موجبات این امر را فراهم کرد تا هفتم اسفندماه به عنوان نماد عدل و داد در تاریخ کشورمان ثبت و ضبط شود. شکی وجود ندارد که با تصویب لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری در هفتم اسفند، این کانون که از سال ۱۳۰۹ رسماً شروع به کار کرده بود، از قوه قضائیه مستقل شد و به صورت خود انتظام ادامه کار داد، اما باید متوجه بود که در ۷۰ سال گذشته پستی و بلندی‌های زیادی در این مسیر قرار داشت و دارد.





می‌کند و اساساً فعالیت و قدم برداشتن وکلا هم در واقع تحقق چنین حقی را نمایان می‌کند. لذا حق دفاع را در این قالب که حقوق ذاتی و فطری به حساب می‌آید باید به رسمیت شناخت و به موازات آن باید تمام وکلا در زمان انجام مسئولیت خطیرشان از هرگونه تعرض مصون بمانند.

در مورد استقلال کانون وکلا اگر تصور جامع داشته باشیم باید به این مفهوم برسیم که بدون شک استقلال وکلا و کانون‌های وکلا می‌تواند به استقلال قوه قضائیه هم کمک کند و این مهم به دست بیاید. به جرأت باید بگوییم که استقلال کانون‌ها به استقلال قوه قضائیه ربط دارد؛ چراکه اجرای عدالت و حفاظت از حقوق مردم در قانون اساسی به وضوح مورد اشاره قرار گرفته است و قوای سه‌گانه ما هم در تحقق این موضوع باید کوشا باشند و هر سه مرجع بدون هماهنگی با این اصول نمی‌توانند این مساله بزرگ را اجرا و به سرانجام برسانند.

بر این اساس معتقدم که استقلال کانون‌های وکلای دادگستری و حرفه وکالت متضمن حفظ حکومت قانون در جامعه است و یکی از ارکان اصلی دادرسی عادلانه محسوب می‌شود. به این جهت تمام کانون‌های وکلا باید مستقل باشند و صرفاً وکلا بدون کوچکترین دخل و تصرف خارجی می‌بایست برای انجام امور جاری این کانون‌ها انتخاب شوند تا در نهایت بیش از پیش بتوانند وظایف ذاتی خود را اجرایی کنند. از سوی دیگر باید متوجه بود که کانون‌های وکلا هم علاوه بر ادامه راه مستقل خود باید به هر ترتیب که شده بر رفتار و فعالیت اعضای جامعه وکالت نظارت داشته باشد.

در اجلاس وکلای کشورهای جهان که در ششم

موانعی که در این راستا به چشم می‌خورد شاید از دید بسیاری از مفسران حقوقی و حتی وکلا و علمای علم حقوق ساده و قابل رفع باشد اما زمانی که ذره‌بین تحلیل را روی این مشکلات و موانع نگه می‌داریم، با پیچیدگی‌های متنوعی روبرو می‌شویم که در نهایت جلوه دیگری از مسائل را عیان می‌کند.

بر همین اساس و برای روشن شدن این پیچیدگی‌ها و اساس اهمیت استقلال کانون وکلا و چالش‌های جاری که وکلا با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، به گفت‌وگو با دکتر حسین محمد نبی، حقوقدان و وکیل دادگستری نشستیم که به شرح زیر از نظر می‌گذرد:

استقلال نهاد وکالت چه اهمیتی دارد و چگونه باید برای تحقق آن کوشید؟

در مورد استقلال کانون‌های وکلا و در کل، استقلال نهاد وکالت باید به این موضوع بسیار مهم اشاره کنم که از گذشته تاکنون در این مورد چهره‌های بسیار زیادی از علمای علم حقوق در این رابطه سخن گفته‌اند و حتی دامنه این سخنان به لزوم رعایت اخلاق و رفتار حرفه‌ای از سوی وکلا هم کشیده شده است و بنده هم در گذشته در این باب مطالب زیادی را متذکر شده‌ام یا آنها را به رشته تحریر درآوردم.

در این میان ذهنیتی که در مورد استقلال وکلا و کانون‌های وکلا یا صیانت از حقوق وکلا به میان می‌آید، با توجه به قوانین موجود یک وظیفه ذاتی را برای کانون‌های وکلای ما به وجود می‌آورد و عملاً بانیان این نهاد باید از این حق صیانت کنند و در این راه علاوه بر کوشش برای تحقق این مهم، باید استمرار آن را هم در دستور کار قرار دهند. باید دانست که حق دفاع به عنوان یک حقوق ذاتی و فطری معنا پیدا





ترمیم جایگاه اجتماعی
نهاد وکالت چیست؟

« به نظرم باید این سوال را اینگونه تکمیل کرد که چرا این روند ادامه دار است؟ متأسفانه بخشی از این ذهنیت را برخی از رسانه‌ها به وجود آوردند و برخی دیگر از آن اشتباه‌ها به وجود آمده است؛ اما آنچه مسلم خواهد بود تصحیح این نوع از نگاه است. اصرار بر تصحیح این موضوع و این نوع نگاه به این دلیل است که وکیل در انجام وظیفه اجتماعی خودش همواره

اقدام کرده است. اینکه در برخی از تبلیغات و با تنظیم سناریوهای مختلف، یک خط خبری تخریبی علیه وکلا ساخته می‌شود، واقعاً درست نیست. ممکن است که یک وکیل بر اساس نگرش و اخلاق حرفه‌ای خود در چارچوب حوزه کاری‌اش عمل کند، اما این دلیل قانع‌کننده‌ای نمی‌شود که در رادیو و تلویزیون علیه تمام وکلا مواضع منفی گرفته شود و وجهه وکلا را تخریب کنند.

این مسائل نشان می‌دهد که یک بی‌تقوایی در این اقدامات نهفته است. توجه داشته باشید که در تمام صنوف، انسان‌های خوب و بد وجود دارد ولی بحث ما این است که باید به وکلا و قضات

”

ما اعتقاد داریم وکالت یک حرفه آزاد است و استقلال در امر وکالت، ضمانتی در امر اجرای عدالت است. حفظ شأن و منزلت وکلا در این چارچوب به انضمام حفظ اسرار موکلین، بی‌غرض بودن و وفاداری از جمله نکات مهمی است که می‌تواند نهاد وکالت را در چشم مردم هر چه بیشتر، وزین جلوه دهد

“

دسامبر ۲۰۰۸ در پاریس برگزار شد، کنوانسیون به تصویب رسید که در ماده ۲ آن بیان شده که «کانون‌های وکلای دادگستری به طور مستقل توسط وکلای دادگستری تشکیل می‌شوند که متضمن منافع، ارتقا و آموزش یکپارچه حرفه وکالت هستند». به همین دلیل است که ما اعتقاد داریم وکالت یک حرفه آزاد است و استقلال در امر وکالت ضمانتی در امر اجرای عدالت است که حفظ شأن و منزلت وکلا در این چارچوب به انضمام حفظ اسرار موکلین، بی‌غرض بودن و وفاداری از جمله نکات مهمی است که می‌تواند نهاد وکالت را در چشم مردم هر چه بیشتر، وزین جلوه دهد.

متأسفانه گاهی اوقات بر اثر برخی تبلیغات و عرف‌های سوء، دیدگاه خوبی درباره وکیل در جامعه وجود ندارد. برای تصحیح این نگاه به خصوص باتوجه به اقداماتی که از سوی نهاد وکالت درباره ایفای مسئولیت اجتماعی این نهاد انجام شده، چه اقداماتی باید انجام گیرد؟ به عبارت دیگر راهکارهای جنابعالی برای

می‌دهند. حتی دیده شده که هنوز هم با گذشت چندین و چند ماه و حتی چندین سال از آن پرونده، حق‌الزحمه ناچیز و کلاً پرداخت نشده است و حتی هزینه رفت و آمدهای خودشان را هم از جیبشان و شخصا پرداخت کرده‌اند.

باید دانست که در هر صنف و هر رشته‌ای ارائه خدمات در قبال دریافت هزینه آن است، اما با این وجود در صنف وکالت هر وکیل در سال سه بار می‌تواند به صورت رایگان پرونده قبول کند. با این تعبیر و توصیف باید گفت زمانی که یک پرونده به وکیل (اعم از تسخیری و معاضدتی) ارجاع می‌شود، با جان و دل آن را قبول می‌کند. بنابراین روابط عمومی کانون‌های وکلا می‌بایست این قبیل اقدامات را هرطور که شده در نظر عموم جامعه اصلاح کنند که این یک نقش مهم برای آنها به حساب می‌آید؛ چراکه اگر هم لازم باشد به این مسائل پاسخ داده شود، این روابط عمومی است که با آحاد مردم در ارتباط است و به نوعی باید پاسخگو و روشن‌گر باشد.

عمیق شدن روابط عمومی در پاسخ دادن به این شبهات به نوعی باعث می‌شود که مردم هم بدانند در عالم وکالت و کانون‌های وکلا چه خبر است. واقعیت این است که کانون‌های وکلا اصولاً خودگردان هستند و در واقع متکی به منابع عمومی جامعه نبوده و باری بر دوش کشور و بودجه آن به حساب نمی‌آیند و حتی یک ریال در خصوص فعالیت‌هایی که در کانون‌ها انجام می‌دهند، دریافت نمی‌کنند.

بحث مهم دیگری که برای روشن شدن اذهان عمومی باید موردنظر قرار گیرد این است که در مورد بیمه وکلا، بازنشستگی و حتی از کارافتادگی آنها هیچ کمکی توسط کانون‌های وکلا از دولت گرفته نمی‌شود. به این معنا که هرچه پرداخت می‌شود از وکلا و کانون‌ها گرفته می‌شود تا بتوانند بعد از ۳۰ سال بازنشستگی حقوق دریافت کنند، بنابراین هیچگونه کمکی از سوی نهادهای دولتی به کانون‌های وکلا صورت نمی‌گیرد.

با توجه به سابقه حضرت تعالی، امروز مهمترین چالش نهاد وکالت را چه موضوعاتی می‌بینید و برای رفع آن چه راهکارهایی را پیشنهاد می‌دهید؟

چندین مورد در این خصوص وجود دارد که در زمان بررسی برنامه ششم توسعه و در کمیسیون‌هایی که در سال ۱۳۹۴ دعوت شده

صالح اعتماد کرد تا آنها علاوه بر سعی و کوشش خود برای اجرای عدالت، بتوانند جامعه را تصحیح کنند. بدین جهت باز هم می‌گوییم که در تمام رشته‌ها و اصناف ممکن است انسان‌هایی وجود داشته باشند که دارای مشکلاتی باشند اما درست نیست که تمام آن صنف یا رشته را زیر سوال ببریم. حال آنکه درستی بسیاری از وکلا برای تمام جامعه ما اثبات شده است. به هر حال رابطه ضعیف قوای مقننه و قضائیه با کانون‌های وکلا ممکن است باعث شده باشد که این نگاه ایجاد شده باشد و به همین دلیل تنها راهکار برای گذار از این موضوع و ترمیم آن را باید همکاری و هم‌دلی مشترک قضاات و وکلا در امور محوله دانست.

معتمد که حکومت قانون یا به عبارتی دیگر حکمفرمایی قانون - حتی در تعریف و از حیث بین‌المللی آن - بنیاد شکل‌گیری یک جامعه به حساب می‌آید. در واقع می‌توان گفت که این اصل می‌تواند پایه‌گذار یک روند مشخص و شفاف باشد تا همگان بتوانند التزام به اصولی که باعث آزادی و حفاظت از حقوق دیگران می‌شود را نمایان و اجرایی کنند. فکر می‌کنم اقداماتی که در چارچوب حفاظت بنیادین از حقوق دیگران باید موردنظر قرار بگیرد می‌تواند یک اصل بنیادین باشد که تأکید بر حکومت قانون و اقتدار قانون اساسی را به عنوان قدرت اصلی نمایان می‌کند. فکر می‌کنم که تنها راه نظارت بر قدرت، صرفاً از حیث انتزاعی آن نیست بلکه با اجرای آن، این مهم به راحتی عملیاتی می‌شود تا در نهایت همگان پذیرش این معنا را داشته باشند که حاکمیت قانون بر همه چیز اولویت دارد ولی در این خصوص حتماً باید هر سه قوه با هم هماهنگی کامل داشته باشند.

نقش روابط عمومی‌های کانون‌های وکلا در تصحیح این نگاه را چطور ارزیابی می‌کنید؟

به نظر روابط عمومی‌ها در زدودن غبار از چهره وکلا و کانون‌ها نقش اساسی و مهمی را خواهند داشت و می‌تواند نگرانی‌های وکلا در مورد این طرز نگاه را رفع کند. زمانی که بنده در اداره معاضدت حضور داشتیم توانستیم این موضوع را به مردم بگوییم که وکلا هم در بحث معاضدتی و هم در بحث تسخیری بدون هیچ چشمداشتی خدمات رایگان به مردم ارائه



بودیم، خدمت معاون وزیر محترم دادگستری وقت اعلام کردیم اما به نتیجه‌ای که منتظر آن بودیم نرسیدیم.

این موارد چه موضوعاتی بود؟

بحث اول، اجباری شدن وکالت بود. ما بر اساس تجاربی که در خارج از ایران کسب کرده بودیم این موضوع را مطرح کردیم، چراکه در خارج کشورمان امر وکالت یک امر اجباری برای همگان به حساب می‌آید و خواستار اقدام قوه مقننه و قوه قضائیه در این خصوص بودیم.

بحث دوم، بیمه وکالت بود، به طوری که برای وکلا

و موکلینشان در صورت بروز خطای وکیل در مراحل دادرسی و بیمه منافع مالی که چنانچه یک وکیل حکم را دریافت کرده و وظیفه دارد که وجه مورد نظر را به حساب موکل واریز کند اما از این کار استنکاف کند، بیمه بتواند این رقم را پرداخت کند. البته در مورد بیمه وکالت، کارهای بسیار اندکی شد، اما فاصله زیادی با واقعیت و اصل و اساس کار دارد.

بحث سوم هم توانمندسازی حقوقی مدیران دستگاه‌های دولتی از سوی وکلا و کانون‌های وکلا است تا به آنها کمک شود که در روند اجرای وظایفشان بتوانند چالش‌های حقوقی را از سر بگذرانند.

مورد چهارم نیز نهادینه کردن آموزش حقوقی برای مردم بود. باور دارم که باید این موضوع مهم باز هم در دستور کار قرار گیرد و اجرایی شود. باید دید که وکلا را می‌بایست در کدام رشته کانالیزه و پرورش داد تا علاوه بر تخصص محور شدن وکلا، بتوان وکالت تخصصی هم ارائه کرد.

چالش‌های پیش‌روی وکلا و حتی فارغ‌التحصیلان رشته حقوق را چگونه دسته‌بندی می‌کنید؟



”

بر اساس تجاربی که در خارج از ایران کسب کرده بودیم این موضوع را مطرح کردیم که وکالت اجباری شود، چراکه در بیرون از کشورمان امر وکالت یک امر اجباری برای همگان به حساب می‌آید و خواستار اقدام قوه مقننه و قوه قضائیه در این خصوص بودیم

“

نخست، فکر می‌کنم که چالش وکلا ناشی از نوع دیدگاه سایر نهادها است. این مسئله باعث شده که این نهادها در امر قانونی تخصص نداشته باشند و ملزم به رعایت آن هم نباشند، همین مسئله امر وکالت را با تزلزل روبرو کرده است. بنابراین وجود سیاست‌های ناهماهنگ در بخش‌های مختلف کشور یکی از چالش‌های وکلا به حساب می‌آید.

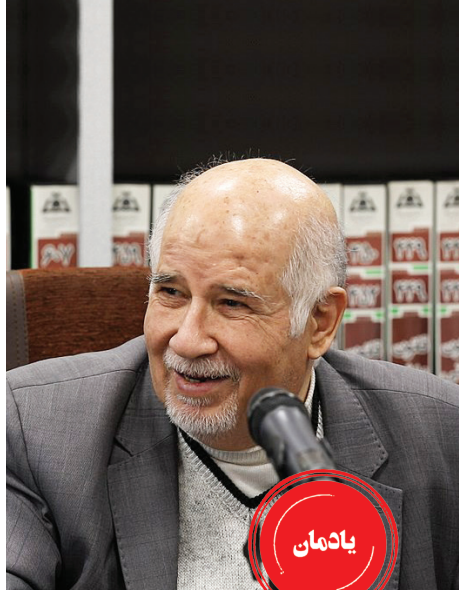
دوم، ایجاد نهاد موازی با نهاد وکالت است که نگرانی‌های جدی را به وجود آورده است. مسئله سوم، تعدد دانشکده‌های حقوق است که سیل فارغ‌التحصیلان این رشته را به راه انداخته‌اند.

به‌رحال فارغ‌التحصیلان نیز به دنبال کار هستند و این مسئله در نهایت بحث آموزش را هم با ناکامی مواجه می‌کند، چراکه برای تدریس در دانشکده‌هایی که در شهرهای کوچک تاسیس شده، هیچ استادی برای تدریس وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد، شاید نتواند سطح توقع علمی دانشجویان را برآورده کند.

و سخن پایانی...

امسال نیز مانند سال‌های گذشته سالروز استقلال کانون‌های وکلای دادگستری در روز هفتم اسفندماه گرامی داشته می‌شود اما امید دارم علاوه بر برگزاری بزرگداشت این روز توسط وکلا در هر استان، این اجلاس‌ها به توسعه امر وکالت بینجامد، به گونه‌ای که در راستای وضعیت کنونی نظام بین‌الملل، توسعه علم در مسیر جدید قرار گیرد و کانون‌ها هم نباید از این خط توسعه‌ای خارج بمانند.

بنابراین اگر همکاری کانون‌های وکلا با قوه قضائیه در قوه مجریه و مقننه هم رخ بدهد بدون شک برکات و آثار مثبتی به وجود خواهد آمد که قابل لمس خواهد بود.



به پاس بیش از ۴ دهه پژوهش
مرحوم دکتر سیدمحمد هاشمی

مجاهدت برای تنقیح حق عمومی در پرتو حقوق اساسی

«برای اصلاح و توسعه قانون

اساسی نیازمند ارتقای دانش

و فهم عمومی نسبت به

حقوق اساسی هستیم. امید به بهروزی

در سایه آگاهی است و مردم باید به

حقوق و تکالیف خود بیش از پیش آگاه

باشند تا مطالبه‌گرا نه و هدفمند بدون

لکنت و محنت، نیازهای واقعی بهروزی

خود و جامعه را شناخته و از حکمروایان

پاسخگویی بطلبند». این عبارت، بخشی

از سخنان مرحوم دکتر سیدمحمد

هاشمی در دیدار اعضای کمیسیون

حقوق بشر کانون وکلای مرکز به تاریخ

۱۶ آذر ۱۳۹۸ است که در عین سادگی،

پر از نکات ریز و درشت است.



بی‌ربط سخن نگفته‌ایم. مرحوم هاشمی به دلیل آنکه تحصیلات تکمیلی و دکتری خود را در فرانسه و در شاخه حقوق عمومی گذرانده بودند، از نزدیک بر اصول دموکراسی و همچنین مدل روابط مردم با حاکمیت و بالعکس که خود ستون فقرات و شاکله حقوق اساسی و عمومی را تشکیل می‌دهند، ناظر بوده‌اند و به همین دلیل است که ایشان را از تاثیرگذارترین اساتید در بحث حقوق عمومی می‌دانند. اشراف دکتر هاشمی بر این شاخه از علم حقوق باعث شد که علاوه بر ورود ایشان به مسائل حقوق اساسی، محورهای دیگری مانند حقوق بشر و حقوق کار هم در نقشه راه پژوهش‌های این استاد بنام حقوق قرار بگیرد؛ به گونه‌ای که در حقوق بشر و همچنین حقوق کار می‌توان به وضوح آثار مرحوم هاشمی را مشاهده کرد.

درهم تنیده شدن این تخصص‌ها که هر کدام بی‌ربط با حقوق عمومی نیستند، از ایشان یک مرجع بی‌انتها ساخت که اگر گذری به سخنانشان بزنیم می‌بینیم که یک مطالبه مشخص برای احقاق حقوق عامه نمایان می‌شود. به عنوان مثال ایشان صراحتاً به این موضوع اشاره کردند که «حقوق بشر بدون ضمانت و پشتوانه قوی تحقق‌پذیر نیست و قاعده‌گذاری‌های قانون اساسی باید زمینه تثبیت و تضمین حقوق ملت را هموار و راه را بر تعرض و تضعیف حقوق ملت مسدود کند». این سخنان دقیقاً همان تاکید مستقیم ایشان بر رعایت حقوق ملت و مراعات با آنها از ناحیه حاکمیت را نمایان می‌کند و در آنجا که ایشان می‌گویند «نظام حقوقی با ایتنا به نهادهای مستقل مدنی و حوزه عمومی غیردولتی باید ضامن حقوق شهروندان و حامی بی‌قید و شرط حقوق مردم باشد» در حقیقت اشاره مستقیم به نهاد وکالت دارند. بر همین اساس باید به این فهم رسید که مرحوم هاشمی را باید یک مجاهد واقعی در عرصه حقوق عمومی که ذات و بنیان آن را روابط دولت - ملت با یکدیگر و همچنین قوانین داخلی و ملی سر و شکل می‌دهد دانست؛ چراکه حقوق عمومی از جمله انشعاب‌های رشته حقوق است که درون خود فقط مسائل حقوقی محض ندارد، بلکه سیاست، اقتصاد و حتی جامعه‌شناسی سیاسی هم بخش اعظمی از آن را تشکیل می‌دهد و باید بر آن اشراف داشت. لذا در آینده به خوبی خواهیم فهمید که درگذشت دکتر هاشمی چه ضایعه‌ای برای جامعه حقوقی و سیاسی کشور و نهادهای درگیر در آن خواهد بود؛ چراکه جوهر بیش از ۴ دهه پژوهش حالا دیگر در بین ما نیست.

اینکه به این قسمت از سخنان مرحوم استاد هاشمی اشاره شد به این دلیل است که ایشان سال‌های سال در حوزه حقوق عمومی و حقوق اساسی در تحقیق و کنکاش بودند و اگر بگوییم که عمر خود را صرف پژوهش در این شاخه از علم حقوق کرده‌اند،





کانون‌های وکلا در عرصه عمومی غایب هستند

کامبیز نوروزی، حقوقدان و فعال رسانه‌ای
از فراز و فرودهای نهاد وکالت در ۷۰ سالگی‌اش می‌گوید:

پستی و بلندی‌های نهاد وکالت آن‌هم در هفتاد سالگی را نباید و نمی‌توان نادیده گرفت. بدون تردید وکالت صنفی است که از بی‌مهری زیادی رنج برده و می‌برد که بخشی از آن مرهون دیدگاه جامعه به این نهاد و جایگاه وکیل است و برخی دیگر به موضوعاتی مربوط است که پیش و پس از انقلاب در ایران مولفه‌های خاص خود را دارد.



رونق دارد و تقریباً بطور منظم ذخیره علمی حقوقی تولید می‌شود.

بر اساس این صحبت‌ها نهاد وکالت در این برهه زمانی یکی از نتایج تاسیس عدالتخانه به عنوان یکی از دستاوردهای انقلاب مشروطه است که به فاصله چند دهه بعد از برپایی نظام نوین دادگستری اتفاق افتاد. از طرفی، پایین بودن آمار دعاوی می‌تواند با جمعیت پایین ایران تا پیش از انقلاب برسد. در سال ۵۶ جمعیت ایران بالغ بر ۳۵ میلیون نفر است که حدود ۶۰ درصد روستایی هستند و ۴۰ درصد باقیمانده نیز شهری به‌شمار می‌آیند. در شهرهای کوچک نیز ساخت اجتماعی به‌گونه‌ای است که اغلب از نظر جامعه‌شناسی روستا شهر تلقی می‌شوند. به بیان دیگر با این ساختار جمعیت‌شناسی طبیعی است که آمار دعاوی و محاکم کم باشد؛ اما حتی اگر بپذیریم که شیوه مسلط فصل اختلاف، کدخدامنشی بوده باشد باز هم در آن زمان حاکمیت اقدام به تاسیس خانه‌های انصاف کرد و انتظار می‌رود این عمل به نحوی بر آمار که موضوع صحبت است تأثیرگذار باشد.

ورود به این موضوع شاید چندان به بحث این گفت‌وگو ارتباطی نداشته باشد اما به صورت مختصر در رابطه با تاسیس خانه‌های انصاف باید گفت که این طرح روی کاغذ خوب بود اما در عمل شکست خورده به حساب می‌آمد و نتوانست در نظام حل و فصل دعاوی روستایی اثرگذار باشد. یکی از مشکلات جامعه شناختی که در فرایند راه‌اندازی دادگستری در ایران وجود داشت این بود که نظام دادگستری در ایران عملاً و یکباره نظام سنتی حل و فصل دعاوی در جوامع روستایی و عشایری کشور را از بین برد و این مسئله باعث بی‌اعتمادی جامعه به نظام دادگستری شد.

به عنوان یک توضیح مختصر جا دارد بگویم که ایران یک جامعه کهن محسوب می‌شود؛ این را از این جهت نمی‌گوییم که کهن بودن به خودی خود موهبت و مزیت است. این تمدن با شهر سوخته بلوچستان یا تمدن جیرفت که به ۸ هزار سال می‌رسد به تنهایی مایه افتخار نیست. نکته مهم در این سابقه طولانی این است که جوامعی چنین کهن سرشار از انواع سنت‌ها و عرف‌های اجتماعی با ریشه‌های عمیق هستند؛ ریشه‌هایی عمیق در

بر همین اساس باید نهاد وکالت را در بطن جامعه و عموم مردم دانست؛ چراکه دادخواهی صرفاً امری شخص‌محور نیست و همگان را در برمی‌گیرد. بر همین اساس باید لایه‌های اجتماعی این موضوع را از یک‌سو و از سوی دیگر مدل‌های مواجهه اجتماع با نهاد وکالت و بالعکس را واکاوی کرد.

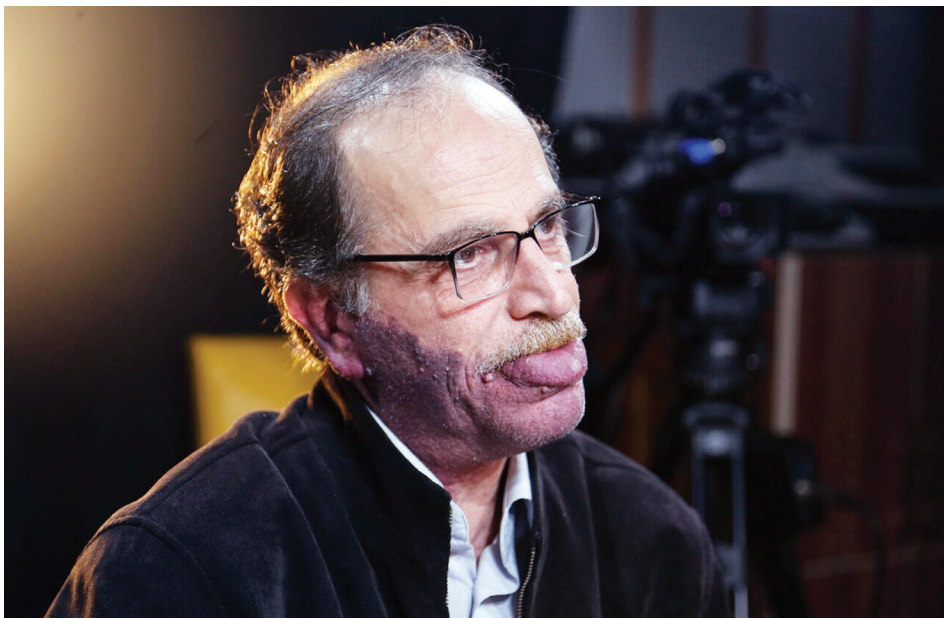
بر همین اساس به گفت‌وگو با کامبیز نوروزی، حقوق‌دان و فعال رسانه‌ای پرداختیم که متن گفت‌وگو از نظرثان می‌گذرد:

هفتم اسفند ماه ۱۴۰۱، نهاد وکالت هفتاد ساله می‌شود؛ در این هفت دهه نهاد وکالت چه تحولاتی را از سر گذارنده است و امروز نقش و رسالت آن چیست؟

اگر به صورت روند به ماجرا نگاه کنیم نهاد کانون وکلای دادگستری به تبع تحولات اجتماعی و سیاسی ایران تحت تأثیر قرار گرفته است. یک بخش از این تأثیر مثبت است و بخش دیگر منفی. در سال‌های پیش از انقلاب جامعه ایران نسبتاً آرام است. برنامه‌های توسعه آمرانه در جریان است، نارضایتی‌های سیاسی وجود دارد که در قالب مبارزات مختلف خودش را نشان می‌دهد. در این سال‌ها نهاد وکالت هنوز توسعه پیدا نکرده است. رجوع مردم به وکیل چندان زیاد نیست. آمار دعاوی خیلی بالا نیست. بسیاری از دعاوی با روش ریش‌سفیدی حل می‌شوند. در دادگستری تعداد شعب دادگاه‌ها زیاد نیستند. ورود به حرفه وکالت آسان است. هر کس که مدرک دانشگاهی در رشته حقوق داشته باشد می‌تواند بدون هرگونه آزمونی ثبت‌نام کند و بعد از طی دوره کارآموزی، وکیل شود.

در این دوره مداخله و فعالیت وکلا در امر عمومی خیلی محدود است. اگرچه در محاکمات سیاسی که یکی از مسائل برجسته اجتماعی - سیاسی بود گاهی وکلا اجازه مداخله داشتند، اما این مداخله محدود بود و اغلب اجازه نداشتند که با استقلال کامل از موکلان خود دفاع کنند. در همین دوران نیز ما کمتر نشانی از حضور وکلا در عرصه عمومی اثرگذاری در مسائل فکری - فرهنگی و سیاسی و اجتماعی کشور می‌بینیم. تعداد آدم‌هایی مثل حمید مصدق یا ناصر زرافشان یا امثال اینها که خود را درگیر مسائل و مشکلات زندگی اجتماعی می‌کنند بسیار ناچیز است. اما البته کتاب‌ها و نشریات حقوقی در این دوران





چندان با اقبال عمومی از بابت مراجعه مردم روبرو نیست.

پزشکی مدرن در ادامه پزشکی سنتی برای همه آشناست، اما نهاد مدرن دادگستری و به تبع آن نهاد مدرن تر وکالت نمی‌تواند این بینش را ترویج کند که برای مراجعه به دادگاه از متخصص آشنا به قانون یعنی همان وکیل کمک بگیرند تا در دادگاه برنده شوند. درک چنین مفهومی برای جامعه آن زمان، بسیار بسیار تازه و بیگانه است. حتی هم‌اکنون که در قرن پانزدهم خورشیدی هستیم هنوز بخشی از مردم به چنین گزاره‌ای باور ندارند. مثلاً همین حالا یک سرمایه‌گذار برای پروژه‌ای گران‌قیمت، بهترین مهندسان و کارشناسان را استخدام می‌کند اما برای عقد قراردادهای کارهای حقوقی همان پروژه حاضر نیست از کمک حقوقی یک وکیل یا مشاور حقوقی با تجربه و کارآمد استفاده کند. برای کارهای فنی پروژه از بهترین و گرانترین متخصص‌ها استفاده می‌کند ولی برای امور حقوقی‌اش یا به کسی رجوع نمی‌کند یا سراغ ارزانترین کارشناس بی‌تجربه‌ای می‌رود که از یک جایی یک مدرک حقوق گرفته است.

به هر حال بعد از انقلاب سال ۵۷ جامعه ایران تحولات زیادی را پشت سر گذاشت. از جمله این تحولات پویایی جدید بود که در امر اجتماع،

باورهای مردم، یکی از این سنت‌ها که در تمام فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های سراسر ایران وجود دارد، نظامات حل و فصل دعاوی است که به صورت‌های مختلف در ساختار سنتی سامان یافته‌اند.

وقتی دادگستری نوین در ایران تاسیس می‌شود به خودی خود اتفاق خوبی است، اما در این بین یک نکته وجود دارد. این نظام دادگستری مدرن به یکباره و خیلی سریع و ناگهانی نظامات سنتی موجود در جوامع مختلف کشور را که سابقه‌ای طولانی داشته و مورد اعتقاد و اعتماد مردم بود، انکار کرده و از بین می‌برد. این امر به نوعی به مقابله منفی بین جامعه و دادگستری منجر می‌شود، طوری که حتی مراجعه به دادگستری گاه ضد ارزش محسوب می‌شود.

نهاد مدرن وکالت از نتایج دادگستری مدرن و از محصولات مدرنیزاسیون ناقص و مغشوش و پرتضادی است که طی یک قرن اخیر در ایران رخ داد؛ مانند بسیاری از نهادهای مدرن دیگر در مجموع نتوانست در مناسبات اجتماعی ایران ریشه بدواند و مورد مراجعه عامه مردم باشد به خصوص اینکه در فرآیندهای تحولات و تغییرات اجتماعی نقشی فعال و مؤثر ایفا کند. هرچند در دو دهه اخیر اندکی این وضعیت بهبود پیدا کرده است؛ یعنی برعکس پزشکی که حرفه مدرن است،

دانشکده حقوق شوند اما در همین چارچوب همین جریان نادان بحث وکالت مدنی را مطرح کردند و اینکه مطابق با فقه هرکس می تواند وکیل دیگری شود و نیازی به حرفه وکالت دادگستری نیست. باز هم برخی وکلا و اساتید دانشگاه جلوی این تفکر کوتاه بین و منفعت طلبانه را گرفتند.

در سال های ابتدایی انقلاب مدیران جدید کانون وکلا وارد عرصه عمومی شدند و برای اولین بار در طول تاریخ این نهاد، سعی کردند مانند دیگر اصناف در مسائل اجتماعی مشارکت کنند. قطع نظر از اینکه مواضع آنها چقدر درست یا نادرست بود، این شیوه به مسئولان وقت به خصوص در قوه قضائیه گران آمد و همین باعث شد از آن سال ها تا سال ۷۶، همان طرز تفکر به مخالفتش با نهاد وکالت ادامه بدهد و اجازه برگزاری انتخابات کانون وکلا داده نشد و عملاً کانون توسط شخصی که از سوی قوه قضائیه انتخاب می شد، اداره شد. در طول همین مدت هم از ورود افراد تازه وارد به این حرفه جلوگیری شد. این کار ضربه بزرگی به توسعه نهاد وکالت وارد کرد.

خلاصه اینکه در این دوران، حاکمیت میانه خوبی با وکلای دادگستری نداشت و خیلی از اوقات مانع می شد تا وکلای دادگستری به فعالیت حرفه ای خود بپردازند. از این بابت هم لطمه به نهاد وکالت آمد. توسعه بی رویه دانشکده های حقوق نیز لطمه دیگری به نهاد وکالت وارد کرد. در دهه های ۷۰، ۸۰ و ۹۰ بر

اثر سیاست غلط فاجعه بار و منفعت طلبانه وزارت علوم در هر گوشه کشور دانشکده حقوق تاسیس شد، در حالی که کادر آموزشی و استاد مجرب به اندازه کافی وجود نداشت.

به موازات این اتفاق، قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری نیز در ابتدای دهه ۷۰ به تصویب رسید که طبق آن برای ورود به حرفه وکالت، اخذ آزمون ضروری شد و نیز نامزدهای هیأت مدیره کانون های وکلا باید مورد تایید حکومت

سیاست، فرهنگ و اقتصاد اتفاق افتاد. این پویایی می تواند ناشی از ازدیاد جمعیت و رشد مولید، موج جدید مهاجرت از شهر به روستا و تحولات دیگری مثل وقوع جنگ و... باشد و قطعاً موثر است؛ به ویژه تغییر رژیم سیاسی. این پویایی آثار متعددی برجای گذاشت. ساختار نظم اجتماعی دگرگون و برای مدتی طولانی حتی دچار تعلیق شد. از نتایج تعلیق نظم حقوقی و درهم ریختگی اصول و قواعد و مقررات نظم اجتماعی و نظم حقوقی افزایش دعاوی در دادگاه ها بود.

از سال ۶۳ تا به امروز میانگین رشد دعاوی در دادگستری ایران چیزی حدود ۳،۶ تا ۳،۸ درصد است، یعنی حدود ۲،۵ برابر میانگین نرخ رشد جمعیت. دلیل رشد این دعاوی خود مبحث مفصلی است. علاوه بر این، قوانین مهم زیادی دستخوش تغییر می شوند که بر مناسبات اجتماعی تاثیر می گذارند. مثل قانون مجازات اسلامی که تاکنون چندین و چند نوبت تغییر کرده است. قانون آیین دادرسی کیفری و مدنی هم بارها و بارها تغییر کردند و به درهم ریختن نظام دادگستری و رشد دعاوی در ایران کمک کردند. تغییرات اقتصادی، افزایش مهاجرت به شهرها، توسعه روستاها، توسعه ارتباطات، فسادها، سوءاستفاده های اشخاص، نرخ تورم و ... بر رشد دعاوی اثر گذاشته است.

این وضعیت عملاً زمینه های مستعد برای رشد دعاوی پدید می آورد و دادگستری را با مشکلات زیادی مواجه می کند. رشد دعاوی و توسعه

طبیعی فرهنگی به نوعی بازار حرفه وکالت را هم گرم تر می کند، اما در این بین مشکل دیگری هم رخ می دهد.

چه مشکلاتی؟

بعد از انقلاب فرهنگی، جریان های کوتاه فکری به فکر تعطیل کردن دانشکده حقوق افتادند و می گفتند با وجود فقه نیاز به رشته حقوق نیست. در همان زمان برخی اساتید دانشگاه با تلاش زیاد توانستند مانع از انحلال

برخی وکلا پیگیر نیستند و به جای دفاع و رفع اتهام دنبال تقاضای استرحام هستند و یا اینکه سواد حقوقی ندارند، چراکه در میان وکلای نیز مانند هر حرفه دیگری اشخاص باسواد و بی سواد، شجاع یا محافظه کار، پیگیر یا کاهل وجود دارد ولی مسئله این است که وکیل فرصت دفاع شجاعانه از موکل در محکمه داشته باشد





باشند، آن هم حکومتی که با نهاد وکالت زاویه دارد. در مجموع همه این اتفاقات به نهاد وکالت آسیب و لطمه زیادی زد.

در ادامه پرسش قبلی، آیا اخذ آزمون از متقاضیان کارآموزی وکالت و اخذ پروانه وکالت نمی‌تواند با توجه به کثرت متقاضیان ورود به این رشته عادی و منطقی تلقی شود؟

« در زمان تصویب قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری هنوز جمعیت دانشجویان حقوق آنقدر چشمگیر نبود. هدف کنترل نهاد وکالت بود. در ادامه این آزمون بحث گزینش هم مطرح بود. با این وصف حرفه وکالت و نهاد متبوع آن در سال‌های بعد از انقلاب هر قدر که بیشتر طرف مراجعه مردم شده است با محدودیت بیشتری از ناحیه حاکمیت روبرو شده است.

به نظر تان اقدامات صورت گرفته در جهت تضعیف نهاد وکالت چه بوده است؟

« بعد از انقلاب، تحولات اجتماعی به سمتی بود که در مخارج جاری مردم، هزینه‌های حقوقی و وکالت به صورت ثابت تعریف شد، چون روش‌های کدخدای منشی سابق وجود نداشت. این به رغم محدودیت‌هایی بود که از سوی حاکمیت

برای این حرفه وضع شد. در این سال‌ها نهاد وکالت توسعه کمی پیدا کرده است و این مدل توسعه، خواه ناخواه با خودش توسعه کیفی را به دنبال دارد. علاوه بر این توسعه اجتماعی و پویایی اجتماعی بر شدت پیچیدگی مناسبات حقوقی افزوده است و این اتفاق در نهایت بر ضرورت گرفتن کمک از وکیل و مشاور حقوقی چه برای حضور در دعاوی و چه برای گرفتن مشاوره می‌افزاید.

هنوز جامعه با پرداخت هزینه خدمات حقوقی کنار نیامده است و آن را سنگین می‌داند و ترجیح می‌دهند به طرق دیگری مسئله را حل کنند. تصور نمی‌کنم هزینه حق الوکاله سنگین باشد. این هزینه را می‌شود مانند هزینه‌های درمانی دید و اگر به عنوان یک ضرورت به آن نگاه شود اوضاع فرق می‌کند. علاوه بر این باید توجه شود که پرداخت حق الوکاله تدریجی است. البته بخشی از این جوسازی ناشی از همان رویکردی است که نگاه خوبی نسبت به وکالت ندارد و از هر فرصتی برای لطمه زدن به آن استفاده می‌کنند. این را هم نباید نادیده گرفت که با پیچیده شدن نظام اجتماعی، توسعه نظام آموزشی، توسعه فرهنگی، افزایش جمعیت شهری و عواملی دیگر به تدریج فرهنگ مراجعه به وکیل هم در بین مردم توسعه پیدا می‌کند.

می‌کند. به طور مثال در مورد شیوع بیماری‌های واگیردار فعالیت دارد و به مردم اطلاع‌رسانی می‌کند؛ اتفاقی که در دوره کرونا شاهد وقوع آن بودیم.

رشته حقوق با همه چیز سروکار دارد، از جنگل تا کودک کار، از خانواده تا چک بلامحل، از قتل عمد تا جرائم امنیتی و جرایم حوزه آموزش عالی.

همه این مسائل اجتماعی‌اند و بحث حقوقی دارند؛ از تجاوز به محیط زیست تا سوءاستفاده از کودک کار، از افزایش صدور چک بلا محل تا کلاهبرداری، از بحران‌های خانوادگی تا مسئله مهریه و ... اینها همه سوژه‌های حقوقی هستند. کانون وکلای دادگستری بزرگترین مجمع تحصیل‌کردگان رشته حقوق است. این ذخیره بزرگی است. چرا کانون‌های دادگستری در عرصه عمومی غایب هستند و حرف و سخنی در این موضوعات نمی‌بینیم و نمی‌شنویم؟ این فقط مربوط به مسائل سیاسی چند ماه اخیر نیست؛ موضوعات زیادی، به طور مثال بحث راهنمایی مردم در خرید و نقل و انتقال اموال. بحث تعرض به حریم جنگل و منابع طبیعی و ... ممکن است وکلایی به تنهایی در این زمینه‌ها فعالیت کنند و با حضور در عرصه عمومی چیزی بگویند یا بنویسند، اما کانون وکلای دادگستری اگر به این حوزه وارد شده و روشنگری کند بسیار حائز اهمیت است. مسائل قابل بحث برای کانون‌های وکلا فهرستی طولانی است. امروز کانون‌های وکلای دادگستری خود را از عرصه عمومی دور نگه داشته‌اند. این انفعال به تضعیف نهاد حرفه‌ای هم می‌انجامد.

کانون‌های وکلا و نیز اسکودا باید به این بخش از وظایف عمومی خود هم توجه کنند. بدون حضور در عرصه عمومی و بدون مشارکت فعال در زندگی عمومی، نهاد حرفه‌ای نمی‌تواند ثبات و استقلال خود را حفظ کند، زیرا اصولاً این نوع نهادهای حرفه‌ای، نهادهایی عمومی‌اند و عدم توجه به مسئولیت اجتماعی که بر عهده دارند موجب می‌شود کارکرد خود را از دست بدهند.

این موضوع در جریان وقایع چند ماه اخیر مطرح شد. اینکه محدودیت در انتخاب و حضور وکیل وجود دارد. برخی وکلا پیگیر نیستند و یا اینکه به جای دفاع و رفع اتهام دنبال تقاضای استرحام هستند و یا اینکه سواد حقوقی ندارند. در میان وکلا نیز مانند هر حرفه دیگری اشخاص باسواد و بی‌سواد، شجاع یا محافظه‌کار، پیگیر یا کاهل وجود دارد. مسئله این است که وکیل فرصت دفاع شجاعانه از موکل در محکمه داشته باشد. وظیفه وکیل خودنمایی نیست، دفاع از حقوق موکل است. موارد زیادی شنیدیم که وکیل قصد دفاع تمام عیار در محاکم دارد اما با برخورد منفی رئیس دادگاه مواجه شده و موفق به دفاع نمی‌شود. به عنوان مثال در محکمه‌ای که در یک جلسه حکم سنگین محاربه می‌دهند، وکیل کاری نمی‌تواند بکند. البته سوای بحث سواد و اطلاع، جسارت وکیل هم مهم بوده که برخی ندارند اما بحث این است که وکیل در امنیت و آرامش بتواند از موکلش به طور کامل دفاع کند.

در مورد مسئولیت اجتماعی نهاد وکالت و اینکه جایگاه آن در جامعه چقدر نیاز به تحکیم دارد چه نظری دارید؟

در درون حرفه وکالت هم یک نقیصه هست و آن به حوزه مسئولیت اجتماعی نهاد وکالت مربوط است. یک شاخه وکالت دفاع از موکل در امور کیفری و حقوقی است. این جنبه فردی کار وکالت است، اما نهاد صنفی وکالت مسئولیت اجتماعی و عمومی هم برعهده

دارند. پرسش مهم این است که کانون‌های وکلای دادگستری تا چه اندازه در عرصه عمومی مشارکت دارند و برای خود مسئولیت اجتماعی قائل هستند. اینجا ضعف مهمی وجود دارد. کانون وکلا از نظر شرح وظایف شبیه سازمان نظام پزشکی است. این سازمان علاوه بر مسئولیتی که در رابطه با صدور پروانه پزشکان و رسیدگی به تخلفات آنها و امثال این امور دارد کارهای اجتماعی هم

کانون وکلای دادگستری بزرگترین مجمع تحصیل‌کردگان رشته حقوق است. این ذخیره بزرگی است. چرا کانون‌های وکلا در عرصه عمومی غایب هستند و حرف و سخنی در این موضوعات نمی‌بینیم و نمی‌شنویم؟ این فقط مربوط به مسائل سیاسی چند ماه اخیر نیست؛ موضوعات زیادند





وکیل ضامن برقراری حاکمیت قانون در جامعه است

عباس عبدی، پژوهشگر اجتماعی و روزنامه‌نگار

پانید فاضلیان

هفتاد سال بعد از استقلال قانون وکلای دادگستری، مسئولیت اجتماعی و وظایف نهاد وکالت چیست؟ با توجه به وقایع چند ماه گذشته آیا نهاد وکالت می‌تواند به رسالت قانونی خود یعنی دفاع از حقوق شهروندان عمل کند؟ حاکمیت تا چه اندازه قانون وکلای دادگستری را رودرروی خود می‌داند؟ مردم تا چه اندازه به تخصص وکلای نیاز دارند؟

عباس عبدی، پژوهشگر اجتماعی برای هر کدام از این پرسش‌ها، پاسخی دارد.



کارکرد و نقش نهاد وکالت به نسبت هفتاد سالی که از تاسیس آن می‌گذرد چه تغییری داشته است؟

«کار وکیل دادگستری این است که از حاکمیت قانون دفاع کند. این مسئولیتی است که به‌رغم همه تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، در هفتاد سال گذشته ثابت مانده است. دفاع وکیل از حاکمیت قانون، یعنی دفاع تمام و کمال قانونی از حقوق موکل، خواه در مقام شاکی یا متشاکی، خواهان یا خواننده؛ وکلای دادگستری تا به امروز این وظیفه را برعهده داشته‌اند و تا ابد این مسئولیت برعهده آنها خواهد بود. فقط از این طریق است که حاکمیت قانون معنا می‌شود. بنابراین ذات نقش و کارکرد نهاد وکالت هنوز بعد از گذشت هفتاد سال همچنان ثابت است و تغییری نکرده است. جامعه از وکیل دادگستری

و نهاد وکالت انتظار داشته و دارد تا فارغ از شخصیت حقوقی موکل، پاسدار حقوق قانونی او باشند. این نقش محوری وکیل دادگستری و نهاد وکالت است اما به موازات این نقش، نقش دیگری هم از دیرباز وجود دارد. جامعه انتظار دارد تا وکیل ضمن جلوگیری از تعرض احتمالی به حقوق موکل، قانون معیوب را نیز برای اصلاح شناسایی کند؛ در واقع وکیل دادگستری خوب، حین دفاع از حقوق موکلش متوجه نقض‌های احتمالی قوانین خواهد شد، اعلان این نواقص و تلاش برای اصلاح مقررات معیوب و نزدیک شدن حقوق به عدالت، ممکن است از سوی حکومت به تقابل و ضدیت سیاسی تعبیر شود، اتفاقی که چندان تازگی ندارد اما همین پیگیری هم بخشی از رسالت اجتماعی نهاد وکالت محسوب می‌شود.

با توجه به رخدادهای چند ماه گذشته،

مهمترین چالش کانون وکلای دادگستری در میانجی‌گری میان مردم و حاکمیت چیست؟

«مواجهه کانون وکلا با وقایع چند ماه اخیر، اتفاق تازه‌ای نیست، این ماجراها در ادامه رخدادهایی است که در سال‌های گذشته حسب موقعیت‌هایی به‌وجود آمده و اکنون نیز جامعه با آن روبرو شده است. تنها تفاوت میان وقایع چند ماه اخیر با اتفاقات پیشین آن است شکل برجسته‌تر و متراکم‌تری پیدا کرده‌اند. در این مواقع موارد نقض و ابهام قانونی مرتبط با چارچوب‌های فعالیت وکلای دادگستری از طرف نهادهای قانونی مرتبط با آنها بیشتر به چشم می‌آید، در حالی که انتظار جامعه این است این وضعیت اصلاح شود، ولی حاکمیت چنین نظری ندارد و اصرار بر اصلاح و برقراری قانون را تقابل با خود تعبیر می‌کند. وکیل به واسطه برعهده داشتن

وظیفه دفاع از حقوق موکل، ضامن برقراری حاکمیت قانون در جامعه است، حالا در شرایطی مثل آنچه که در این چند ماه شاهد آن بودیم، نوعی اخلال در ایفای نقش قانونی و مسئولیت اجتماعی وکلای دادگستری به وجود می‌آید؛ حکومت بیشتر از گذشته در تقابل با وکلا و نهاد صنفی آنها قرار می‌گیرد. این وضعیت در نهایت به سیاسی شدن فعالیت وکلا تعبیر می‌شود در حالی که ذات حرفه وکالت هیچ سنخیتی با فعالیت و مبارزه سیاسی ندارد. اصولاً این اتفاق و برداشت زمانی رخ می‌دهد که بستر قانونی برای دفاع حقوقی مسدود و برداشته شود. کار وکلا این نیست که وارد حرفه سیاست شوند. کارشان مبارزه با حکومت نیست، مگر اینکه نقض قانون به گونه‌ای باشد که کارکرد حرفه وکالت را دچار اختلال کند. اگر این شرایط باشد دیگر نهاد وکالت کارکرد ندارد. در

مواجهه کانون وکلا با وقایع چند ماه اخیر، اتفاق تازه‌ای نیست، این ماجراها در ادامه رخدادهای قبلی است. تنها تفاوت میان وقایع چند ماه اخیر با اتفاقات پیشین آن است شکل برجسته‌تر و متراکم‌تری پیدا کرده‌اند. در این مواقع موارد نقض و ابهام قانونی مرتبط با چارچوب‌های فعالیت وکلای دادگستری از طرف نهادهای قانونی مرتبط با آنها بیشتر به چشم می‌آید، در حالی که انتظار جامعه این است این وضعیت اصلاح شود، ولی حاکمیت چنین نظری ندارد و اصرار بر اصلاح و برقراری قانون را تقابل با خود تعبیر می‌کند



”



**جامعه از وکیل دادگستری و
نهاد وکالت انتظار دارد تا ضمن
جلوگیری از تعرض احتمالی به
حقوق موکل، قانون معیوب را
نیز برای اصلاح شناسایی کند**

“

بدو ایجاد رابطه و عقد قرارداد شاهد رجوع مردم به وکلا و مشاوره گرفتن از آنها هستیم. در حقیقت معتقدم که در ایران مردم کمتر بابت بهینه‌سازی روابط اجتماعی خود هزینه می‌کنند. کمک گرفتن از مشاوره حقوقی پیش از بروز اختلاف تنها یک نمونه است، حتی در مرحله بروز اختلاف هم نهایت تلاش افراد درگیر آن است تا بدون کمک گرفتن از وکلا، این مشکل را حل کنند. در این اوضاع اساسا کار خاصی از وکلای دادگستری بر نمی‌آید الا آنکه با دستاویز قرار دادن یک ماده قانونی یا

یک بند از قرارداد منعقد شده، از حقوق موکلان خود دفاع کنند. به این شرایط اگر پدیده فساد را هم اضافه کنیم، دور از انتظار نیست که بخشی از جامعه، حرفه وکالت را نوعی تردستی تلقی کنند، البته که این ویژگی یک جامعه سالم نیست اما در سایه این اوضاع شاهد چنین نگرش‌هایی در جامعه هستیم.

به صورت مشخص وقایع اخیر این ظن را تقویت کرد که بخشی از حاکمیت در بزنگاه اجتماعی با دید غیر خودی به نهاد وکالت نگاه می‌کند. آیا امکان اصلاح این نگرش وجود دارد؟

« قبل‌تر هم گفتیم که تلاش وکلا و نهاد صنفی آنها برای برقراری حاکمیت قانون از طریق دفاع از حقوق موکل همیشه خوشایند بخشی از حاکمیت نیست، این وضعیت تا زمانی که حکومت ما رابطه خود را با حاکمیت قانون روشن نکند، ادامه خواهد داشت.

اصرار به برقراری حاکمیت قانون در نهایت به سود حاکمیت تمام می‌شود، اما اصلاح این شرایط به اراده حاکمیت بستگی دارد. نمونه بارزی که در همین جریان‌ات اخیر شاهدش بودیم، محدودیت‌هایی است که برای حضور وکیل پیش و حتی پس از تشکیل دادگاه به وجود آمده است، واقعیت اینکه دلیل این کار منطقی نیست اما آنچه اتفاق افتاده است تشدید بی‌مورد این فضای تقابل و خودی و ناخودی کردن وکلا است.

ماجرای اخیر موارد نقض قانون و ابهام در اجرای قانون مشهود است. وکلا ناخواسته در شرایط متفاوت از چارچوب عادی وکالت هستند و این معترض می‌شوند و این ممکن است از منظر حکومت فعالیت سیاسی تعبیر شود در حالی که چنین نیست.

نقش و مسئولیت اجتماعی نهاد وکالت در مواجهه با این شرایط چیست؟

« وکیل هم مانند پزشک، مهندس، روزنامه‌نگار، بازرگان، کارگر، دانشجو یا کارمند، قبل از اینکه در جامعه ایفاگر نقشی باشد، یک شهروند است.

مهم این است که صاحبان هر کدام از این نقش‌ها در حوزه اجتماعی به وظایف شهروندی خود مقید باشند. ولی اضافه بر آن و به صورت مشخص وظیفه نهاد وکالت در چنین موقعیتی کمک به برقراری حاکمیت قانون و جلوگیری از نقض آن است. این مهم با تلاش برای تصویب قانون بهتر و زدودن قوانین ناکارآمد اتفاق می‌افتد. برای نمونه در جریان همین وقایع اخیر وکلایی چون آقای برهانی فعالیت بسیار موثری داشتند که البته غیر از نقد حقوقی وضع موجود نبود، فعالیتی در چارچوب وظیفه اجتماعی که می‌توان برای یک وکیل دادگستری متصور شد و در عین حال انتظار می‌رفت که خوشایند جریانی در حاکمیت هم نباشد.

جدای از اتفاقات اخیر، بخشی از جامعه ایران از دیرباز نگرش مثبتی نسبت به وکلا نداشته و ندارد، البته این بخش از جامعه تقریبا مشابه چنین دیدگاهی را نسبت به پزشکان نیز دارد. ریشه‌های این نگرش و باور چیست؟

« به صورت مشخص در مورد حرفه وکالت چند عنصر هست که باعث می‌شود، جایگاه این حرفه در نزد افکار عمومی متزلزل شود. یک عامل تفاوت فرهنگی و سبک زندگی ایران با کشورهای پیشرفته است. در ایران هنوز رجوع به وکیل بعد از وقوع اختلاف و دعوا اتفاق می‌افتد در حالی که در کشورهای دیگر از همان



به یاد مرحوم بهمن کشاورز

مدافع استقلال و پاسخگو به رسانه!

ناگفته نماند که برخی از اصحاب رسانه وقتی برای اولین بار با رئیس اسبق اسکودا مصاحبه می‌کردند و مدل الفاظ و سخنان مرحوم کشاورز را می‌شنیدند لبشان به خنده باز می‌شد و متعجب بودند در این عصر که همگان (اعم از مسئول و مردم) از الفاظ عامیانه یا به قول برخی‌ها «واژه‌های کفِ خیابانی» استفاده می‌کنند، چگونه یک انسان آن‌هم در پشت تلفن و بدون هماهنگی قبل از مصاحبه اینچنین مسلط سخن می‌گوید و جزئیات را در کلیات دفن نمی‌کند و با آغوش باز پاسخگوی رسانه‌ها است!

این نکات شاید برای وکلا و حقوق‌خوان‌ها چندان مهم نباشد یا به سادگی از کنار آن گذر کنند، اما واقعیت غیرقابل انکار این بود که همین تسلط مرحوم کشاورز بود که او را در میان وکلا و چهره‌های نام‌آشنای عالم حقوق متمایز می‌کرد. سند این ادعا را هم می‌توان در دست‌نوشته‌های ایشان که در سایت بنیاد بهمن کشاورز قرار داده شده، مشاهده کرد. این نظم و انضباط را هم می‌توان در نوع پوشش ایشان مشاهده کرد و تمام این جزئیات نشان از دقت نظر شخصی دارد که در خانواده‌ای حقوقی و آشنا با قلم و فرهنگ به دنیا آمده است.

امروز اگرچه مرحوم کشاورز در بین ما نیست، اما پیوسته تأکیدات او در مورد استقلال نهاد وکالت در گوشمان طنین‌انداز است و البته یادگاری به نام اسکودا؛ هر چند ایشان معتقد بود که در این راه تنها نبوده و جرقه تاسیس اتحادیه را مرحوم محمدی از کانون گیلان زدند و در واقع کانون گیلان در این مسئله پیش‌قدم بوده است. حال با طی شدن بیش از سه سال از درگذشت مرحوم بهمن کشاورز، نهاد وکالت همچنان به مدافعانی مانند او برای تعمیق استقلال خود، نیاز دارد.

«نقطه سر خط». این سه کلمه را خبرنگارانی که سال‌های سال در حوزه حقوقی و قضایی حضور داشتند، بارها و بارها شنیده‌اند، اما نه از سوی سیاست‌مداران، اقتصاددان‌ها و اساتید ادبیات، بلکه از زبان وکیل مدافعی که جای خالی‌اش این روزها و به خصوص در ۷۰ سالگی استقلال کانون وکلا به شدت احساس می‌شود.



آری، آنان که در کسوت خبرنگار حقوقی با مرحوم استاد «بهمن کشاورز» به صورت تلفنی مصاحبه کرده بودند، خوب به یاد دارند ایشان زمانی که به انتهای پاراگراف خود می‌رسیدند از لفظ «نقطه سر خط» استفاده می‌کردند که این شگرد در اصل دو فایده برای مصاحبه‌کننده داشت؛ نخست اینکه خبرنگار می‌دانست که مبحث مطروحه از سوی این وکیل کهنه‌کار به انتها رسیده و باید به خط بعدی بیاورد تا متن از انسجام نیفتد و توالی تشریح و تحلیل حقوقی ایشان از خط اصلی خارج نشود. دوم، ساده‌سازی روند مصاحبه و سپس ویرایش نهایی بود که باعث می‌شد خبرنگار یا روزنامه‌نگار وقت کمتری را برای تصحیح یا یکپارچگی مصاحبه با ایشان صرف کند.

این روش کار مرحوم کشاورز در مصاحبه‌هایشان البته یک اقدام مفید یا به قول امروزی‌ها «دو سر بُرد» به حساب می‌آید؛ چراکه این روش در باب اول باعث تسریع روند پیاده‌سازی نهایی مصاحبه توسط خبرنگار می‌شد و در باب دوم باعث می‌شد که مرحوم کشاورز هم زمانی که متن را دریافت می‌کرد، وقت چندانی روی تنظیم بدیهیات یا جمله‌بندی‌ها نگذارد و در نهایت به دلیل مشغله کاری که داشتند بر محتوای متن متمرکز شوند.





حق دفاع و وکالت لازمه عدالت اجتماعی

نگاهی بر آثار استقلال قانون وکلا به بهانه هفتم اسفند

فرشاد گلزاری

بدون شک در سراسر گیتی، روزها، ساعات و حتی دقایقی وجود داشته‌اند که تحولاتی رقم خورده و بعدها این رویدادها به بخشی از تاریخ ملل تبدیل شده است. تردیدی وجود ندارد که خلق یک واقعه برای برخی‌ها خوشایند و برای طیف دیگر نامیمون است و در این روند مثال‌های فراوانی را می‌توان در سراسر عالم مورد اشاره قرار داد و آنها را فهرست‌وار مکتوب کرد.

مخالفانی دارد که تعداد آن بی‌شمار است و البته در میان این مخالفان کسانی هم حضور دارند که با وجود اینکه وکیل نیستند، اما از استقلال کانون وکلا که میراث دکتر محمد مصدق از سال ۱۳۳۱ خورشیدی برای جامعه حقوقی و وکلا به شمار می‌رود، تمام‌قد دفاع می‌کنند. دلیل این دفاع هم مشخص است. استقلال نهاد وکالت که امروزه به‌زعم بسیاری از وکلا مورد بی‌مهری قرار گرفته و از بطن آن، تفسیرهای متناقض و بعضاً تفسیر به رأی بیرون آمده، شاید از حیث شکلی صرفاً یک رویداد مهم برای حقوقدان‌ها، وکلا و برخی از قضات شریف دستگاه قضا به‌شمار آید، اما نباید از یاد ببریم که استقلال کانون وکلای دادگستری که حالا نظاره‌گر هفتادمین سالگرد آن هستیم، از منظر ماهوی دارای خیر و برکات برای عموم مردم بوده و حتی از ایجاد «آنومی» جلوگیری کرده است.

نخست خودمان و سپس دیگران را باید به این درک برسانیم که اساساً نهاد وکالت یا کانون‌های وکلا برخلاف آنچه که متأسفانه در ادوار مختلف و در رسانه‌ها و مطبوعات به سمع و نظر مردم رسیده، صرفاً یک گمده یا نهاد خصوصی نیست که عده‌ای دور یکدیگر نشسته باشند و با صرف چای و کیک امورات خود را به سر منزل مقصود برسانند و ندانند که در جامعه چه می‌گذرد. امر وکالت ذاتاً یک عمل و ماهیت مدنی و اجتماعی به حساب می‌آید که هدایت‌کننده آن را باید وکلا دانست؛ وکلایی که اگر همین امروز به سراغ آنها بروید، نه تنها از ملامت‌هایی که در طول خدمتشان از برخورد‌های ناصوابی که این روزها با آنها در عدلیه صورت می‌گیرد هم گله‌مند هستند، به همین جهت است که باید گفت استقلال کانون وکلا و نهاد وکالت را نباید از دریچه تفسیر مضیق دید و آن را صرفاً مربوط به جامعه وکلا، عالم حقوق و حقوقدان‌ها دانست، بلکه تظلم‌خواهی و دفاع از مظلوم دقیقاً در بطن این موضوع جای گرفته است که تمام آن را مدیون کسانی هستیم که در راه

به عنوان نمونه، واقعه‌ای مانند فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ابتدای دهه ۹۰ میلادی یکی از همین وقایع است که نظم سیاسی، امنیتی و حتی اقتصادی جهان را دستخوش تغییر قرار داد اما قبل از این امر، یک اتفاق دیگری رخ داده بود. همگان به یاد دارند که ۹ نوامبر ۱۹۸۹ پرده آهنین یا همان «دیوار برلین» فرو ریخت؛ نقطه عطفی که در تاریخ وقایع جهان به عنوان نماد «استقلال و آزادی» ثبت شد و هر ساله هم یاد آن را گرامی می‌دارند. اینکه دیوار برلین پس از حدود ۲۸ سال (۱۹۶۱ - ۱۹۸۹) فرو می‌ریزد، صرفاً یک خروجی بین‌المللی از خود به عنوان یک نماد سیاسی - اجتماعی بر جای نمی‌گذارد، بلکه این موضوع در آلمان هم نقطه عطف به حساب می‌آید و موجب اتحاد دوباره این کشور شد.

به تعبیر برخی از اندیشمندان، فروریزش دیوار برلین توانست مرزهای استقلال را دوباره در اذهان عمومی جهان برجسته کند و به یاد همه بیاورد که استقلال هزینه دارد. نمونه‌های بسیاری از این مدل در دنیا وجود دارد که قصد نداریم در این نوشتار بدان اشاره کنیم و حال اگر به صدر مطلب پیش‌رو بازگردیم و بخواهیم درباره تاریخ صحبت کنیم، بی‌تردید در کشور ما هم روزهایی وجود دارند که تا ابد در کالبد ایران زمین باقی خواهد ماند.

استقلال کانون وکلا چرا حائز اهمیت است؟

هفتم اسفند ماه بدون اغماض یکی از این روزها به‌شمار می‌رود. شاید بسیاری از کسانی که این نوشتار را می‌خوانند ولی در کسوت شریف وکالت مشغول به کار نیستند به این مساله اشاره کنند که برجسته کردن روز استقلال کانون وکلا و استقلال وکیل، صرفاً برای حاضران در این صنف اهمیت دارد و صرفاً کسانی که ردای وکالت بر تن دارند از وقوع چنین رویدادی که هر ساله آن را در هفته اول اسفند ماه گرامی می‌دارند شاد و مسرور هستند. این تحلیل و نوع نگاه،

استقلال نهاد وکالت که امروزه به‌زعم بسیاری از وکلا مورد بی‌مهری قرار گرفته و از بطن آن، تفسیرهای متناقض و بعضاً تفسیر به رأی بیرون آمده، شاید از حیث شکلی صرفاً یک رویداد مهم برای حقوقدان‌ها، وکلا و برخی از قضات شریف دستگاه قضا به‌شمار آید، اما نباید از یاد ببریم که این مهم از منظر ماهوی دارای خیر و برکات برای عموم مردم بوده است





بعد از تصویب لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری در هفتم اسفند ماه ۱۳۳۱، دکتر مصدق اولین اعضای هیئت مدیره کانون وکلا را در ۲۱ اسفند همان سال تعیین کردند. این افراد عبارت بودند از سیدهاشم وکیل (رئیس کانون وکلا)، ارسلان خلعتبری و ابوالفضل لسانی (نواب رئیس)، محمود سرشار و محمد شاهکار (بازرسان کانون وکلا)، محمد نونهال نهرانی و عباس نراقی (منشی‌ها) که از میان آنها مرحوم سیدهاشم وکیل تا سال ۱۳۴۹ ریاست کانون

وکلا را بر عهده داشت و سپس دکتر متین دفتری، ریاست کانون را به عهده گرفت. دیری نپایید که وزارت دادگستری انتخابات هیئت مدیره کانون را غیرقانونی اعلام کرد. اعتراض مخالفان به ریاست دکتر متین دفتری این بود که مطابق ماده ۱۸ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا مصوب ۱۳۳۴، رئیس کانون باید دارای ۲۰ سال سابقه وکالت درجه اول دادگستری باشد و سن او نباید کمتر از ۵۰ سال باشد. این در حالی بود که دکتر متین دفتری به دلیل آنکه پروانه وکالت خود را در سال ۱۳۳۴ دریافت کرده بود،

**اینکه دکتر مصدق پرچم‌دار
ماجرای استقلال کانون وکلا به
حساب می‌آید، هیچ‌شکی رابه
دل راه نمی‌دهد اما باید دانست
که در این مسیر اشخاص و
چهره‌های زیادی تلاش کردند و
ملامت کشیدند تا آنچه امروز
به عنوان کانون‌های وکلای
دادگستری از آنها نام برده
می‌شود، پدید آید**

استقلال کانون وکلا سینه چاک بودند و عرق ریختند تا این مهم به سرانجام برسد.

اینکه دکتر مصدق پرچم‌دار ماجرای استقلال کانون وکلا به حساب می‌آید، هیچ‌شکی را به دل راه نمی‌دهد اما باید دانست که در این مسیر اشخاص و چهره‌های زیادی تلاش کردند و ملامت کشیدند تا آنچه امروز به عنوان کانون‌های وکلای دادگستری از آنها نام برده می‌شود، پدید بیاید.

در سال ۱۳۰۶ تشکیلات جدید دادگستری توسط

مرحوم علی‌اکبر داور (معروف به میرزا علی‌اکبر مدعی‌العموم) احیا شد و سپس در سال ۱۳۰۹ برای اولین بار در زمان ایشان کانون وکلا تشکیل شد و مرحوم داور هم به پیشنهاد وکلای وقت، برای مدت کوتاهی ریاست کانون وکلا را بر عهده گرفتند. در آن مقطع که علی‌اکبر داور وزیر عدلیه بود ۶ نفر را از مجمع رسمی وکلا به این وزارتخانه دعوت کرد که حاصل آن تشکیل یک کمیسیون ۶ نفره شد که متشکل بود از سیدهاشم وکیل، احمد شریعت، حسینعلی نقیب‌زاده، قوام‌الدین مجیدی، جلال‌الدین نهبانندی و علی‌اصغر گرگانی.

بعد از انقلاب اسلامی برگزار شد و در نهایت آقای محمد جندقی کرمانی پور به عنوان رئیس کانون وکلا انتخاب شد.

استقلال وکالت، لازمه اجرای عدالت اجتماعی

گذر از کنار تاریخ عزل و نصب‌های صورت گرفته در کانون وکلا و به صورت کلی تحولات شکلی که در این نهاد صورت گرفته سخت است، اما در این مسیر باید متوجه بود آنچه که اهمیت پیدا می‌کند و امروزه با توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی و به خصوص اقتصادی کشور بیش از پیش بروز و ظهور دارد، رفع موانع موجود برای انجام وظیفه وکلا در کسوت دفاع است.

در بسیاری از متونی که درباره روز وکیل یا سالروز استقلال نهاد وکالت نگاشته شده، نویسندگان اغلب به سال‌های ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ بازمی‌گردند و متن قانون و نظام‌نامه وکالت در این دو سال را مورد اشاره قرار می‌دهند که امری طبیعی، علمی و درست است، اما آنچه در این میان باید مورد تفسیر قرار بگیرد این است که چرا طی بیش از هفت دهه، همچنان بر استقلال نهاد وکالت پافشاری می‌شود؟

واقعیت غیرقابل کتمان این است که استقلال دستگاه قضا، استقلال قاضی، استقلال کانون وکلا و استقلال وکیل، چهار ضلع عدل و داد به حساب می‌آید که هم از نظر ظاهری و هم از منظر معنایی و باطنی به یکدیگر متصل و مربوط هستند. اینکه یک وکیل و نهاد وکالت که وکلا را در بر می‌گیرد مستقلاً بتواند مسئولیتی که بر دوش آنها نهاده شده را به نحو

احسن انجام دهد، بدون شک موجبات تعالی نظام و دستگاه قضایی را فراهم می‌کند و این دقیقاً همان اصولی است که در تشریح برقراری دموکراسی هم مورد اشاره قرار گرفته است؛ به عنوان مثال سلامت قضایی یکی از مسائلی است که در برقراری نظم و دموکراسی همیشه مدنظر بوده و گویای این مهم است که نمی‌توان رابطه میان استقلال وکیل و نهاد وکالت را بی‌ربط با

فاقد ۲۰ سال سابقه وکالت بود و در نهایت مجدداً انتخابات هیئت مدیره در آذر ماه سال ۱۳۴۹ برگزار شد و مرحوم جلالی نایینی به عنوان رئیس کانون وکلا انتخاب شد که بر اساس مستندات موجود، دوره ریاست ایشان به دلیل حضور وی و جمعی از وکلا در مجمع اتحادیه جهانی وکلای دادگستری مونیخ (آلمان) در سال ۱۳۵۴ و همچنین کنگره اتحادیه بین‌المللی وکلای دعاوی در پاریس در سال ۱۳۵۶ را باید نقطه عطفی در تاریخ ریاست کانون وکلا دانست؛ چراکه باب مطرح شدن نام کانون وکلای ایران در جامعه ملل باز شد. پس از ایشان، در ۲۰ خرداد ۱۳۵۷ و پس از برگزاری دور نوزدهم انتخابات کانون وکلا، حسن نزیه برای ریاست این کانون انتخاب شد ولی وی به دلیل عدم شرکت در جلسات هیئت مدیره، برکنار و عبدالحمید اردلان جانشین وی شد.

این روند به خصوص تا سال ۱۳۵۷ بر همین منوال پیش رفت اما پس از انقلاب اسلامی تا حد زیادی دستخوش تغییر قرار گرفت؛ تا جایی که علاوه بر تصفیه و پاکسازی کانون وکلا، بحث اخراج کانون از کاخ دادگستری مطرح شد و در نهایت در سال ۱۳۶۰ و به موجب حکم شورای عالی قضایی، به کانون وکلا دستور داده شد که ساختمان محل استقرار خود را تخلیه و آن را تحویل دادگستری دهد. پس از آن هم در سال ۱۳۶۱ طی حکمی از سوی آیت‌الله محمدی گیلانی (ریاست وقت دادگاه‌های انقلاب اسلامی) و اسدالله لاجوردی (دادستان انقلاب)، احمد خواجه‌وی به سمت مدیر موقت کانون وکلا منصوب شد و ایشان را باید اولین رئیس انتصابی کانون وکلا پس از انقلاب دانست.

در این مسیر نقش کسانی مانند مرحوم دکتر داوود فاطمی را که در زمان ریاست دکتر افتخار جهرمی به عنوان قائم‌مقام ریاست کانون ایفای نقش کرده بود را نمی‌توان از یاد بُرد اما در سال ۱۳۷۶ یعنی در اواخر دوره ریاست افتخار جهرمی بر کانون وکلا و با تصویب قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری، بیستمین دوره انتخابات هیئت مدیره کانون وکلا و اولین دوره آن

اینکه یک وکیل و نهاد وکالت که وکلا را در بر می‌گیرد مستقلاً بتواند مسئولیتی که بر دوش آنها نهاده شده را به نحو احسن انجام دهد، بدون شک موجبات تعالی نظام و دستگاه قضایی را فراهم می‌کند و این دقیقاً همان اصولی است که در تشریح برقراری دموکراسی هم مورد اشاره قرار گرفته است





اجتماعی علامه سید محمدحسین طباطبایی(ره) داشته باشیم. ایشان در المیزان و در تفسیر آیه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل: ۹۰)، عدالت را به عدالت انسان فی نفسه، عدالت فردی، عدالت انسان نسبت به دیگری و عدالت اجتماعی تقسیم‌بندی می‌کند و تذکر می‌دهد که مقصود از عدل در آیه مذکور (بنابر ظاهر سیاق آیه) همان عدالت اجتماعی است؛ چراکه آیات ۹۰ تا ۱۰۵ سوره نحل، به بیان اموری می‌پردازد که اساس جامعه بشری هستند.

از نظر طباطبایی دومین حوزه از عدالت که ایشان با بهره‌بردن از معنای حقیقی عدل به تعریف آن می‌پردازد، عدالت فردی است. عدل در افعال فردی این است که انسان آنچه را که موجب سعادت وی است، انجام دهد و از عملی که تبعیت از هوای نفس به حساب می‌آید و در نتیجه موجبات شقاوت آدمی را میسر می‌کند، پرهیز کند.

اما در باب عدالت اجتماعی ایشان معتقد است که عدل در بین مردم به این است که هر کسی در جایگاهی که به حکم عقل، شرع یا عرف مستحق آن است، قرار بگیرد و بر این اساس، به نیکوکار نیکی شود، بدکار مجازات شود، حق مظلوم از ظالم گرفته شود و در اجرای قانون تبعیضی صورت نگیرد و استثنایی رخ ندهد. در نهایت علامه طباطبایی بر اساس آنچه گذشت، به ویژه معنای حقیقی عدل، به تعریف عدالت اجتماعی می‌پردازد و می‌گوید: «عدالت اجتماعی عبارت است از اینکه با هر یک از افراد جامعه آنگونه که مستحق آن است برخورد شود و در جایگاهی که شایسته آن است قرار گیرد».

بنابراین همانطور که اشاره شد، می‌توان گفت که هفتم اسفند ماه و سالروز استقلال کانون وکلا صرفاً یک تاریخ صنفی و محدود به وکلا و جامعه حقوقی نیست، بلکه این رویداد تاریخی است که قدمتی بیش از ۷۰ سال دارد. این روز یک دستاورد اجتماعی برای تمامی مردمان ایران زمین است که تک به تک آنها قطعه‌ای از پازل مطالبه‌گران عدالت اجتماعی هستند.

اشاره: بخشی از نوشتار پیش‌رو از دو کتاب «دیدگاه‌های صنفی پیرامون نهاد وکالت» و «پیوندهای ناموزون بر حق دفاع و وکالت دادگستری»، تألیف دکتر محمود حبیبی استخراج شده است.

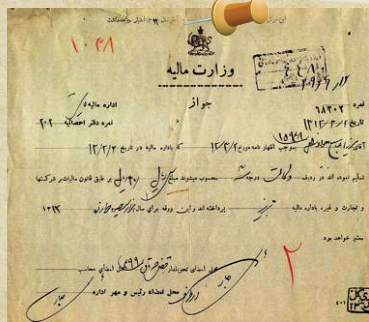
استقلال قاضی و دستگاه قضا دانست. خوشبختانه در مورد وکلا، در ماده واحده طرح انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی که توسط مجلس شورای اسلامی مصوب و در تاریخ ۱۱ مهر ماه ۱۳۷۰ به تایید مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید، این موضوع صراحتاً قید شده که «اصحاب دعوی حق انتخاب وکیل دارند و کلیه دادگاه‌هایی که به موجب قانون تشکیل می‌شوند مکلف به پذیرش وکیل می‌باشند». در صدر تبصره ۳ همین طرح به طور واضح آمده است که «وکیل در موضع دفاع، از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا، برخوردار می‌باشد» که همین نکته جایگاه رفیع وکالت و عدم خدشه‌دار شدن حرمت و شخصیت وکلا را بازگو می‌کند.

آنچه در این بین به محل اختلاف و اعتراض برخی‌ها تبدیل شده، اعمال سلاقی شخصی یا جناحی در مسیر برقراری نظم و عدالت است. در این مورد نظرات و متون زیادی به رشته تحریر درآمده که قصد کالبدشکافی آن را نداریم اما باید متوجه بود که از حیث اندیشه دینی و اسلامی هم، بحث عدالت اجتماعی همیشه از موضوعات مورد اشاره بوده است.

در این مورد بد نیست که نگاهی به نظریه عدالت



عکس یادبود جلسه مشترک کانون وکلا دادگستری
در ۱۳۴۸/۱۱/۶ تبریز



نمونه حواری وزارت مالیه وقت
جهت تمدید اعتبار وکالتی
پروانه وکالتی درجه ۳ در مورخه ۱۳۱۲



نمونه پروانه وکالت مرحوم اسحق پیشوا از روسای اسبق
کانون قبل از تصویب لایحه قانونی استقلال کانون ها



علی ابوالفتحی در کتابخانه کانون وکلا دادگستری آذربایجان به تاریخ ۱۳۴۴/۸/۱۲



علی ابوالفتحی در کنگره بین المللی وکلا با حضور
رئیس جمهور آنریس در تاریخ ۲۴ مهر ۱۳۴۶



جلسه تودیع با آقای علی اصغر امین رئیس دادگستری آذربایجان در سالن
شهرداری تبریز به تاریخ ۱۳۳۵/۱۱/۲



عکس یادگاری بمناسبت جشن استقلال کانون وکلا دادگستری



اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران
و قریب دو دهه فعالیت ساختارمند

اسکودا و لزوم نهادگرایی در صنف وکالت

گزارش

فرشاد گلزاری

عالم حقوق و وکالت ستاره‌های درخشانی در دل خود دارد که برخی اوقات انسان از رخت بستن این جواهرات علمی، تأسف می‌خورد، چراکه این افراد به غایت در کالبد علم حقوق و همچنین رسالت وکیل عمیق شده بودند و رهنمودهایشان همین حالا راهگشای صنف وکالت است. در کشور خودمان کسانی مانند مرحوم دکتر ناصر کاتوزیان، بارها و بارها بر مستقل بودن وکیل و استقلال نهاد وکالت تأکید و اصرار کردند و حالا هم دنباله‌روهای ایشان و سایر اساتید نام‌آشنای حقوق کشورمان پیگیر آن هستند تا این مهم در بالاترین سطح اجرا و محقق شود.

برخوردار باشد.

آنچه از جمله روسکو پاوند استنباط می‌شود این است که او صرفاً «اجرای عدالت از طریق و مطابق قانون» را موردنظر خود قرار داده اما برای تکمیل این تئوری می‌توان گفت که بدون داشتن یک نهاد هماهنگ و همدل نمی‌توان به این خواسته دست پیدا کرد.

پدیده اتحادیه و غربال مشکلات

در علم اقتصاد مبحثی به نام «نهادگرایی» گنجانده شده که یک نوع تجزیه و تحلیل اقتصادی به شمار می‌رود و نقش نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در تعیین وقایع اقتصادی مورد تاکید قرار می‌دهد. تکیه بر نهادگرایی از اواخر قرن ۱۹ به ویژه در میان اقتصاددانان آمریکایی بروز کرد و نخستین اقتصاددانانی که به تبیین این مکتب پرداختند تورستین وبلن (Thorstein Veblen) و جان راجر کامونز (John Rogers Commons) بودند.

نهادگرایی در واقع نقدی است بر اقتصاد نئوکلاسیک و مهم‌ترین نقد نهادگرایان به هواداران اندیشه نوکلاسیک این است که به نظر آنها، نوکلاسیک‌ها عناصر و فضاهای غیراقتصادی که افراد در آن تصمیم می‌گیرند را نادیده می‌گیرد و در تحلیل وضعیت اقتصادی، «مسائل اجتماعی و حقوقی» را از متن تحلیل خود به حاشیه هدایت می‌کنند. به باور نهادگرایان، انسان موجودی است اجتماعی که برای حفظ منافع مشترک و متقابل خود اقدام به تشکیل

گروه‌ها و تشکلهای با دیگران می‌کند و در این راستا اتحادیه‌ها، سندیکاها و تشکلهای صنفی در طول زمان و در راستای صیانت از مصالح و منافع صنفی ظهور یافتند.

در این میان باید متوجه بود که تعاریف گوناگونی از اتحادیه، صنف، سندیکا و حتی تشکل، انجمن و حتی تعاونی وجود دارد که هرکدام با دیگری قدری متفاوت است. عده‌ای معتقدند که در معنا و مفهوم، تمام این الفاظ با

در خارج از کشور پهناورمان هم کسانی بوده و هستند که استقلال و کیل و نهاد و کالت را برای شاگردان و حتی جامعه حقوقی کشورشان بازگو و بر آن تاکید کرده‌اند. یکی از آنها که باید او را نابغه عالم حقوق در غرب بدانیم، «ناتان روسکو پاوند» (Nathan Roscoe Pound) است که در برخی از ترجمه‌های داخل کشور از او با نام «راسکو پاوند» نام برده شده است.

او در اکتبر ۱۸۷۰ میلادی در شهر لینکلن از توابع ایالت نبراسکا در ایالات متحده به دنیا آمد. فارغ از فراز و فرودهای زندگی شخصی و علمی‌اش، او از سال ۱۹۰۳ تا ۱۹۱۱ به عنوان رئیس کالج حقوق دانشگاه نبراسکا خدمت کرد و از سال ۱۹۱۶ تا ۱۹۳۶ رئیس دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد بود و توانست آثاری مانند «تفسیر جعلی»، «حقوق عمومی»، «قانون و اخلاق» و «عدالت کیفری در آمریکا» را در میانه سال‌های ۱۹۰۷ تا ۱۹۳۰ میلادی به رشته تحریر درآورد. یکی از توانایی‌های روسکو پاوند تسلط بر زبان لاتین بود که باعث شد تا او بتواند از حقوق رومی در تدریس خود استفاده کند و آن را به زبان انگلیسی برگرداند. به همین جهت بسیاری از اساتیدی که در زمان او زیست می‌کردند معتقد بودند وی توانسته حقوق رومی را به هاروارد بیاورد!

اینکه چرا به روسکو پاوند و مرتبه علمی و جایگاه وی در بهترین دانشکده حقوق جهان اشاره کردم، نوع نگاه وی به نهاد یا صنف و کالت است. او معتقد بود که «برای ترویج و حفظ کالبد فعالیت و کالت به عنوان یک حرفه، هنر در روح

یک خدمت عمومی دنبال می‌شود؛ در روح خدمتی برای پیشبرد اجرای عدالت از طریق و مطابق قانون». دیدگاه این حقوقدان آمریکایی که متأسفانه غالباً شخصیت علمی وی نادیده گرفته می‌شود، به خوبی موید این بحث است که برای آنکه نهاد و کالت به عنوان مرجعی که قرار است قسط و عدل و داد را در لایه‌های میانی و زیرین جامعه برپا کند و خود را سپر بالای مظلوم قرار دهد، باید از یک انضباط مشخص

شکی وجود ندارد که در هر صنف و مکتبی، دوگانگی و اختلاف می‌تواند به مرور زمان موجبات اصطکاک و عدم بهره‌وری یک نهاد را رقم بزند و بدون شک صنف و کالت هم مانند سایر اصناف از این آفت مصون نیست و نخواهد بود و به همین دلیل اسکودا به عنوان یک نهاد غیردولتی و مستقل وظیفه جلوگیری و مهار این آفات را بر عهده دارد





به نام اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا) هم از سال ۱۳۸۲ وجود دارد که به نوعی باید آن را یک نهاد بالادستی دانست. اینکه چرا چنین نهادی آن هم با عنوان «اتحادیه» پدید آمده، شاید بتوان دلیلش را تعریف واژه اتحادیه یا اگر بخواهیم بهتر بگوییم، همبستگی و اجماع صنفی جست‌وجو کرد. شکی در این وجود ندارد که در هر صنف و مکتبی، دوگانگی و اختلاف می‌تواند به مرور زمان موجبات اصطکاک و عدم بهره‌وری یک نهاد را رقم بزند و بدون شک صنف وکالت هم مانند سایر اصناف از این آفت مصون نیست و نخواهد بود.

به همین دلیل اگر به اساسنامه اصلاحی اسکودا که هیأت عمومی این نهاد صنفی آن را در ششم خرداد ماه ۱۴۰۰ مصوب کرده رجوع کنیم به خوبی می‌بینیم که در ماده ۳ این اساسنامه صراحتاً به اختیارات و وظایف اسکودا و حتی هدف از تاسیس این اتحادیه اشاره شده است. در بند (ب) این ماده «ایجاد هماهنگی و رویه واحد در اجرای وظایف کانون‌های وکلای دادگستری» ذکر شده که به روشنی همان بحث نهادگرایی و ایجاد یک وحدت رویه صنفی را به ما گوشزد می‌کند.

در بند (ت) هم بحث هماهنگی بین ۲۸ کانون عضو در ارتباط با قوای سه‌گانه و سایر مراجع

یکدیگر همسوی حداقل مترادف هستند اما زمانی که ذات این نهادهای ریز و درشت را کالبدشکافی می‌کنیم می‌بینیم که تفاوت‌های شکلی و ماهوی (و حتی ماهیت حقوقی) آنها ما را به این نتیجه می‌رساند که باید میان تشریح این الفاظ تفاوت جدی قائل شویم. خارج از این مسائل آنچه که از تعریف اتحادیه به ما نشان می‌دهد این است که عملاً اتحادیه در مورد یک صنف کاربرد دارد.

در تعاریف آمده که «اتحادیه صنفی تشکیل شده از افرادی خوشنام از هر صنف به منظور حمایت از حقوق صنفی آن رسته مشاغل و ایجاد همکاری در میان افراد آن صنف و بهبود خدمات به مصرف‌کنندگان و ارتباط با موسسه‌های دولتی و خصوصی و انجام وظایف در قوانین نظام صنفی و آئین‌نامه‌های مربوطه گردهم می‌آیند و اتحادیه آن صنف را تشکیل می‌دهند. بازرسان اتحادیه هر صنف و رسته شغلی باید تخصص کافی در آن شغل را داشته باشند». در تحلیل این تعریف شاید عده‌ای معتقد باشند که منظور از صنف همان کانون وکلا است که در حال حاضر ۲۸ کانون در سراسر ایران فعالیت دارند؛ اما به نظر می‌رسد که استعمال لفظ «اتحادیه» چراغ راه اینگونه تحلیل‌ها خواهد بود.

در صنف وکالت علاوه بر بحث استقلال و پدید آمدن کانون‌های وکلای دادگستری، نهاد دیگری



باشد، بدون تردید چیزی جز گسسته شدن تار و پودهای آن به چشم نخواهد خورد. اسکودا هم در سال‌های اخیر با پاسخ دادن به انتقادهای صحیح و صواب جامعه وکلا و حتی بدخواهان خود که در خارج از مدار نهاد وکالت مستقر هستند، به نوعی سعی کرده تا نقش یک کاتالیزور یا تنظیم کننده امور جاری ۲۸ کانون وکلا و همچنین روابط آنها با محیط خارج از عالم وکالت را بازی کند و در جایی دیگر سعی کرده تا بتواند به هر ترتیب که شده از حقوق صنفی و فردی وکلای دادگستری دفاع کند. فارغ از این بحث، ارتقای دانش حقوقی وکلای دادگستری و به‌روز کردن قوانین برای اعطای پروانه وکالت از طریق برگزاری آزمون در سراسر ایران، گامی دیگر در جهت اعتلای نهاد وکالت است که این مهم هم بر عهده اسکودا قرار دارد. حال با عنایت به راه پر فراز و نشینی که در مسیر نهاد وکالت قرار دارد باید گفت که حیات اسکودا به نوعی در کشور یک الزام به حساب می‌آید و بدون تردید تقویت این اتحادیه که در جهت حفظ منافع نهاد وکالت و استقلال کانون‌های وکلا گام برمی‌دارد، می‌تواند در سالیان پیش‌رو نویددهنده پویایی و غربال مشکلات برای رسیدن به هدف نهایی یعنی گسترش عدل و داد و حمایت از مظلوم باشد؛ چراکه حراست و حفاظت از نهاد وکالت و کانون‌های وکلا که به زینت و کیل آراسته شده، امری واجب و لازم برای تمام دوران‌ها است.

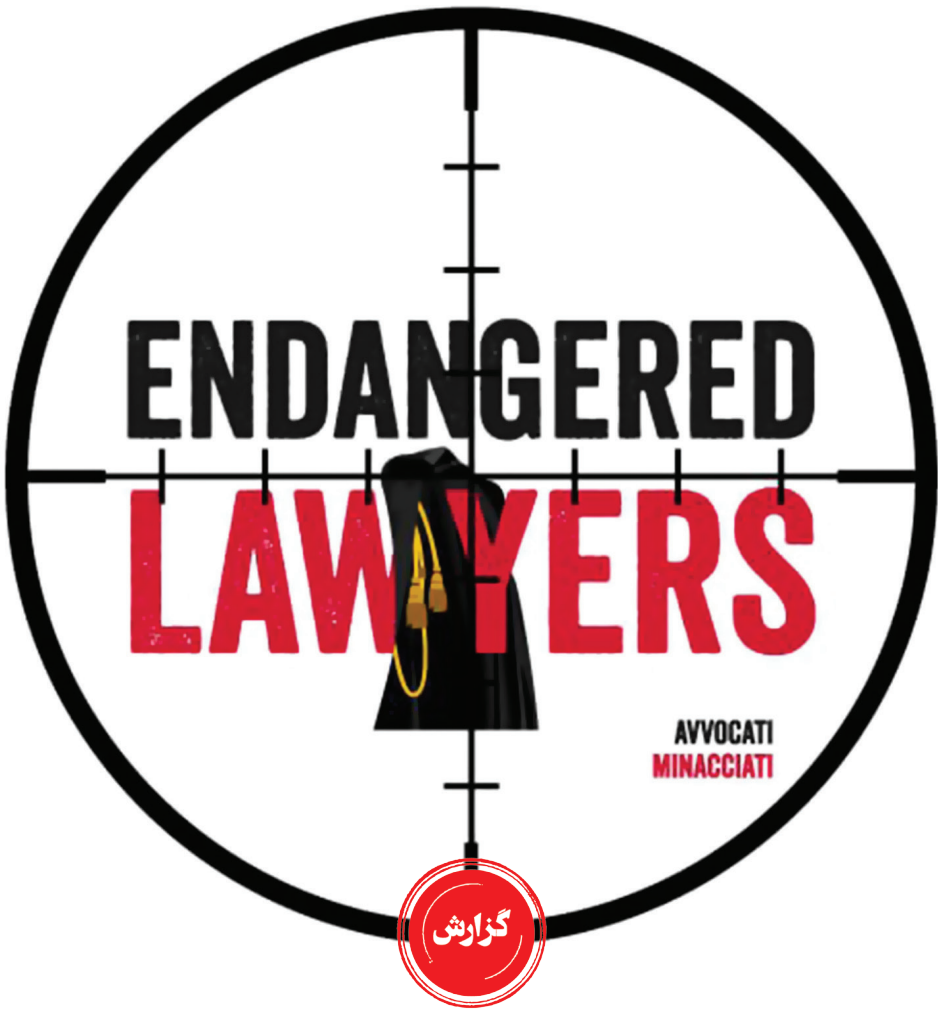
قانونی مورد اشاره قرار گرفته که این مساله هم به نوعی نشان دهنده لزوم یکدست‌سازی ارتباطات و یکصدایی در واکنش نشان دادن به موضوعاتی است که به نوعی نهاد وکالت و وظایف وکلا را تهدید می‌کند و می‌تواند موانع جدی بر سر راه ایشان در انجام ماموریت خود ایجاد کند.

آنچه در این میان به نوعی باید مورد نظر قرار گیرد این است که خانواده وکالت تنها نهاد مدنی کشور است که به نوعی بارها و بارها و با راه‌های مختلف مورد حمله قرار گرفته است، همه‌هایی که گاه‌ها همانند سیل به صورت سازمان‌دهی شده به سوی اسکودا روانه می‌شود و عاملان آن از خود نمی‌پرسند که قرار است که چیزی در این رابطه به چنگ آورند؟! باید به این باور برسیم که نهاد وکالت طی دهه‌های گذشته و در بزنگاه‌های گوناگون توانسته پاسدار قانون، حق و عدالت باشد و در این راه

عموم مردم به دلیل آنکه بدون واسطه با وکلا به عنوان سربازان نهاد وکالت روبرو هستند، شاهد ایشار این طیف بوده‌اند. بر این اساس هماهنگی، ایجاد نظم و انضباط سازمانی که در تمام دنیا به خصوص کشورهای توسعه‌یافته شرق آسیا که امروز پاسپورت آنها در صدر جدول ارزشمندترین‌های دنیا قرار دارد، یکی از اصلی‌ترین مولفه‌های یک نهاد سالم و با اصالت به حساب می‌آید؛ چراکه اگر هماهنگی و هم‌صدایی در روند اجرایی یک نهاد وجود نداشته

اسکودا در سال‌های اخیر با پاسخ دادن به انتقادهای صحیح و صواب جامعه وکلا و حتی بدخواهان خود که در خارج از مدار نهاد وکالت مستقر هستند، به نوعی سعی کرده تا نقش یک کاتالیزور یا تنظیم کننده امور جاری ۲۸ کانون وکلا و همچنین روابط آنها با محیط خارج از عالم وکالت را بازی کند و در جایی دیگر سعی کرده تا بتواند به هر ترتیب که شده از حقوق صنفی و فردی وکلای دادگستری دفاع کند





مروری بر حوادثی که در یک سال گذشته برای وکلای دادگستری اتفاق افتاد

خشونت علیه وکلا به جرم ایفای مسئولیت!

پانید فاضلیان

اگر وکلای دادگستری را یکی از حلقه‌های اتصال مردم و حاکمیت بدانیم، کم نیستند مواردی که این حلقه‌های واسطه در ارتباط با فعالیت حرفه‌ای خود، از سوی یکی از طرفین دعوا مورد برخورد قرار گیرند.



همراه موکلش به قتل رسید. قاتل، همسر موکل بود و وکیل و موکل هر دو در جریان این حمله بر اثر اصابت گلوله کشته شدند.

این حادثه روز ۱۴ بهمن ماه سال ۱۳۹۹ در کرمانشاه اتفاق افتاد و از آن زمان تاکنون پرونده رسیدگی به آن همچنان در جریان است، این حادثه در نوع خود بازتاب گسترده‌ای داشت. بر این اساس آخرین اطلاع‌رسانی مربوط به این پرونده در میانه تابستان صورت گرفته است و هنوز روند رسیدگی به آن ادامه دارد و هنوز پرونده در در انتظار نتیجه استیذان است.

سوء قصد به وکیل همدانی در تهران

وقتی وکیل مهدی روزبهرانی روز ۲۵ دی ماه سال گذشته برای پیگیری یک پرونده از همدان به تهران آمد گمان نمی‌کرد از طرف موکلش مورد سوء قصد قرار بگیرد. در بخش‌هایی از گزارش مبسوطی که به فاصله چند هفته بعد از این حادثه منتشر شد، آمده است: «حدود ۹ ماه قبل متهم در یک پرونده مالی و بانکی، مهدی روزبهرانی را به عنوان وکیل انتخاب می‌کند.

در حالی که پرونده هنوز از جهات مختلف در جریان است متهم به بهانه ملاقات با یک مقام قضایی، وکیل خود را از همدان به تهران دعوت می‌کند و مدعی می‌شود که باید وکیل خود در این ملاقات حاضر شود. بعد از حضور روزبهرانی در محل کار متهم، ناگهان متهم، وی را با مشت و چاقو مورد ضرب و جرح قرار می‌دهد.»

در این گزارش دلیل این حمله ناگهانی ناراضی‌تی موکل یعنی همان متهم به ضرب و جرح وکیل دادگستری، از نتیجه پرونده اعلام شده است. بعد از ایراد ضرب و جرح و تهدید، وکیل روزبهرانی ناگزیر به امضای اجباری چند فقره اوراق مالی می‌شود و به فاصله چند روز از بازگشت به همدان از ناحیه ضارب و فرستادگانش بابت پرداخت نکردن مبالغی وجه نقد، مورد تهدید قرار می‌گیرد.

هرچند همان زمان از ناحیه این وکیل دادگستری شکایتی مطرح می‌شود اما در بایگانی اخبار سایت‌ها، خبر از سرنوشت این حادثه منتشر نشده است.

غافلگیری وکیل تهرانی با ۱۷ ضربه چاقو

حمله به وکیل ابوالفضل رؤف از وکلای دادگستری کانون مرکز یک هفته مانده به پایان سال گذشته اتفاق افتاد. حوالی ساعت ۲۱

تقابل میان وکلای دادگستری با یکی از طرفین دعوا خواه کارگزار حاکمیت باشد یا شخص حقیقی - مسئله شناخته شده‌ای است که از بعد وقایع اخیر، موارد وقوع آن بیشتر شده است. اینکه احدی از وکلای دادگستری حین دفاع از موکل و ایفای مسئولیت خود به دلیل تلاش برای استقرار حاکمیت قانون با محدودیت‌های بازدارنده‌ای از سوی حاکمیت سیاسی مواجه شود، امر تازه‌ای نیست و اختلاف نظر بر سر این موضوع حتی قدمتی فراتر از تاریخ استقلال نهاد وکالت دارد.

اتفاق دیگری که تقریباً به همین اندازه قدمت دارد، برخوردهای سلبی و قهری است که از سوی بخش‌هایی از جامعه با برخی از وکلا صورت می‌گیرد. در واقع در موارد متعددی که تا به امروز در حال تکرار شدن هستند، افرادی که خود را به ناحق متضرر از عملکرد وکلا می‌دانند، ترجیح می‌دهند تا به جای متوسل شدن به رویه‌های قانونی، شخصا برای تسویه حساب اقدام کنند.

این اتفاق که برعکس تقابل حاکمیت با وکلا، کمتر راجع با آن صحبت می‌شود، اغلب اوقات در قالب ایجاد مزاحمت، ایراد ضرب و جرح، وارد آوردن خسارت و حتی اقدام به قتل نمود پیدا می‌کند. با ذکر این حقیقت که در نتیجه رخدادهای چند ماه گذشته، شمار بیشتری از وکلای دادگستری در ارتباط با انجام فعالیت حرفه‌ای خود دچار محدودیت شده‌اند، گزارش پیش‌رو صرفاً به بازخوانی اخبار حوادثی خواهد پرداخت که به صورت تقریبی در بازه زمانی یک سال گذشته، از ناحیه شاکیان و معترضان از درون جامعه و خارج از حاکمیت برای شماری از وکلای دادگستری اتفاق افتاده‌اند.

پرونده قتل کارآموز کرمانشاهی

یک سال بعد از حادثه

پریوش ظفیری کارآموز وکالتی بود که در رابطه با یک پرونده استرداد جهیزیه به



ریختند و تا می‌توانستند او را مورد ضرب و جرح قرار دادند.

برادر این وکیل دادگستری در توضیح این حادثه می‌گوید: «حمله در پنجم اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ اتفاق افتاد. در محدوده خیابان بصیری و میدان چایچی، ۶ نفر با قصد و برنامه قبلی از یک خودروی پژو ۲۰۶ پیاده شدند و بعد از فحاشی به برادرم حمله کردند.»

از قرار معلوم این حمله در نهایت با مداخله مردم خاتمه می‌یابد و ضاربان از ترس متواری می‌شوند اما به دلیل دستپاچگی شاهدان، از شماره خودروی متهمان و چهره آنها رد و نشانی وجود ندارد.

ضرب و شتم وکیل این بار در شعبه دادگاهی در تهران

وکیل مهران سراجی صادقی وقتی در یکی از روزهای بهاری امسال برای پیگیری پرونده اجرای مهریه یکی از موکلانش به دادگاهی در تهران رفته بود، فکرش را هم نمی‌کرد آن روز کاری‌اش را با شنیدن ناسزا و ضرب و شتم تمام کند.

اگر کار پرونده مزبور که این وکیل ۶۵ ساله وکالت یکی از طرفین آن را بر عهده داشت به درگیری و برخورد نمی‌کشید، می‌توانست پایانی مانند هزاران پرونده دیگر اجرای مهریه داشته باشد، اما از قضای روزگار این پرونده در نوع خود از هر جهت یک استثنا بود.

معلوم نیست که در آن روز کذابی چه اتفاقی افتاده است که در نهایت در محل شعبه درگیری رخ می‌دهد. برخلاف حوادث دیگر که معمولاً یک سمت درگیری موکل یا طرف دیگر دعوا هستند، گویا در این پرونده افراد شاغل در دادگاه با وکیل سراجی صادقی وارد دعوی می‌شوند.

سرنوشت پیگیری این حادثه نیز به مانند موارد مشابه دیگر چندان مشخص نیست، فقط به استناد برخی اخبار منتشر شده که حاکی است شکایتی در همین رابطه در دادسرای کارکنان دولت ثبت شده اما به نظر می‌رسد نتیجه این رسیدگی چندان مورد رضایت وکیل سراجی صادقی با ۳۳ سال سابقه وکالت قرار ندارد.

سوءقصد به جان وکیل اصفهانی

خبر سوء قصد به جان سیامک شمسی از وکلای دادگستری در خرداد ماه ۱۴۰۱ در استان اصفهان اینطور منتشر شد: «دقایقی قبل به سیامک شمسی از وکلای دادگستری در اصفهان با چاقو حمله شد. این تعرض توسط چند نفر



شامگاه ۲۲ اسفند ماه این وکیل دادگستری در خیابانی بین دفتر تا منزلش از سوی دو مهاجم غافلگیر شد و مورد اصابت ۱۷ ضربه چاقو قرار گرفت. در مطلبی که در این رابطه منتشر شد، از زبان این وکیل مجروح اینطور آمده است: «در ۸ متری خانه ناگهان یک نفر از پشت یقه کتم را گرفت و با چاقو به سرم ضربه زد. بعد از اینکه زمین خوردم، خودم را جمع کردم تا به شکم ضربه‌ای وارد نشود اما در مجموع ۱۷ بار از ناحیه سر، پا، پشت و پهلو مورد حمله چاقو قرار گرفتم. ۱.۵ لیتر خون از دست دادم و بعد از بستری در بیمارستان، پزشکان ۱۴ مورد از زخم‌های ایجاد شده را بخیه زدند.»

وی همچنین در مورد هویت مهاجمان ناشناس گفت: «این افراد اجیر شده و قاتل حرفه‌ای بودند، آنها کمین کرده بودند و احتمال می‌دهم حمله آنها به یکی از پرونده‌هایم مربوط می‌شود.»

هرچند آقای رئوف بعد از بهبود نسبی و ترخیص از بیمارستان نسبت به طرح شکایت اقدام می‌کند اما از سرنوشت این پیگیری‌ها خبری در دست نیست.

حمله ۶ نفری به وکیل دادگستری در تهران

علی شریفی خضراتی وکیلی است که ناگهان ۶ نفر با قمه و چوب بر سرش



نیست اما در رابطه با تامین امنیت وکیل همکار در این پرونده به مقامات مسئول امنیتی-قضایی اطلاع داده شده است.» یک روز بعد از ارتکاب این قتل، حجت الاسلام رضی پارسامش، دادستان شاهرود از دستگیری مظنون احتمالی خبر داد و در عین حال احتمال دخالت فرد یا افراد دیگر در این پرونده را نیز متصور دانست. دو روز بعد از این حادثه محمدجعفر عبداللهی، رئیس کل دادگستری استان سمنان ضمن اعلام خبر شناسایی و دستگیری مظنونان و انتقال آنها برای بازجویی، گفت: «مرحوم جعفری آقایی پیش از فوت و هنگام انتقال به بیمارستان، مظنونان احتمالی را معرفی کرده بود.» در ادامه واکنش‌ها نسبت به این حادثه نیز سخنگوی قوه قضائیه در نشست خبری روز ۲۵ مرداد اعلام کرد: «متهمان این پرونده با صدور قرار کیفری در بازداشت هستند.»

ابتدای بهمن ماه ۱۴۰۱ نیز رسول کوهپایه‌زاده وکیل اولیای دم این پرونده اعلام کرد: «با گذشت ۵ ماه از وقوع این قتل هنوز روند رسیدگی به این پرونده با مشکلاتی همراه است.»

ضرب و جرح شدید یک وکیل دیگر در ارومیه خبر ضرب و جرح عسگر صادق از وکلای دادگستری در آذربایجان شرقی، شب پنجم شهریور ۱۴۰۱ در ارومیه اتفاق افتاد. در جریان این حادثه شخص ناشناسی بعد از خروج این وکیل دادگستری از محل کارش به او حمله کرده و او را مورد ضرب و جرح قرار می‌دهد، هرچند که حال عمومی این وکیل دادگستری رضایت‌بخش عنوان شد. برخلاف حوادث مشابه به نظر می‌رسد که این حادثه فرجام مشخصی نداشته باشد. روز ۲۵ مهر ماه روابط عمومی کانون وکلای دادگستری آذربایجان غربی در خبری اعلام کرد: «به دنبال پیگیری‌های انجام شده، متهم این حادثه پس از گذشت نزدیک به دو ماه دستگیر و به جرم خود اعتراف کرد. این شخص در راستای ادامه رسیدگی در اختیار دستگاه قضایی قرار دارد.»

قتل یک وکیل دیگر این بار در لرستان نصیر فرخ‌نژاد، وکیل پایه دو دادگستری در تاریخ ۱۸ شهریور ۱۴۰۱ در شهر خرم‌آباد به قتل رسید. مقتول یکی از کاندیداهای ادوار شورای اسلامی شهر خرم‌آباد بود و در روز حادثه همراه با فردی که به منزلش مراجعه کرده بود با خودروی شخصی خارج شده بود. به فاصله یک روز بعد، پیکر غرق به خون این وکیل دادگستری در منطقه چغلوندی پیدا

صورت گرفت و در حال حاضر پزشکان بیمارستان درحال بخیه زدن زخم‌های این وکیل مضروب هستند.»

در ادامه توضیحات منتشر شده، از زبان وکیل شمس نیز چنین نقل شد: «برای جلسه دادگاه یکی از موکلانم عازم دادگاه بودم اما پیش از ورود مورد سوءقصد قرار گرفتم. شخصی نیم ساعت مانده به شروع دادگاه در مقابل درب ورودی با چاقو از پشت سر ضربه‌ای زد و بعد آن را پایین کشید. در جریان این حمله کمرم بیش از ۵۰ بخیه خورد.» گویا سیامک شمس تنها یک مورد پرونده ملکی در اصفهان داشته است و از قرار در رابطه با همین پرونده قصد حضور در دادگاه را داشت که مورد حمله قرار می‌گیرد.

قتل وکیل دادگستری در شاهرود



بامداد روز ۱۷ مرداد ۱۴۰۱ زندگی محمودرضا جعفری آقایی از وکلای دادگستری کانون مرکز با شلیک چند گلوله پایان یافت. قتل این وکیل دادگستری در محل سکونتش و مقابل چشم همسر و فرزندش اتفاق افتاد. گلوله‌ها حوالی ساعت یک بعد از نیمه شب شلیک شدند اما با وجود اقدامات پزشکی لازم این وکیل دادگستری حوالی ساعت ۵ بامداد درگذشت.

همان روز برخی همکاران این وکیل ۳۳ ساله گفتند: «جعفر آقایی در آزمون وکالت سال ۹۸ پذیرفته شد، متاهل و دارای یک فرزند پسر ۵ ساله بود و از مدتی قبل توسط برخی افراد مورد تهدید قرار گرفته بود.»

افراد مطلع نزدیک به پرونده نیز اعلام کردند: «مقتول به اتفاق وکیل دیگر در پرونده‌ای اقتصادی درحال انجام وظیفه بودند، موکل پرونده از یک ماه پیش بازداشت است و به تازگی برای او کیفرخواست صادر شده بود، به دلیل محرمانه بودن امکان ارائه جزئیات مربوط به مظنونان



قرار گرفت. سه ناشناس مسلح که چهره خود را پوشانده بودند هنگام مراجعت این وکیل دادگستری از محل کار به منزل، او را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

در خبر مربوط به این سوءقصد اینگونه آمده بود: «آقای حیدرنیا هنگام خروج از فروشگاهی در نزدیکی محل کارش با مهاجمان روبرو می‌شود، یکی از مهاجمان به صورت وی می‌کوبد و ضارب دیگر با لگد وی را مصدوم می‌کند. این حمله ۵ دقیقه طول می‌کشد و جراحت وارده به شکستگی بینی و دندان منجر می‌شود.»

از جزئیات این پرونده و سرنوشت آن نیز اطلاعی در دست نیست.

ضرب و جرح یک وکیل در مجاورت کانون وکلای مرکز

۲۳ آبان ماه ۱۴۰۱ خبر دیگری در رابطه با ضرب و جرح یک وکیل دادگستری در تهران منتشر شد. محل وقوع حادثه حد فاصل ۱۰۰ متری کانون وکلای مرکز بوده است.

در این رابطه محمد شاه محمدی، نایب رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز بدون ذکر نام و افشای هویت این وکیل مصدوم چنین اعلام کرد: «سوء قصد هنگامی رخ داد که این وکیل از جلسه دادسرای انتظامی وکلا باز می‌گشت. این جلسه به شکایتی ربط داشت که علیه این وکیل طرح شده بود. در جلسه دادسرا طرفین دعوی به توافقی می‌رسند. هویت حمله‌کنندگان مشخص نیست هرچند احتمال می‌رود که حمله صورت گرفته با شاکی این جلسه مرتبط باشد.»

حمله به یک وکیل تهرانی دیگر این بار در نزدیک کلانتری دربند

وحید مهرادی‌فر یکی از اعضای کانون وکلای استان البرز است که روز ۲۲ آذر ماه ۱۴۰۱ در فاصله ۳۰۰ متری کلانتری دربند با چاقو مورد حمله قرار گرفت.

هرچند هویت مهاجم یا مهاجمان نامشخص اعلام شد اما این وکیل دادگستری در این رابطه گفته است: «پس از یک جلسه رسیدگی و هنگام پیاده شدن از خودرو با چاقو مورد حمله قرار گرفتم. محل حادثه حوالی شورای حل اختلاف و در ۳۰۰ متری کلانتری دربند بود. بخشی از صورتم آسیب دید و گوشم از وسط بریده شد. از روی جثه و صدا ضارب را شناختم اما هنوز شناسایی نشده است.»

می‌شود. مقتول بر اثر وارد آمدن ضربات چاقو کشته و در نهایت خودروی او نیز با صندلی‌های خونی پیدا می‌شود. به فاصله ۴۸ ساعت بعد از این حادثه، سرهنگ زرغام، فرمانده انتظامی چگنی لرستان از دستگیری عامل این حادثه خبر داد و گفت: «متهم در بازجویی به جرم خود اعتراف کرده و دلیل ارتکاب این قتل را اختلافات شخصی عنوان کرده است.»

قتل کارآموز وکالت در کرمان

محسن برهمند از کارآموزان وکالت در استان کرمان روز نهم مهر ماه ۱۴۰۱ به قتل رسید. وی از قبول‌شدگان آزمون وکالت سال ۹۹ بود و در روز حادثه با اسلحه گرم مورد حمله مسلحانه قرار گرفت. حجت‌الاسلام ابراهیم حمیدی، رئیس کل دادگستری استان کرمان سه روز بعد از این حادثه گفت: «مقتول در زمان اقامتش در منزل پدری واقع در دلفارد شهرستان جیرفت به قتل می‌رسد. این حادثه توسط یک عده انجام شده است. شناسایی این افراد در دستور کار قرار دارد اما انگیزه آن شخصی است و ارتباطی با حرفه وکالت ندارد.»

سوء قصد به جان وکیل گیلانی

وکیل فرداد حیدرنیا از اعضای کانون وکلای دادگستری استان آذربایجان غربی شامگاه سه‌شنبه، ۱۰ آبان ماه در آستارا مورد سوء قصد

